

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



چکیده‌های هجدهمین همایش سالانه  
انجمن علوم سیاسی ایران  
**ایران امروز؛ مسائل و معضلات سیاسی**

۱ اسفند ۱۴۰۳

دانشکده مطالعات جهان

دانشگاه تهران

رئیس همایش:  
دکتر حسین سلیمی

دبیر علمی همایش:  
دکتر محمد سمیعی

دبیر اجرایی همایش:  
دکتر مهدی مهدوی زاهد

کمیته علمی همایش:  
دکتر حسین سلیمی

دکتر محمد سمیعی

دکتر سیدعلی مرتضویان فارسانی

دکتر سیدرضا موسوی نیا

دکتر مهدی مهدوی زاهد



طراح پوستر و جلد: ریحانه مدنیان  
هماهنگی: محسن مفیدی

ویرایش و صفحه‌آرایی:  
زهره جلال‌زاده





**محدث‌ترین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران**  
**ایران امروز؛ مسائل و معضلات سیاسی**  
**دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران**

دانشمست (۲): تالار میل، طبقه چهارم شرقی، اموازی با دانشمست ۳

<ul style="list-style-type: none"> <li>• سخنران کلیدی   دکتر حسین زعفر (رئیس هیئت دانشکده امور)</li> <li>• آیا تحریر ۳۲ می‌کننده بودایی تکرار می‌شود؟ بحرم‌های اقتصادی؛ درس‌هایی برای حج ایران   امیر کرمان‌حسینی (دانشگاه علامه طباطبائی)</li> <li>• نقش پرورگراسی جوانی در وضعیت نخبه‌های بزرگ‌ساز امنیت اقتصادی در ایران   محمد کمالی‌زاده (دانشگاه علامه اسلامی و مطالعات اجتماعی جهانی دانشگاهی)</li> <li>• ساخت اقتصاد سیاسی و شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی در ایران   علی گدلی و فریاد علیزادسنگی (دانشگاه شهید بهشتی، پهلوان کرمان)</li> <li>• اقتصاد سیاسی پانچاری: پرده در ایران (اقتصادی دیدگاه جنبه)   روحانه کجربوشی‌پور (دانشگاه تهران)</li> <li>• تحلیل سیاست‌های پولی، بانک مرکزی، روسیه در واکنش به تحریر ۳۲: از آغاز چنگ روسیه و اوکراین؛ درس‌هایی برای ایران   علی سوری (دانشگاه تهران)</li> </ul>	<p>سخنرانان و علما،ین عقلاحت:</p> <p>رئیس دانشمست:</p> <p>دکتر سید مسعود موسوی شافعی</p>	<p>سخنرانان و علما،ین عقلاحت:</p> <p>رئیس دانشمست:</p> <p>دکتر سید علی مرزوقیان</p>	<p>سخنران کلیدی   دکتر محمد قاضی (رئیس جامعه‌شناسی)</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• فراسوی پانچاری و دست‌نویس؛ باستان‌های سیاست‌های تحول‌خواهانه در ایران امروز   محسن عباسی‌زاده (دانشگاه تهران)</li> <li>• مطالبات زنان و حقوق جوانی قومی و مذهبی در ایران: بازگویی یا سازگاری؟   رقیه محمدی، سیده محمدمعلی قوی (دانشگاه علامه طباطبائی)</li> <li>• فرهنگ سیاسی ایرانیان و مسئله تجدید در ایران معاصر   نور علی‌زاده‌سی (دانشگاه تهران)</li> <li>• ریشه‌های تاریخی فرهنگ سیاسی ایرانیان: آبیاری فرهنگ سیاسی ایران باستان و اسلام بر رفتارهای سیاسی معاصر   محمد عدلی (دانشگاه آزاد)</li> <li>• از راه‌های سنتی تا شبکه‌های اجتماعی: تحول در فرهنگ سیاسی ایرانیان   علی مرادی بهمنی (دانشگاه امام حسین)</li> </ul>	<p>سخنرانان و علما،ین عقلاحت:</p> <p>رئیس دانشمست:</p> <p>دکتر سید علی مرزوقیان</p>	<p>سخنران کلیدی   دکتر محمد قاضی (رئیس جامعه‌شناسی)</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• فراسوی پانچاری و دست‌نویس؛ باستان‌های سیاست‌های تحول‌خواهانه در ایران امروز   محسن عباسی‌زاده (دانشگاه تهران)</li> <li>• مطالبات زنان و حقوق جوانی قومی و مذهبی در ایران: بازگویی یا سازگاری؟   رقیه محمدی، سیده محمدمعلی قوی (دانشگاه علامه طباطبائی)</li> <li>• فرهنگ سیاسی ایرانیان و مسئله تجدید در ایران معاصر   نور علی‌زاده‌سی (دانشگاه تهران)</li> <li>• ریشه‌های تاریخی فرهنگ سیاسی ایرانیان: آبیاری فرهنگ سیاسی ایران باستان و اسلام بر رفتارهای سیاسی معاصر   محمد عدلی (دانشگاه آزاد)</li> <li>• از راه‌های سنتی تا شبکه‌های اجتماعی: تحول در فرهنگ سیاسی ایرانیان   علی مرادی بهمنی (دانشگاه امام حسین)</li> </ul>
--	--	---	--	---	--

دانشمست (۳): تالار جنتانه (زمین‌طبقه چهارم شرقی)، اموازی با دانشمست ۳

<p>سخنرانان و علما،ین عقلاحت:</p> <p>رئیس دانشمست:</p> <p>دکتر سید علی مرزوقیان</p>	<p>سخنرانان و علما،ین عقلاحت:</p> <p>رئیس دانشمست:</p> <p>دکتر سید علی مرزوقیان</p>	<p>سخنرانان و علما،ین عقلاحت:</p> <p>رئیس دانشمست:</p> <p>دکتر سید علی مرزوقیان</p>	<p>سخنرانان و علما،ین عقلاحت:</p> <p>رئیس دانشمست:</p> <p>دکتر سید علی مرزوقیان</p>
---	---	---	---

دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، خیابان کارگر شمالی، بین خیابان یادگرم و شاهزاده، پردیس شمالی دانشگاه تهران، خیابان علم و فناوری ۲



## فصلنامه‌های فلسفه سیاسی: ازجمله علوم سیاسی ایران **ابراهیم امروزی: مسائل و معضلات سیاسی** دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

نمایش (۴): آثار علّی (طبقه چهارم شرقی) امروزی با نمایش ۱۵

عنوان نمایش	رئیس نمایش	تاریخ نمایش
مسائل سیاسی	دکتر معینگر	۱۳۹۳ - ۱۵/۳
ساختار کلامی   دکتر صادق حقیقت (رئیس فقه سیاسی اندیشه سیاسی اسلامی)	لوری	نمایش (۵): آثار علّی (طبقه چهارم شرقی) امروزی با نمایش ۴
نسخن چگونگی تأثیر سنسوریک جریان یولانسی دینی و اصلاح طلبی سیاسی در شناسایی حقوق زن در ایران پس از انقلاب اسلامی   مهدی چهاردانی (دانشگاه علامه طباطبائی)	دکتر معینگر	عنوان نمایش
انقلاب اسلامی و مسئله سکولاریسم: تأملی از منظر بحث در الهیات سیاسی تجدد با نگرش بر دو مؤلفه زمان و اقتصاد   امیرنوشی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)	دکتر معینگر	مسائل جهانی و منطقه‌ای
تفسیربندی اجتماعی، مشکل‌ها و افسس آن‌ها در اعتراض‌های سیاسی در ایران پس از انقلاب   مرتضی پرویزی (دانشگاه علامه طباطبائی)	لوری	همنامی (سیاسی)
تحول تاریخی سنسوریک سیاسی در فقه سیاسی شیعه، مطالعه تطبیقی اندیشهٔ محمدحسن تائیدی و تباراد فخری (از مشروطیت تا جمهوری اسلامی)	لوری	عنوان نمایش
التهاب: راهبرد دوگانه، در آیندهٔ پسروری انقلاب اسلامی   ابراهیم حاجبانی (وزارت علوم تحقیقات و فناوری)	لوری	ساختار

دانشکدهٔ مطالعات جهان دانشگاه تهران، خیابان کارگر شمالی، بین خیابان پانزدهم و شانزدهم، پردیس شمالی دانشگاه تهران، خیابان علم و فناوری ۳



مقدمین همایش سازمانه انجمن علوم سیاسی ایران  
**ایران امروز: مسائل و تحولات سیاسی**  
دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

مراسم اختتامیه، تالار ختانه (نیم‌طبقه چهارم شرقی)

۱۷۴۳ - ۱۷۴۵	دکتر فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت
۱۷۴۵ - ۱۸۱۰۰۰	دکتر مهدی مهدوی زاهد، کارشناس سیاسی مدیر اجرایی مجلس

## فهرست

- سخن دبیر علمی همایش ..... ۱
- اقتصاد سیاسی ..... ۵  
بی‌اعتمادی به نهادهای حکومتی در ایران؛ عوامل اقتصادی و اجتماعی و نقش آن در کاهش مشارکت سیاسی
- سعید پورعلی، بابک ارسیا\* ..... ۶  
تأثیر فقدان رقابت بر توسعهٔ ناکارآمدی اقتصادی ایران امروز
- میترا راه‌نجات ..... ۸  
از مصادره تا خصوصی‌سازی؛ بررسی بازتاب تحولات مالکیتی بر عملکرد پانجاه‌سالهٔ شرکت هپکو
- عارف سبحانی ..... ۱۰  
تحلیل سیاست‌های پولی بانک مرکزی روسیه در واکنش به تحریم‌ها پس از آغاز جنگ روسیه و اوکراین: درس‌هایی برای ایران
- علی سبزی ..... ۱۳  
ساخت اقتصاد سیاسی و شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی در ایران
- یحیی کمالی\*، فرناز علیفرسنگی ..... ۱۶  
نقش بوروکراسی دولتی در وضعیت شاخص‌های برگزیدهٔ امنیت اقتصادی در ایران
- محمد کمالی‌زاده ..... ۱۸  
اقتصاد سیاسی پایداری تورم در ایران (بررسی دیدگاه چپ)
- روح‌اله کهن‌هوش‌نژاد ..... ۲۰  
آیا تحریم کار می‌کند؟ برداشتی نظری از کارایی تحریم‌های اقتصادی؛ درس‌هایی برای ج.ا.ایران
- اصغر کیوان‌حسینی ..... ۲۲

- ۲۴..... ساختار سیاسی  
تجربه بشری و نوآوری در سیاست؛ چرایی تقدم قانون اساسی بر حکمرانی سیاسی
- ۲۵..... رضا اکبری نوری\*، لیلا عیسی‌وند  
نقش شبکه‌های غیررسمی در شکل‌گیری تصمیم‌گیری‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران
- ۲۸..... حنا درشتی  
انباشت و درآمیختگی بحران‌ها در ایران امروز و ضرورت رفرم‌های چندگانه هم‌زمان
- ۳۰..... ابوالفضل دلاوری  
بررسی و تحلیل گفتمان سیاسی دولت چهاردهم با رویکرد زبان‌شناختی؛ بررسی موردی مناظرات انتخاباتی دکتر پزشکیان، سال ۱۴۰۳
- ۳۶..... محمد فقیری\*، غلام‌رضا کریمی  
رؤیای «دولت رفاه» در بستر «وفاق ملی»
- ۳۹..... علی قربانبور(دشتکی)  
تأثیر شبکه‌های غیررسمی بر سازمان‌های خصوصی کشور (با تأکید بر مؤلفه خودمختاری)
- ۴۱..... هومن ثاقب، سیدعلی مرتضویان\*  
جمهوری اسلامی و مسئله تأسیس: آسیب‌شناسی تأسیس و مسئله نهادمندشدن قدرت تأسیس در جمهوری اسلامی ایران
- ۴۳..... حمید ملک‌زاده  
انقلاب اسلامی و اصحاب علوم انسانی: از تلازم دین و سیاست، تا سکولاریسم
- ۴۵..... محمد منصورنژاد
- ۴۸..... سیاست جهانی، منطقه‌ای و همسایگی (سیاست خارجی)  
دولت دوم ترامپ و سناریوهای محتمل در روابط چین و ایران
- ۴۹..... ابراهیم آقامحمدی  
تأثیر تحولات غرب آسیا بعد از طوفان‌الاقصى بر قدرت منطقه‌ای ایران



- ۵۱..... **علی باقری دولت آبادی\***، **علی کرم پور** .....  
 آسیب‌شناسی راهبرد هویتی ج.ا.ایران در قبال مسئله کُردها در عصر منطقه‌گرایی  
 در غرب آسیا (۱۹۹۱-۲۰۲۴م)
- ۵۳..... **اردشیر پشنگ** .....  
 خودتصویری راهبردی در سیاست خارجی ج.ا.ایران
- ۵۵..... **ناصر پور حسن** .....  
 ژئوپلیتیک نوین ایران و سیاست همسایگی
- ۵۷..... **ماندانا تیشه‌یار** .....  
 بحران در دیپلماسی اروپایی ایران؛ راه‌حل‌های کارکردگرایانه
- ۵۹..... **رضا رحمتی** .....  
 چالش‌های سیاست خارجی ایران در سال ۲۰۲۵م: راهبری موانع اقتصادی تحت  
 دشمنی اسرائیل
- ۶۱..... **جواد عرب‌عامری** .....  
 آسیب‌شناسی رویکرد سازه‌نگاری در مطالعه سیاست خارجی ایران؛ مطالعه موردی  
 روابط ایران و عربستان
- ۶۳..... **الهام کشاورز مقدم، ته‌مینه تفکری، محمدمتین سلمانی\*** .....  
 واکاوی و تبیین فرصت‌ها و زمینه‌های همگرایی جمهوری اسلامی ایران ایران و  
 آمریکای لاتین
- ۶۵..... **محسن زمانی** .....  
 پیامدهای وابستگی به مسیر در فرایند سیاستگذاری خارجی ایران
- ۶۸..... **شهرروز شریعتی\***، **هاجر اصغری** .....  
 دیپلماسی علمی و سیاست همسایگی دو پیشران ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران در  
 دوران گذار نظام بین‌الملل
- ۷۰..... **مریم صنیع اجلال** .....

فقدان فرایند برساخت اجتماعی تقویت‌کننده و ناکامی نسبی برجام در تقویت روایت تعامل ایران و آمریکا: درس‌هایی برای برجام ۲

۷۳..... حیدرعلی مسعودی

نقش ملی ایران در سوریه جدید

۷۶..... زهرا ملکی آدرانی

طالبان و امنیت ملی ایران: از بحران مهاجرت تا تهدید نظامی

۷۹..... امیرهوشنگ میرکوشش\*، محمد زندی زیارانی

۸۱..... فرهنگ سیاسی ایرانیان

تأثیر اندیشه‌های سهروردی بر فرهنگ سیاسی در دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی

۸۲..... روح‌اله اسلامی\*، پگاه لطیفی

آینده انقلاب اسلامی ایران در عصر هوش مصنوعی؛ پیش‌سوی ساخت یا برساخت‌های ذهنی ایرانیان؟

۸۵..... پرهام پوررمضان

برجسته‌سازی دوگانه «جمهوری اسلامی» و «ایران» در رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران؛ تحلیلی زبان‌شناختی

۸۸..... مائده پورصفائی

نسبت علوم سیاسی با جامعه ایرانی به‌مثابه مسئله

۹۲..... عبدالرحمن حسنی فر

تأثیر شاخص‌های اقتدارگرا در فرهنگ عمومی بر بازتولید اقتدارگرایی در ساخت سیاسی

۹۶..... فاطمه کریمیان\*، علی علی‌حسینی

فرهنگ سیاسی ایرانیان و مسئله تجدد در ایران معاصر

۹۹..... نوذر خلیل‌طهماسبی

«ایران بزرگ فرهنگی» و گزینش‌گری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشهٔ ایران‌شهری

حامد عامری گلستانی\*، انوشه دربندی ..... ۱۰۱  
مطالبات زنان و حقوق جوامع قومی و مذهبی در ایران: تعارض یا سازگاری؟

رقیه محمدی آغچه کهل\*، سید محمدعلی تقوی ..... ۱۰۴  
فراسوی «ایدئولوژی و دیستوپیا»: بایسته‌های سیاست‌ورزی تحول‌خواهانه در ایران امروز

محسن عباس‌زاده ..... ۱۰۷  
ریشه‌های تاریخی فرهنگ سیاسی ایرانیان: بررسی تأثیر فرهنگ سیاسی ایران باستان و اسلام بر رفتارهای سیاسی معاصر

محمد عثمانی ..... ۱۱۰  
از رسانه‌های سنتی تا شبکه‌های اجتماعی: تحول در فرهنگ سیاسی ایرانیان

علی مرادی بهمئی ..... ۱۱۲  
موانع و چالش‌های حکمرانی خوب در ایران: نقش فرهنگ سیاسی از طریق استعاره‌های مفهومی

سیدهاشم منیری ..... ۱۱۵  
طرح مفهوم کرامت انسانی و نظریهٔ امنیت انسانی در ایران

علی‌اشرف نظری ..... ۱۱۸

مسائل سیاسی ..... ۱۲۰  
انتخاب راهبرد دوگانه در آیندهٔ پیش‌روی انقلاب اسلامی

ابراهیم حاجیانی ..... ۱۲۱  
تحول تاریخی مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه: مطالعهٔ تطبیقی اندیشهٔ محمدحسین نایینی و داود فیرحی (از مشروطه تا جمهوری اسلامی)

آیدا خدابخش آغمیونی ..... ۱۲۴

نقش بازطراحی اصلاحات در کاهش بی‌اعتمادی نهادی و ترمیم شکاف میان دولت و ملت

۱۲۷ ..... **سمیرا دردشتی**  
محافظه‌کاری سیاسی و نظم در حال تغییر؛ بررسی تحول فکری راست سیاسی در ایران پس‌انقلاب

۱۳۰ ..... **پیمان زنگنه**  
انقلاب اسلامی و مسئله سکولاریسم: تأملی از منظر بحث در الهیات سیاسی تجدّد با تکیه بر دو مؤلفه زنان و اقتصاد

۱۳۲ ..... **شروین مقیمی**  
قطبی‌سازی سیاسی در ایران؛ گسست امر سیاسی و مسیر ناهموار وفاق ملی

۱۳۵ ..... **آسیه مهدی‌پور**  
تبیین چگونگی تأثیر مشترک جریان نواندیشی دینی و اصلاح‌طلبی سیاسی در شناسایی حقوق زن در ایران پس از انقلاب اسلامی

۱۳۸ ..... **مهدی مهدوی‌زاهد**  
قشربندی اجتماعی، تشکل‌ها و نقش آن‌ها در اعتراض‌های سیاسی در ایران پس از انقلاب

۱۴۰ ..... **مرتضی نوروزپور**

۱۴۳ ..... **نمایه**

# سخن دیر علمی همایش

بسم الله الرحمن الرحيم

نظام جمهوری اسلامی که در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کشور مستقر شد، از ابتدا الگویی منحصر به فرد داشت و بر پایه شعار «نه شرقی، نه غربی» به معنای پرهیز از هرگونه تقلید از شرق کمونیست و غرب سرمایه‌داری، شکل گرفت. در واقع، انقلاب در جهت مخالف موج غالب سکولاریسم در جهان حرکت کرده بود و اینکه مردم ایران در سال ۱۳۵۷ خودشان نوع حکومتشان را با اجماعی گسترده «جمهوری اسلامی» انتخاب کردند، پدیده‌ای استثنایی بود و با گذشت حدود نیم قرن هنوز هم هست. هنوز در میان دوستان و اندی کشور جهان، جمهوری اسلامی هیچ نظام مشابهی ندارد و حتی با کشورهای دوست و هم‌بیمانش، هیچ قرابت ساختاری ندارد. بنابراین، همان‌طور که ایرانیان بر اساس ابتکار خود به آفرینش نظامی نوین برای کشورشان دست زدند، خود باید به حل مسائل و معضلات سیاسی نظام جمهوری اسلامی همت گمارند.

جمهوری اسلامی نیز مانند هر نظام سیاسی دیگر نیاز به مطالعه، پژوهش و ارتقا و بهبود دارد. اما این نیاز به دست چه کسانی باید برآورده شود؟ توده‌های مردم ایران با اینکه بسیار سیاسی و به سیاست علاقه‌مند هستند، به‌طور معمول نگاهی غیر تخصصی به مسائل سیاسی دارند و اغلب



واحد و مطالعات جهان



اسیر تئوری‌های توطئه هستند. رسانه‌ها نیز با اینکه در هر نظام سیاسی عهده‌دار نقش‌های مهمی هستند، بیشتر سوگیرانه و با تعصب به احزاب یا جناح‌های سیاسی، به مسائل نگاه می‌کنند. تحلیل‌های رسانه‌ای معمولاً سطحی و فاقد عمق لازم است و بیشتر برای نیل به اهداف مشخص سیاسی و اسکات خصم است. سیاستمداران نیز آنقدر درگیر مسائل و مشکلات روزمره هستند که نباید توقع داشت بتوانند با فراغت بال به معضلات ساختاری بیندیشند و راه‌حل‌های خلاقانه ارائه دهند.

تنها جایی که امکان پژوهش عمیق و طرح راهکار برای حل مسائل و معضلات سیاسی دارد، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی هستند. این مراکز هستند که وظیفه دارند بدون خلط اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیکی و با پرهیز از هرگونه جانبداری حزبی و جناحی، تحلیل‌های عینی و استدلال‌های علمی ارائه نمایند. البته ممکن است دانشگاهیان گاهی از این مسیر منحرف و گرفتار تعصبات شوند. ولی حسن روش‌های علمی این است که نقدپذیر هستند و در محک گفتگو، مباحث و نقد مداوم، ناخالصی‌های خود را از دست می‌دهند.

هجدهمین همایش انجمن علوم سیاسی با عنوان «ایران امروز: مسائل و معضلات سیاسی» گامی است برای نیل به همین منظور. در این همایش پنج نشست تخصصی برای عرضه آخرین یافته‌های پژوهش‌های



سیاسی برگزار می‌شود، با عناوین: «اقتصاد سیاسی»، «ساختار سیاسی»، «فرهنگ سیاسی»، «مسائل سیاسی» و «سیاست همسایگی، منطقه‌ای و جهانی». در ادامه این دفتر، چکیده‌هایی تقدیم می‌شود که در کمیته علمی داوری شده و برترین پژوهش‌های ارسال شده به همایش تشخیص داده شده‌اند.

دکتر محمد سمیعی

دبیر علمی همایش

اسفند ۱۴۰۳





# اقتصاد سیاسی

## بی‌اعتمادی به نهادهای حکومتی در ایران؛ عوامل اقتصادی و اجتماعی و نقش آن در کاهش مشارکت سیاسی

سعید پورعلی<sup>۱</sup>، بابک ارسیا<sup>۲\*</sup>

فرهنگ سیاسی مردم ایران، مانند بسیاری از جوامع، تحت تأثیر عوامل تاریخی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته است. این فرهنگ به‌مرور زمان و با تغییرات سیاسی و اجتماعی تحولات زیادی پیدا کرده و ویژگی‌های منحصربه‌فردی - از قبیل مذهب، مطالبه آزادی، نقش طبقات اجتماعی، هویت ایرانی و نگرش دوگانه به دولت و جایگاه مشارکت سیاسی - در آن مؤثر است. بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی موضوع این پژوهش و سؤال اصلی این است که چه عواملی در تاریخ معاصر ایران موجب شده است بی‌اعتمادی در مردم ایران به نهادهای حکومتی تقویت شود؟ و این بی‌اعتمادی چه پیامدهایی برای فرهنگ سیاسی کشور

۱. دکتری جامعه‌شناسی سیاسی و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

۲. دکتری جامعه‌شناسی سیاسی و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (\*نویسنده مسئول: [babakarsia@yahoo.com](mailto:babakarsia@yahoo.com))



واحد و مطالعات جهان



به‌همراه داشته است؟ فرضیه این پژوهش این است که بی‌اعتمادی مردم ایران به دولت‌ها بر میزان مشارکت سیاسی به‌ویژه در انتخابات (با تأکید بر انتخابات یک دهه اخیر) و فعالیت‌های مدنی تأثیر منفی گذاشته است. روش تحقیق کیفی و کمی است. در روش کیفی، از نظریه اشترانس و کوربین یا همان گراند استفاده شده است. در روش کمی، از نرم‌افزارهای تجزیه و تحلیل داده بهره‌گیری شده است. برخی نتایج حاصل از این پژوهش این است که تأثیر بی‌اعتمادی بر انسجام اجتماعی و رفتارهای سیاسی مؤثر است. البته، عوامل اقتصادی و اجتماعی در کاهش مشارکت سیاسی و کاهش اعتماد سیاسی و در نهایت کاهش سرمایه اجتماعی بسیار مؤثر است.

**کلیدواژگان:** عوامل اقتصادی و اجتماعی، فرهنگ سیاسی، مشارکت سیاسی، مطالبه آزادی، نهادهای حکومتی.



# تأثیر فقدان رقابت بر توسعه ناکارآمدی اقتصادی ایران امروز میترآ راه‌نجات<sup>۱</sup>

ایران امروز درگیر مشکلات متعددی است که قسمت اعظم آن‌ها به حوزه اقتصاد سیاسی مربوط می‌شود و آثار بسیاری بر توسعه و پایداری دارد. مهم‌ترین معزل اقتصاد سیاسی ایران امروز «ناکارآمدی» گسترده است. این ناکارآمدی را می‌توان در سه قسمت دولتی، اقتصادی، و اجتماعی رهگیری کرد. در قسمت ناکارآمدی دولتی، عواملی همچون بوروکراسی و تشریفات زائد، فساد، بنگاه‌داری دولتی؛ در قسمت ناکارآمدی اقتصادی، مسائلی همچون کنترل قیمت‌ها، فقدان رقابت، زیربنای فرسوده، وابستگی به درآمدهای نفتی؛ و در قسمت ناکارآمدی اجتماعی، عواملی همچون فرار مغزها و نابرابری جنسیتی مؤثر هستند. در مطالعه حاضر، با تمرکز بر مسئله «فقدان رقابت» از میان مجموع عواملی که باعث ناکارآمدی شده‌اند، تلاش شده است به این سؤال پاسخ داده شود که چگونه فقدان رقابت زمینه‌ساز ناکارآمدی اقتصادی ایران شده است.

۱. هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی ([rahnejat@atu.ac.ir](mailto:rahnejat@atu.ac.ir))



فرضیه اصلی این پژوهش آن است که مداخله‌های دولتی، شرکت‌های دولتی رانت‌خوار، انزوای اقتصادی، قیمت‌گذاری دستوری، ضعف زیرساخت‌ها، محدودیت دسترسی به فناوری، ناشایسته‌سالاری، خلأهای قانونی، فقدان دانش و توانایی لازم برای سیاست‌گذاری از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز حذف رقابت در عرصه اقتصاد ایران هستند. مجموع این علل را می‌توان در ضعف ساختار نهادی جستجو کرد. اگرچه مطالعات مختلفی برای اندازه‌گیری نهادها و ارتباط آن‌ها با رشد اقتصادی در قالب شاخص‌های آزادی اقتصادی در جوامع مختلف صورت گرفته است، در این پژوهش تلاش شده است که با مبنا قرار دادن نظریه نهاد‌گرایی جدید و استفاده از روش‌شناسی لاکاتوش، با حفظ اصول اساسی اقتصاد نئوکلاسیک، تأثیر فقدان رقابت بر ناکارآمدی اقتصادی ایران بررسی شود. در این مسیر، با تأکید بر داده‌های تابلویی دوازده سال گذشته ایران (۱۴۰۲-۱۳۹۰م)، با اندازه‌گیری شاخص‌های خاص نهادی - همچون مالکیت دولت و کنترل، موانع نظارتی، سیاست‌گذاری تجاری، رانت‌خواری، نظارت قانون، و بهره‌وری دولت - تلاش شده است به اصلاحات سیاست‌گذاری خاص و تغییرات نهادی برای ارتقای رقابت و بهبود عملکرد اقتصادی دست یافت.

**کلیدواژگان:** اقتصاد سیاسی، ایران، رقابت، ناکارآمدی.



## از مصادره تا خصوصی سازی؛ بررسی بازتاب تحولات مالکیتی بر عملکرد پنجاه ساله شرکت هیکو

عارف سبحانی<sup>۱</sup>

شرکت هیکو بزرگ‌ترین تولیدکننده ماشین‌آلات سنگین در دهه پنجاه شمسی در غرب آسیاست. این شرکت در طول تاریخ خود دو تحول مهم را در ساختار مالکیت و مدیریت پشت سر گذاشته است: یکی مصادره پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ش، و دیگری خصوصی‌سازی در سال ۱۳۸۵ش. این دو رویداد، با اهداف و پیامدهای متفاوت، آثار عمیقی بر عملکرد اقتصادی این شرکت و جایگاه آن در صنعت کشور داشته است. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه تغییرات مالکیتی و مدیریتی شرکت هیکو در پنج دهه، تغییر در عملکرد رشد و توسعه این شرکت را موجب شده است. فرضیه پژوهش این است که تغییرات پیاپی در مالکیت و مدیریت شرکت هیکو با ایجاد ناپایداری، سبب شده است عملکرد آن تضعیف شود. چارچوب نظری این پژوهش مدل مدیریتی «هفت اس مکینزی» است که

۱. دانشجوی دکتری ایران‌شناسی معاصر، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

([aref.sobhani@gmail.com](mailto:aref.sobhani@gmail.com))



دانشکده مطالعات جهان



مشاوران کسب و کار شرکت مکینزی، رابرت واترمن و تام پیترز، در سال ۱۹۸۰م مطرح کردند، شامل سه عنصرِ سختِ راهبرد، ساختار، سیستم؛ و چهار عنصرِ نرمِ سبک مدیریت، کارکنان، مهارت‌ها، و ارزش‌های مشترک. از این مدل در اغلب موارد برای تحلیل تغییرات درون‌سازمانی استفاده می‌شود؛ به‌ویژه، تغییراتی که به ایجاد ساختار، سیستم و مدیریت جدید منجر می‌شود. با تجزیه و تحلیل هر هفت عنصر در دوره‌های مختلف و کشف نوع رابطه و هم‌سویی یا تقابل آن‌ها با یکدیگر، تأثیر تغییر مالکیت و مدیریت بر عملکرد این شرکت بررسی شده است. روش تحقیق در این پژوهش تحقیق اسنادی، مصاحبه و تحلیل آماری است. بدین منظور اقدام‌های زیر انجام شد: بررسی آرشیو اسناد شرکت هپکو پیش و پس از مصادره و خصوصی‌سازی، اسناد قانونی مربوط به مصادره‌ها، اسناد قانونی مربوط به خصوصی‌سازی، اسناد سازمان‌های صنعتی کشور، اسناد سازمان خصوصی‌سازی، مطبوعات و گزارش‌های دولتی؛ مصاحبه با مالکان، مدیران و کارکنان هپکو قبل و بعد از مصادره و خصوصی‌سازی، کارشناسان حقوقی، اقتصادی و سیاسی، همچنین مدیران و نمایندگان دولتی؛ بررسی و تحلیل آمارهای مربوط به تولید، فروش، سودآوری و اشتغال و سایر شاخص‌های عملکردی شرکت هپکو در دوره‌های مختلف. هدف از این پژوهش بررسی عملکرد پنجاه‌ساله هپکو و روشن شدن بخشی



از تاریخ اقتصاد سیاسی ایران پس از انقلاب است. این مطالعه موردی نمونه‌ای برای بررسی چالش‌ها و فرصت‌های خصوصی‌سازی در ایران محسوب می‌شود.

**کلیدواژگان:** ایران، تغییر مالکیت، خصوصی‌سازی، مدل هفت‌اس  
مکینزی، مصادره، مدیریت، هپکو.



دانشگاه مطالعات جهان





## تحلیل سیاست‌های پولی بانک مرکزی روسیه در واکنش به تحریم‌ها پس از آغاز جنگ روسیه و اوکراین: درس‌هایی برای ایران

علی سبزی<sup>۱</sup>

اعمال تحریم‌های گسترده علیه روسیه پس از آغاز جنگ روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای ثبات اقتصادی این کشور به همراه داشت. در واکنش به این شرایط، بانک مرکزی فدراسیون روسیه، سیاست‌های پولی تطبیقی را برای مقابله با آثار این تحریم‌ها به کار برد، از جمله تنظیم نرخ بهره، کنترل سرمایه و محدودیت‌های ارزی. در این مطالعه، کارآمدی این سیاست‌ها و ارتباط آن‌ها با شرایط ایران را بررسی شده است؛ کشوری که با فشارهای اقتصادی مشابه ناشی از تحریم‌های طولانی‌مدت مواجه است. روسیه و ایران از نظر ویژگی‌های ساختاری اقتصادی مانند اتکای شدید به صادرات انرژی، نظام‌های پولی متمرکز و آسیب‌پذیری در برابر فشارهای اقتصادی خارجی شباهت‌های زیادی دارند

۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران  
([ali.sabzii12@gmail.com](mailto:ali.sabzii12@gmail.com))



که این تحلیل مقایسه‌ای را کاربردی و مهم می‌سازد. در این پژوهش از رویکرد ترکیبی استفاده شده است و بر تحلیل کمی شاخص‌های کلیدی اقتصادی از جمله نرخ‌های تورم، نوسان‌های نرخ ارز، رشد تولید ناخالص داخلی و ذخایر ارزی تأکید شده است. با استفاده از داده‌های سری زمانی و مدل‌های اقتصادسنجی، روابط علی بین اقدام‌های پولی بانک مرکزی روسیه و پیامدهای اقتصادی شناسایی شده است. علاوه بر این، اطلاعات کیفی به دست آمده از اسناد سیاسی، مصاحبه‌های تخصصی و منابع ثانویه به تقویت تحلیل و دستیابی به زمینه‌های ارزشمند کمک می‌کنند. این پژوهش بر نظریه تاب‌آوری اقتصادی و مفهوم حاکمیت پولی استوار است. با استناد به این نظریه‌ها بررسی می‌شود که چگونه کشورها می‌توانند از طریق سیاست‌های پیشگیرانه و مستقل، آثار شوک‌های اقتصادی خارجی را کاهش دهند. در این راستا، سیاست‌های بانک مرکزی روسیه ارزیابی و امکان تطبیق آن‌ها در شرایط اقتصادی ایران بررسی شده است. سؤال اصلی این تحقیق این است که سیاست‌های پولی بانک مرکزی روسیه تا چه حد در تثبیت اقتصاد این کشور مؤثر است؟ و ایران چه درس‌هایی می‌تواند از آن‌ها بیاموزد؟ فرضیه این پژوهش این است که راهبردهای تطبیقی بانک مرکزی روسیه، به‌ویژه استفاده از سازوکارهای مالی جایگزین، مدلی عملی برای ایران در کاهش آثار منفی تحریم‌ها و ساختن



اقتصادی مقاوم‌تر محسوب می‌شوند. یافته‌ها بر نقش مهم پاسخ‌های سریع سیاسی، بهره‌گیری از شبکه‌های مالی جایگزین و استفاده از ابزارهای مالی نوآورانه تأکید دارد. این نتایج تحلیلی، پیشنهادهای کاربردی برای ایران در مسیر رسیدن به استقلال پولی و مدیریت چالش‌های تحریم در بر خواهد داشت.

**کلیدواژگان:** بانک مرکزی روسیه، تاب‌آوری اقتصادی، تحریم‌ها، سیاست پولی، مقایسه ایران و روسیه.



## ساخت اقتصاد سیاسی و شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی در ایران

یحیی کمالی<sup>۱\*</sup>، فرناز علیفرسنگی<sup>۲</sup>

هدف از این پژوهش عبارت است از بررسی نقش ساخت اقتصاد سیاسی ایران در شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی. سعی بر آن است با تحلیل ویژگی‌های ساخت اقتصاد سیاسی ایران، چالش‌های برای گسترش فعالیت‌های غیررسمی در اقتصاد ایران شناسایی و تبیین شوند. روش پژوهش کدگذاری کیفی است. منابع پژوهش مقاله‌های علمی و گزارش‌های مرتبط با مسئله پژوهش است که به‌طور هدفمند گردآوری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حجم اقتصاد دولتی، ناکارآمدی نهادها و عدم شفافیت، وابستگی به درآمد نفتی، نوسان‌های اقتصادی، نوسان در سیاست‌های مالیاتی، سیاست‌های مالی انبساطی، محدودیت‌های تجاری کم‌توجهی به رشد شاخص توسعه و نوآوری،

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان (\*)

نویسنده مسئول: [Yahyakamali@uk.ac.ir](mailto:Yahyakamali@uk.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید

باهنر کرمان ([Frnaz.Frsangi@gmail.com](mailto:Frnaz.Frsangi@gmail.com))



دانشگاه شهید باهنر کرمان



افزایش شاخص بیکاری و فقر و افزایش تورم عوامل کلیدی در شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی عمل می‌کنند. نتایج بیانگر این است که نهادهای غیررسمی در واکنش به محدودیت‌های موجود در ساخت اقتصاد سیاسی ایران شکل گرفته‌اند و افرادی که به منابع قانونی دسترسی ندارند، به‌دنبال راهکارهایی برای دورزدن موانع قانونی و کاهش هزینه‌های اقتصادی هستند.

**کلیدواژگان:** اقتصاد غیررسمی، حجم دولت، ساخت اقتصاد سیاسی، شفافیت، نوسان اقتصادی.



## نقش بوروکراسی دولتی در وضعیت شاخص‌های برگزیده امنیت اقتصادی در ایران

محمد کمالی‌زاده<sup>۱</sup>

تجارب تاریخی و مشاهدات علمی نشان می‌دهد که بوروکراسی دولتی در ایران به شدت ناکارآمد و مانعی در راه توسعه کشور است. ضعف‌ها و ناکامی‌های گسترده ساختاری، فساد و بزرگی بیش‌ازحد از عوامل ناکارآمدی این بوروکراسی دولتی به‌شمار می‌روند. بررسی تجربه کشورهای که در چند دهه گذشته به سطح بالا توسعه رسیده‌اند نشان می‌دهد که در صورت نبود چارچوب سیاسی لازم برای توسعه دولت و بوروکراسی کارآمد، روند توسعه اقتصادی با شکست مواجه خواهد شد. فرضیه مقاله حاضر این است که دولت و بوروکراسی کارآمد، سطح امنیت اقتصادی کشور را افزایش می‌دهد؛ برعکس، دولت و بوروکراسی ناکارآمد، امنیت اقتصادی کشور را تضعیف خواهد کرد. در این پژوهش با استفاده از فنون کیفی تلاش می‌شود تا اهتمام به امنیت اقتصادی از دریچه تأثیراتی

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی  
([mohammadkamalizadeh@gmail.com](mailto:mohammadkamalizadeh@gmail.com))



صورت بگیرد که بوروکراسی بر آن دارد. یافته‌های پژوهش حاصل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافتهٔ نخبگان دانشگاهی است. جامعهٔ مصاحبه‌شونده، از میان افرادی انتخاب شده‌اند که ویژگی صاحب‌نظر اقتصاد و علوم سیاسی را داشته باشند، همچنین صاحب آثار مکتوب دربارهٔ دولت و/یا امنیت اقتصادی باشند. با توجه به محدودیت‌های تحقیق و بودن افراد صاحب‌نظر در موضوع تحقیق، تعداد ۱۶ نفر متخصص برای مصاحبه انتخاب شدند. یافته‌های مقایسه‌ای مصاحبه‌ها، با جمع‌آوری اسناد کتابخانه‌ای از منابع مختلف انطباق داده شد تا فهم دقیق‌تری از موضوع به دست آید.

**کلیدواژگان:** امنیت اقتصادی، ایران، بوروکراسی، دولت، ظرفیت‌های دولت.



شماره ۱ و ۲، فصلنامه مطالعات جهان



## اقتصاد سیاسی پایداری تورم در ایران (بررسی دیدگاه چپ)

روح‌اله کهن‌هوش نژاد<sup>۱</sup>

معضل پایداری تورم در ایران چالشی اقتصادی و اجتماعی پیچیده و نیازمند بررسی عمیق و چندوجهی است. تاکنون در بیشتر مطالعات، پدیده تورم از دیدگاه جریان متعارف و غالب علم اقتصاد بررسی شده و به جریان‌های دگراندیش (هترودوکس) توجه چندانی نشده است. لذا، مسئله اصلی در این مقاله، بررسی چرایی پایداری تورم در ایران از منظر دیدگاه‌های چپ و مارکسیستی است. بدین منظور، دیدگاه مایکل رابرتز، اقتصاددان مارکسیست، انتخاب شده است. رابرتز معتقد است که تورم تنها پدیده‌ای پولی نیست و عوامل ساختاری نیز نقش مهمی در آن دارند. او به انتقاد از نظریه‌های کلاسیک-مانند نظریه فریدمن-اشاره می‌کند مبنی بر اینکه تورم همیشه و همه‌جا پدیده‌ای پولی است. تحلیل تورم در ایران با توجه به نظریه مایکل رابرتز، نیازمند بررسی عمیق عوامل ساختاری و پولی مؤثر بر این پدیده است. مایکل رابرتز تأکید می‌کند که

۱. استادیار گروه مطالعات غرب آسیا، دانشگاه تهران ([kohanhoosh@ut.ac.ir](mailto:kohanhoosh@ut.ac.ir))





ترکیب عرضه پول و تغییرات دستمزدها و سودها (نرخ ارزش تورم) در تعیین نرخ تورم نقش کلیدی ایفا می‌کند. در ایران، عواملی نظیر سیاست‌های مالی دولت، نوسان‌های نرخ ارز و ظرفیت‌های تولیدی بلااستفاده، تأثیرات قابل توجهی بر وضعیت تورم دارند. افزایش تقاضا ناشی از سیاست‌های مالی دولت، به‌ویژه در شرایط رکود اقتصادی، به افزایش قیمت می‌انجامد. همچنین، رابطه معکوس بین بیکاری و تورم که به «رابطه فیلیپس» مشهور است، در تحلیل وضعیت اقتصادی ایران اهمیت دارد. در شرایط بیکاری شدید، افزایش دستمزدها ممکن است تأثیری بر افزایش قیمت‌ها نداشته باشد؛ اما، در شرایط اشتغال کامل، این افزایش دستمزدها به افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود. در نهایت، بررسی وضعیت کنونی ایران نشان می‌دهد که برای کنترل تورم و پیش‌بینی روندهای آینده، لازم است به ترکیبی از عوامل پولی و ساختاری توجه شود. در این پژوهش تلاش خواهیم کرد به کمک مدل‌سازی مفهومی، عوامل مؤثر بر پایداری تورم در ایران را شناسایی کنیم. این تحلیل به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا تصمیم‌های مؤثری برای مدیریت تورم اتخاذ و از بروز بحران‌های اقتصادی جلوگیری کنند.

**کلیدواژگان:** اقتصاد سیاسی، ایران، تورم، عوامل ساختاری، مایکل رابرتز.



## آیا تحریم کار می‌کند؟ برداشتی نظری از کارایی تحریم‌های اقتصادی؛ درس‌هایی برای ج.ا.ایران

اصغر کیوان حسینی<sup>۱</sup>

تحریم را می‌توان جزئی از دیپلماسی بین‌المللی حاکم بر جهان کنونی دانست که در عین حال، در چارچوب سیاست خارجی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل، و منطقه‌ای سابقه‌ای طولانی و پرفراز و نشیبی (به‌ویژه از آغاز قرن بیستم میلادی) دارد. تحریم نوعی ابزار سیاسی است که دستورکار اصلی آن «هم‌مسیر ساختن و تطبیق اجباری ترجیح‌های سیاسی دولت هدف» (یا بازیگر غیردولتی چون گروه‌های تروریستی) با اهداف تحریم است. در این میان، این برداشت که «تحریم (درمقایسه با اقدام نظامی) برای فرستنده ابعاد مثبت ملموس و آثار مخرب کمتر ملموسی نیز برای هدف دارد» به افزایش جذابیت آن به‌منزله ابزار اعمال قدرت منجر شده است. با این حال، کماکان پاسخیابی برای این پرسش که «آیا تحریم‌ها واقعاً راهی مناسب برای تأمین اهداف سیاست خارجی هستند؟» با چالش‌های نظری و عملی قابل تأملی مواجه است؛ از جمله به‌نظر می‌رسد که چگونگی ارتباطیابی میان «دلایل استفاده از

۱. استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی  
([asgharkeivanhosseini@gmail.com](mailto:asgharkeivanhosseini@gmail.com))



تحریم» و «میزان هزینه‌های مربوط»، با نشلنه‌هایی از نوع «محاسبه اغفال‌کننده» همراه باشد. در این مورد، مهم‌ترین بعد ابهام مزبور به «انواع غیرآشکار و غیرملموس هزینه‌ها» (برای هر دو سوی فرایند تحریم) مربوط است؛ به‌ویژه آنچه ذیل مبحث «ابعاد حقوق بشرگرایانه تحریم» مطرح است. بی‌تردید، جمهوری اسلامی ایران را می‌توان موردی منحصربه‌فرد در عرصه سیاست تحریمی امریکا قلمداد کرد. این ویژگی از یک‌سو به دامنه فراگیر تحریم‌ها و انواع گوناگون آن بازمی‌گردد؛ از سوی دیگر، به میزان اثرگذاری سیاست‌های تحریمی به تفکیک میان دولت و جامعه بازمی‌گردد. این شیوه تفکیک را می‌توان مقدمه‌ای مناسب برای تمرکز بر «میزان کارایی تحریم» دانست؛ پیش‌شرطی که دامنه تحلیل‌های مربوط را به دو حوزه اثرگذاری و کارآمدی تحریم معطوف می‌کند: سیاست‌های امریکا-اسرائیل‌ستیز دولت ایران و شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی. یافته نهایی مبین این واقعیت است که سیاست‌های تحریمی امریکا از کارایی بسیار کمی بر الگوی رفتاری دولت ایران و درعین‌حال، اثر عمیق و فراگیری بر مطالبات اقتصادی و اجتماعی جامعه این کشور برخوردار بوده است.

**کلیدواژگان:** ابعاد حقوق بشرگرایانه تحریم، محاسبه اغفال‌کننده، هزینه‌های تحریم.



# ساختار سیاسی

## تجربه بشری و نوآوری در سیاست؛ چرایی تقدم قانون اساسی بر حکمرانی سیاسی

رضا اکبری نوری<sup>۱\*</sup>، لیلا عیسی‌وند<sup>۲</sup>

«آزادی برای انسان همان گرامر برای زبان است.» توماس پین در نقد قوانین اساسی استعماری آمریکا، با اشاره به اسناد مکتوب اشاره می‌کند: «قانون اساسی امری مقدم بر حکومت است» که «عمل مبتنی بر تشکیل دولت به‌دست مردم» است. ریشه‌شناسی قانون اساسی و فرایند تطور آن در کشورهای مختلف به‌خوبی نشان می‌دهد که شکل‌گیری قانون اساسی دوران جدیدی از حکمرانی را نوید داده و رقم زده است. قانون اساسی عملی نوآورانه محسوب می‌شد که با نوآوری‌های مستمر و اصلاحاتی که در خود دیده می‌شود نوید شکل‌گیری حکومت‌های نو و به‌مرور مبتنی بر مشروطیت و با اتکا به رأی و خواست مردم را داده است. فرایند این تکوین مبتنی بر درس‌گرفتن از اشتباه‌های گذشته و نیازهای زمان خود از

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، تهران جنوب (\*نویسندهٔ مسئول):

[aber.reza@gmail.com](mailto:aber.reza@gmail.com)

۲. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، تهران جنوب



یک طرف، و توجه به نارضایتی‌ها و جلوگیری از تکرار آن‌ها از سوی دیگر، بود. به این معنا، قانون اساسی بر پایهٔ بازتعریف رابطهٔ قدرت و مردم قرار دارد و انعکاس‌دهندهٔ نوع و سطح آگاهی جوامع و حکومت‌هایی است که آن را پدید آورده‌اند. از این رو، نوع حکومت، از جمله حکومت‌های محدود و مشروط، پیش از اینکه به‌طور مکتوب ظهور پیدا کنند، نخست در آگاهی افراد و جامعه‌ای نقش بسته است که آن را حمایت می‌کنند. به همین دلیل است که تاریخچهٔ قانون اساسی تاریخی پرننگ دارد و تحولات زیادی را به خود دیده است. به تبع تحولات قوانین اساسی در کشور، فرایند و روند حکمرانی در آن کشورها تغییر پیدا می‌کند. در این مقاله، اهمیت بسط ایده‌های نو در طراحی یا بازطراحی قانون اساسی بررسی شده است. نقطهٔ عزیمت نگاه به قانون اساسی در جایگاه محصول ناشی از آگاهی جمعی جامعه است. بر این مبنا درصدد هستیم با مفهوم‌سازی از نوآوری قانون اساسی و جلوه‌های آن نشان دهیم که چگونه لازم است قانون اساسی بر اساس تغییر آگاهی جمعی بازنگری شود. تلاش داریم با طرح مثال‌های متعددی از بازنگری‌های نوآورانه در قوانین اساسی نشان دهیم که با تغییر آگاهی چگونه تغییرات در قوانین اساسی الزامی شده است. همچنین، سعی داریم نشان دهیم که چگونه نوآوری‌ها در قوانین اساسی معمولاً حاصل موقعیت‌هایی هستند که در آن بیزاری یا نارضایتی



شدیدی از نظم قبلی وجود دارد. در این مقاله با تعریف نوآوری در قانون اساسی، به طرح گونه‌شناسی و چند نمونه از حوزه حقوق اساسی و با تفاوت قائل شدن بین نوآوری‌های قانون اساسی به‌عنوان محصول، فرایند و نهاد نشان دهیم که چگونه قانون اساسی محصولی نهایی و حاصل تغییر در آگاهی جمعی و نارضایتی شدید از محصول پیشین است و مجدد حکمرانی را در مسیر ثبات و تعادل قرار می‌دهد. در مرحله نهایی، با اتکا به زبان و نظم سیاسی تاریخی چنددهزار ساله در ایران، نشان خواهیم داد که با تغییر آگاهی در ایران چگونه تغییر در زبان قانون اساسی و به تبع آن اصلاح فرایندها و نهادها الزامی شده است تا از این مسیر حکمرانی بتوان بر اساس آگاهی نو، معطوف به آگاهی جمعی نو و مبتنی بر رضایت جمعی به تعادلی نو دست پیدا کرد.

**کلیدواژگان:** بازتعریف رابطه قدرت و مردم، بازنگری در قانون اساسی، نقش زبان در قانون اساسی.



## نقش شبکه‌های غیررسمی در شکل‌گیری تصمیم‌گیری‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران

حنانه درشتی<sup>۱</sup>

در این پژوهش، نقش محوری شبکه‌های غیررسمی در شکل‌دهی به تصمیم‌گیری‌های سیاسی در نظام حکمرانی ایران بررسی شده است؛ موضوعی که علی‌رغم تأثیر انکارناپذیر آن، تاکنون کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در حالی که نهادهای رسمی - مانند دولت، مجلس و قوه قضاییه - محور تحلیل‌های سیاسی قرار دارند، در این تحقیق بر شبکه پیچیده و کمتر آشکار ارتباطات شخصی، روابط حامی‌پروری و ائتلاف‌های درونی متمرکز شده‌ایم. این شبکه‌ها خارج از سازوکارهای رسمی قدرت عمل می‌کنند. بر این پرسش متمرکز شده‌ایم که چگونه شبکه‌های غیررسمی با ساختارهای سیاسی رسمی ایران تعامل برقرار می‌کنند و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند و در نتیجه بر روند سیاست‌گذاری، تخصیص منابع و نتایج حکمرانی اثر می‌گذارند؟ در این پژوهش، با استفاده از روش کیفی، از مصاحبه‌های عمیق با افراد مطلع سیاسی و

۱. استادیار گروه علوم سیاسی - مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.  
دانشگاه علوم انتظامی امنیتی ([dr.h.darashtian@gmail.com](mailto:dr.h.darashtian@gmail.com))





کارشناسان، همراه با بررسی جامع منابع ثانویه، برای شناسایی جنبه‌های آشکار و پنهان این شبکه‌ها بهره گرفته شده است. علاوه بر این، تحلیل مقایسه‌ای با سیستم‌های مشابه در کشورهایمانند روسیه و چین، پیامدهای گسترده‌تر این پویایی‌ها را برجسته می‌سازد. یافته‌های کلیدی نشان می‌دهند که شبکه‌های غیررسمی و عمیقاً ریشه‌دار در فرهنگ سیاسی و تاریخ ایران، اغلب نقش مکمل و گاه فراتر از ساختارهای رسمی دارند و فرایند تصمیم‌گیری را به گونه‌ای شکل می‌دهند که شفافیت و پاسخگویی را به چالش می‌کشند. در این مقاله استدلال شده است که این شبکه‌ها نه تنها جنبه‌ای حاشیه‌ای یا تکمیلی، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از تحلیل پویایی‌های قدرت و حکمرانی در ایران هستند. در این پژوهش تلاش شده است با برجسته کردن جنبه کمتر بررسی شده ولی حیاتی از سیاست ایران، به گفتمان گسترده‌تر درباره ساختارهای سیاسی و فرهنگ سیاسی دست یافت. در این مطالعه پیشنهاد شده است که در هر گونه تحلیل کامل سیستم سیاسی ایران باید تأثیر عمیق شبکه‌های غیررسمی قدرت را در نظر گرفت. در نهایت، بصیرت‌های عمیق‌تری درباره پیچیدگی‌های حکمرانی و رفتار سیاسی در ایران فراهم آورد.

**کلیدواژگان:** پویایی قدرت، شبکه‌های غیررسمی، فرهنگ سیاسی.



## انباشت و درآمیختگی بحران‌ها در ایران امروز و ضرورت رفرم‌های چندگانه هم‌زمان

ابوالفضل دلاوری<sup>۱</sup>

امروزه، کشور با مجموعه‌ای از مسائل و بحران‌های انباشته و درهم‌پیچیده روبه‌روست. بنیة اقتصادی کشور، نسبت به اقتصادهای هم‌سطح خود در منطقه و جهان، به مراتب ضعیف‌تر و شکننده‌تر از سال‌ها و دهه‌های پیشین شده است. تورم رکودی شدید و طولانی‌مدت، تنگنای معیشتی و بیکاری فزاینده‌ای را به دنبال داشته و بخش بزرگی از مردم را تحت فشارهای بی‌وقفه قرار داده است. انواع نابرابری‌ها و احساس تبعیض‌های ناحیه‌ای (مرکز-پیرامون)، طبقاتی، مذهبی، جنسیتی و فرهنگی موجب شده است بیگانگی‌ها، واگرایی‌ها و رویارویی‌های فزاینده‌ای میان بخش‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی شکل گیرد. سرمایه اجتماعی و امید به آینده به شدت کاهش یافته و مهاجرت یا تمایل به آن را، به‌ویژه در میان صاحبان تخصص و جوانان، افزایش داده است. مقبولیت و کارآمدی نظام

۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی  
([mahdavizahed@gmail.com](mailto:mahdavizahed@gmail.com))



حکمرانی، مشارکت سیاسی در چارچوب رسمی و نهادی (نظیر انتخابات) و امید به اصلاح کشور به دست نیروهای حاکم تنزل شدیدی پیدا کرده است. تحریم‌ها و تهدیدهای امنیتی خارجی تشدید شده و بر نااطمینانی‌های اقتصادی و اجتماعی افزوده است. محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور با ویرانی‌ها، آسیب‌ها و مخاطرات شدیدی روبه‌روست. روند انباشت بحران‌های مزبور و درآمیختگی آن‌ها با یکدیگر، اعتراض‌ها، شورش‌ها و جنبش‌های متعددی را، به‌ویژه در هفت سال اخیر، موجب شده است. باوجوداین، در چند ماه اخیر، نشانه‌هایی از توجه‌بخشی از نیروهای حاکم به مخاطره‌آمیز بودن شرایط و تمایل به ایجاد تغییراتی در سیاست‌های داخلی و خارجی ظاهر شده است. این موضوع در جریان انتخابات دولت چهاردهم و رضایت و حتی همراهی برخی نیروها و نهادهای کانونی قدرت با استقرار دولتی میانه‌رو به‌روشنی خود را نشان داد. ترکیب کابینه منتخب نیز نشانگر توافق بر سر تغییراتی دست‌کم در حوزه سیاست خارجی و حوزه‌های اقتصادی و معیشتی بود. به‌علاوه، انتخابات و پیامدهای آن، فضای سیاسی کشور را تا حدود قابل‌ملاحظه‌ای بازتر کرده و برخی نیروهای تحول‌خواه را به امکان تغییر امیدوارتر کرده و به صحنه سیاست رسمی و نیمه‌رسمی بازگردانده است. شعار وفاق سیاسی رئیس‌جمهور جدید نیز امید و انتظاراتی برای امکان تغییر در



روند وضعیت موجود و حرکت به سوی اصلاح در امور داخلی و خارجی را برانگیخته است. البته، آنچه در این چند ماه در عمل مشاهده می‌شود، چیزی بیش از کاهش نسبی سطح تعارض و تنش، آن هم فقط در درون حکومت و میان برخی جریان‌ها و جناح‌های میانه‌رو نیست. البته، نشانه‌هایی از این وضعیت در ارتباط با سیاست خارجی، به‌ویژه در سطح منطقه، نیز دیده می‌شود. این اتفاق هرچند لازم و در دوسه دهه اخیر بی‌سابقه است، هنوز با شرایط لازم برای توقف روند مزبور و حل بحران‌های اشاره‌شده، فاصله زیادی دارد. برای ورود به چنین شرایطی، لازم است نخست، رویکرد کاهش تعارض و تنش‌زدایی هرچه سریع‌تر در هر دو عرصه داخلی و خارجی توسعه و تعمیق پیدا کند. در عرصه داخلی این سیاست باید با راهبردهای متناسب هم در سطح نیروها و نهادهای حاکم توسعه و تعمیق پیدا کند (به‌ویژه از طریق راهبردهای اجماع‌سازی) و هم در رابطه میان حکومت با نیروهای سیاسی منتقد و مخالف (به‌ویژه از طریق راهبرد بازشناسی، دربرگیری و ادغام و تحول منازعه: تبدیل تخاصم سیاسی به رقابت سیاسی) و هم به سطح نیروهای اجتماعی، به‌ویژه نیروهای تحت فشار یا حاشیه‌ای‌شده اجتماعی، طبقاتی، هویتی و فرهنگی، سبک زندگی و نظایر آن (از طریق راهبردها و سیاست‌هایی چون به‌رسمیت‌شناختن، اعتمادسازی و عدالت‌ترمیمی) تسری پیدا کند.



در عرصه روابط خارجی نیز لازم است هرچه سریع‌تر رویکرد کاهش تنش و به‌دنبال آن تخفیف و تا حد امکان حل‌وفصل تعارض‌ها و منازعه‌ها (از طریق روش‌ها و راهبردهایی چون تحول منازعه، مذاکره اصولی، توافق و همکاری) هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح جهانی تسری یابد و تعمیق پیدا کند. نیاری به گفتن نیست که صرف کاهش سطح تنش و حتی حل‌وفصل منازعه به‌خودی‌خود برای حل بحران‌های اشاره‌شده کافی نیست. این مهم نیازمند دولتی توانمند، مقبول و کارآمد و طراحی و اجرای مجموعه‌ای از برنامه‌ها و سیاست‌های معطوف به حل بحران‌هاست. دولت جدید هرچند به نسبت دو دولت میانه‌رو پیشین (دولت اصلاحات و دولت اعتدال)، با فشار کمتری از سوی کانون‌های قدرت، به‌ویژه در درون ساختارهای رسمی، روبه‌روست، هنوز برنامه عمل مشخص و روشنی برای تغییرات اساسی در این وضعیت تدوین نشده است. به‌عبارت دیگر، جهت‌گیری کلان، اولویت‌ها، راهبردها و سیاست‌های موردنظر نظام حکمرانی برای مشکلات و بحران‌های اشاره‌شده نه در نظر بیان شده و نه در عمل هنوز صورت ملموسی و محسوسی به‌خود گرفته است. به‌علاوه، سرشت چندلایه و ترکیب ناهمگون نظام حکمرانی و خصیصه ائتلافی کابینه هم ناهماهنگی و ناهمسویی در این زمینه را تشدید کرده است. در چنین شرایطی طرح ایده و بحث درباره الگوها و راهبردهای مناسب برای



مقابله با این مشکلات و بحران‌ها و غلبه بر آن‌ها بسیار ضروری است. به نظر نگارنده، ایران امروز به الگویی از اصلاحات همه‌جانبه و هم‌زمان نیاز دارد که در ادبیات اصلاحات به گذارهای هم‌زمان ( simultaneous transition) معروف است. در این الگوی اصلاحات دو راهبرد اصلی مطرح و در مواردی اجرا شده است. نخستین راهبردی که به شوک درمانی (shock treatment) معروف است، شامل دو مدل متفاوت است: ۱. حمله‌های غافلگیرانه پی‌درپی (sheak attack)، ۲. خراب کردن پل‌های پشت‌سر (bridge burning) از طریق مجموعه‌ای از اقدام‌های هم‌زمان) دومین راهبرد «کمین برای فرصت‌ها» (awaiting on trough) معروف است، شامل استفاده از فرصت‌هایی که امکان برخی چرخش‌ها را به حکومت و سیاستگذاران می‌دهد، نظیر وقوع بحران‌های حاد مالی داخلی یا برخی بحران‌ها و رویدادهای بین‌المللی. البته، اجرای هر دو این راهبردها معمولاً به نظام‌های سیاسی قدرتمند و کارآمد و برخوردار از مشروعیت بالا نیاز دارد. در وضعیت شکننده ایران امروز، می‌توان از راهبردهای ترکیبی استفاده کرد که بر پیوند مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در سطوح داخلی و خارجی استوار است. مهم‌ترین مؤلفه‌های این راهبردی عبارت‌اند از ۱. ایجاد هماهنگی در سیاست‌های اقتصادی (شامل سیاست‌های پولی و مالی توسعه‌گرایانه و هم‌زمان با آن اجرای



نظام هدفمند و کم‌هزینه تأمین اجتماعی به سود بخش‌های بسیار آسیب‌پذیر؛ ۲. تقویت ظرفیت و کارآمدی دولت از طریق کوچک‌سازی بوروکراسی و حذف نهادهای موازی، زائد و کم‌بازده؛ ۳. تقویت نهادهای مشارکتی در سطوح ملی و محلی؛ ۴. تقویت پیوند جامعه با دولت از طریق تمرکز بر اشتراک منافع و پیوند میان گروه‌های ذی‌نفع (مثل پیوند تکنوکرات‌ها با بخش خصوصی یا کارفرمایان و کارگران با دولت)؛ ۵. ایجاد فرصت برای بسیج سیاسی و سازمان‌دهی نیروهای اجتماعی ذی‌نفع در اصلاحات در قالب احزاب یا جنبش‌های اجتماعی؛ ۶. ذی‌نفع‌سازی مشروط نیروهای معارض، در طرح‌ها و برنامه‌های مرتبط با اصلاحات یا انتقال مزایا و منافع آن‌ها از حوز‌های بحران‌زا به حوزه‌های بحران‌زدا (فنون اشاره‌شده هم در عرصه‌های خارجی کاربرد دارد و هم در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی).

**کلیدواژگان:** اجماع‌سازی، بحران‌های انباشته، راهبردهای ترکیبی، رفرم‌های هم‌زمان، سیاست تنازعی، شوک درمانی، کمین برای فرصت‌ها.



## بررسی و تحلیل گفتمان سیاسی دولت چهاردهم با رویکرد زبان‌شناختی؛ بررسی موردی مناظرات انتخاباتی دکتر پزشکیان، سال ۱۴۰۳

محمد فقیری<sup>۱\*</sup>، غلامرضا کریمی<sup>۲</sup>

گفتمان اصطلاحی است که در شاخه‌های مختلف علوم انسانی مثل زبان‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی برای تبیین چارچوب، ساختار و سازوکار فرهنگ، تفکر یا رویکرد به کار می‌رود. هر گفتمان یک دال مرکزی و مجموعه‌ای از دال‌های شناور دارد که تصویری از پیش‌نمونه، عناصر بنیادین (پارادایم) و گستره آن را آشکار می‌سازد. هدف از این پژوهش توصیف و تحلیل گفتمان دولت چهاردهم از دیدگاه زبان‌شناختی است. جامعه آماری پژوهش عبارت است از سخنان پزشکیان در هفت

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان. عضو شورای سیاست‌گذاری ستاد دکتر پزشکیان و رئیس کمیته نظارت بر مناظرات انتخاباتی (\* نویسنده مسئول):

[mohammadfaghiri52@gmail.com](mailto:mohammadfaghiri52@gmail.com)

۲. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی. رئیس کمیته تربیت معلم ستاد مرکزی فرهنگیان کل کشور. رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی



انجمن علوم سیاسی ایران  
دانشکده مطالعات جهان





مناظره انتخاباتی. حجم نمونه عبارت است از متن تمامی این مناظره‌ها. واحد تحلیل نیز جمله و بندنوشت است. روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیل محتوا و ابزار آن کدگذاری است که به‌طور کیفی و دستی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عدالت و عقلانیت را می‌توان دال مرکزی گفتمان پزشکیان معرفی کرد و مثال و مصداق‌هایی از سخنان وی برای آن به دست داد. در مناظره نخست، «رشد اقتصادی و برنامه هفتم، مردمی‌سازی اقتصاد و مهار تورم»، پزشکیان به دال‌های شناور قانون، مدیریت، ناترازی، مهار تورم و نقدینگی، فقر و مشکلات معیشتی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی اشاره کرده است که زیرمجموعه عدالت و عقلانیت قرار می‌گیرد. در مناظره دوم، «خدمت‌رسانی عدالت‌محور»، دال‌های شناور فقر، محرومیت‌زدایی، خدمات بهداشتی و درمانی، سازوکار حقوق، همچنین اصول اصلاحات - شامل عدالت، کیفیت، اثربخشی و کارایی - وجود دارد، که شاخص‌های عدل و عقل است. در مناظره سوم، «انسجام اجتماعی با حکمرانی فرهنگی»، باز مسائل حقوق، برخورد شایسته و عدالت اجتماعی مردم وجود دارد. همچنین، مباحث رفع فیلترکردن، سینمای زیرزمینی، اخراج و تعلیق اساتید و دانشجویان که ذیل عقلانیت تجربی قرار می‌گیرد. در مناظره چهارم، «ایران در جهان امروز»، دال عدل فراگیر و تأمین معیشت



مردم مطرح شد. سپس، مباحثی مثل عضویت در AFTF و استفاده از موقعیت جغرافیای سیاسی (ژئوپولتیک) ایران بیان شد که حاکی از عقلانیت سیاسی است. در مناظره پنجم، «کارآمدسازی دولت»، پزشکیان درباره مسائل مهمی مثل شکاف عمیق در ساختار سیاسی، نقدپذیری، شفافیت و آزادی بیان، فساد، نابرابری و بی‌عدالتی و حقوق شهروندی سخن می‌گویند که همه دال‌های شناوری پیرامون عدل اجتماعی و عقل تجربی است. در مناظره ششم، «مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی»، و در مناظره هفتم، «مسائل اقتصادی-سیاسی»، نیز پزشکیان پیرامون عدالت و عقلانیت مثل توزیع و تخصیص عادلانه و تخصص و تجربه سخن می‌گویند.

**کلیدواژگان:** دال شناور، دال مرکزی، عدالت، عقلانیت، گفتمان.



## رؤیای «دولت رفاه» در بستر «وفاق ملی»

علی قربانپور (دشتکی)<sup>۱</sup>

دولت چهاردهم با طرح گفتمان وفاق ملی، صورت‌بندی جدیدی از معادلات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را ترسیم کرد. این صورت‌بندی، در پاسخ به رویکرد خالص‌سازی دولت نافرجام سیزدهم، در دو سطح شکل گرفت: در سطح درون حکومتی، که بدون در نظر گرفتن خط‌مشی جناحی، از نخبگان اجرایی دعوت به همکاری شد؛ در سطح کشور، تخصیص و توزیع فرصت‌ها به‌طور برابر بین اقوام، اقلیت‌ها و مناطق مختلف تقسیم شد (در نوشته حاضر، محور بحث ما مربوط به مورد اخیر است). اگر بخواهیم رویکرد وفاق ملی دولت چهاردهم را ذیل ساختار سیاسی و مدنی ایران معاصر واکاوی نقادانه کنیم و چشم‌اندازی از آن را ارائه دهیم بحث ما در راستای نوع جهت‌گیری و غایت دولت وفاق در ساختار و چشم‌انداز کشور شکل می‌گیرد. در خصوص نوع جهت‌گیری، وفاق ملی مبتنی است بر شکل‌دهی سازوکاری که بتوان وفاق بر پایه عدالت و انصاف را تحقق

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و اقتصاد، دانشگاه حکیم سبزواری  
[ghorbanpoor73@gmail.com](mailto:ghorbanpoor73@gmail.com)



بخشید، به طوری که غایت آن منجر شود به تبلور «دولت رفاه». از آنجاکه، به تعبیر اشمیت، سیاست یعنی تصمیم‌گیری در وضعیت استثنا، مسئله این است که تصمیم‌گیری در وضعیت استثنا، بدون موضع‌گیری شفاف راجع به هسته سخت قدرت، یعنی حاکمیت ملی، نه تنها ساختار سیاسی کشور را به سمت شکل‌گیری وضعی برابر و انصاف متمایل به دولت رفاه پیش نخواهد برد، بلکه به دلیل دست‌زدن به هویت‌های قومی-محلی، غول خفته مطالبه‌گری و منازعه دامن‌دار، برابرخواهی هویتی بیدار خواهد شد و در اثر کم‌رنگ‌بودن قدرت برتر یا نادیده‌انگاشتن حاکمیت ملی، «دولت-ملت» همگرا جای خود را به «دولت-قومیت» واگرا خواهد داد که منازعه‌های دامن‌دار و بی‌پایان جایگزین تداوم و تکامل خواهند شد. در نتیجه، ساختار سیاسی ایران به طور ناخواسته، در پیچ تاریخی برگشت‌ناپذیری قرار خواهد گرفت که هیچ رد و نشانی از دولت رفاه در آن هویدا نخواهد شد. در پژوهش حاضر، به روش کتابخانه‌ای و توصیفی تحلیلی انجام شده است.

**کلیدواژگان:** حاکمیت ملی، دولت چهاردهم، دولت رفاه، قومیت، وفاق ملی، هویت.



## تأثیر شبکه‌های غیررسمی بر سازمان‌های خصوصی کشور (با تأکید بر مؤلفه خودمختاری)

هومن ناقد<sup>۱</sup>، سیدعلی مرتضویان<sup>۲\*</sup>

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های سیستم‌سازی در عصر جدید ساخته‌شدن سازمان و بنگاه‌ها همچون پیکره اجتماعی است که بر فرایند تقسیم کار تخصصی استوار است. در سازمان‌ها استقلال و آزادی عمل موضوع محوری در بالندگی و تعالی به‌شمار می‌رود؛ بدین مفهوم که سازمان را قادر می‌سازد بر پایه ترجیح‌های خود، و نه بر پایه تحمیل نیروهای بیرونی به تصمیم‌گیری و کنشگری اقدام کنند. این خودمختاری (autonomy) و آزادی عمل که با قدرت عجین شده است در بطن نظریه‌های سیاسی مدرن قرار دارد و با دموکراسی، آزادی و فردگرایی مرتبط است. فعالیت‌های شبکه‌های غیررسمی و ناهمسو چالشی برای بهره‌وری سازمان به‌شمار می‌رود. بر اساس این پژوهش، سندروم «کاهش خودمختاری»

۱. دانشجوی دکتری، رشته اندیشه‌های سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز  
([hoomansagheb@yahoo.com](mailto:hoomansagheb@yahoo.com))

۲. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز



ناشی از فعالیت «رو به گسترش» شبکه‌های غیررسمی، رشد طبیعی سازمان‌های خصوصی کشور را تحت تأثیر قرار داده است و چهار حوزه اصلی سازمان شامل تصمیم‌گیری، هنجارسازی، تخصیص منابع، نظارت و کنترل را متأثر از خود می‌سازد. در نهایت، با «کاهش تدریجی کارایی و اثربخشی» به «فرسایش و تهی‌شدن سازمان‌های خصوصی» در بلندمدت منجر می‌شود.

**کلیدواژگان:** خودمختاری، سازمان‌های خصوصی کشور، شبکه‌های غیررسمی، فردگرایی.



# جمهوری اسلامی و مسئله تأسیس: آسیب‌شناسی تأسیس و مسئله نهادمندشدن قدرت تأسیس در جمهوری اسلامی ایران

حمید ملک‌زاده<sup>۱</sup>

عموماً سیاست را به دو اعتبار می‌فهمند: تأسیس و وضع مستقر. از این منظر هر وضع مستقری یک‌جور سازمان نهادمندشده قدرت تأسیس است؛ قدرتی که از طریق مجموعه‌ای از مناسبات نهادی و در قالب رژیم‌های سیاسی تنظیم شده است و سازمان پیدا می‌کند. تاجایی که به مسئله استقرار یافتگی نهادمند قدرت در وضع مستقر مربوط می‌شود، در هر وضع مستقری سازوکارهایی نهادی برای کنترل، مراقبت و به‌سامان کردن قدرت تأسیس اولیه وجود دارند. این سازوکارهای نهادی از یک‌طرف تداوم وضع مستقر را تضمین می‌کنند؛ و از طرف دیگر نفس قدرت اولیه تأسیس و پویایی‌های آن را حفظ و از تجمیع بار اضافی در سمت تأسیس ممانعت می‌کنند. در معنایی مشخص، تضمین حیات و کارآمدی هر رژیم سیاسی مستقری به کارآمدی و پویایی این سازوکارهای

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه کاشان ([hmalekzade@kashanu.ac.ir](mailto:hmalekzade@kashanu.ac.ir))



نهادمند کنترل و به کارگیری قدرت تأسیس اولیه وابسته است. به طور کلی، نهادهای انتخاباتی و نظام‌های حزبی فعال در رژیم‌های مختلف، بخشی از این کارویژه سیاسی خاص را برعهده می‌گیرند. مسئله مهمی که درباره این نظام کنترل و به کارگیری بهینه قدرت تأسیس اولیه باید به آن توجه کنیم نقشی است که این سازمان نهادی در بیرونی کردن دشمنی و تثبیت مفهوم رقابت برای نظام‌های سیاسی مختلف بازی می‌کنند. نویسنده این مقاله بر این باور است که این کارویژه اساسی سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ش ازدو جهت مختلف ناکارآمد بوده است: الف) در عمل بیرونی‌سازی دشمنی وجودشناختی؛ ب) در سازماندهی قدرت تأسیس اولیه. این هر دو موضوعاتی هستند که در مسئله‌شناسی و آسیب‌شناسی سیاست در جمهوری اسلامی ایران اهمیتی زیادی دارند.

**کلیدواژگان:** انقلاب اسلامی ایران، بیرونی‌سازی دشمنی، سازماندهی قدرت تأسیس، نهادمندشدن قدرت.





## انقلاب اسلامی و اصحاب علوم انسانی: از تلازم دین و سیاست، تا سکولاریسم

محمد منصورنژاد<sup>۱</sup>

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ش، بر اساس تلازم دین و سیاست، خلاف هنجار و روند جهانی، به‌طور مسئله‌برانگیزی به جمهوری اسلامی ختم شد. پرسش اساسی آن است که چرا چنین اتفاقی در سال ۱۳۵۷ش در ایران رخ داد؟ فرضیه این است که حضور نخبگانی از علوم انسانی (نولندیشان و روشنفکران دینی) در مدیریت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، امکان جمع بین دین و دولت و دین و مردم‌سالاری را در زمان تأسیس نظام، ممکن ساخت. الگوی نظری این پژوهش عبارت است از الگوی نظری مایکل بوروی (۲۰۰۵) که چهار نقش و کارکرد اصلی را برای رشته جامعه‌شناسی مطرح کرد: نقش حرفه‌ای، سیاستی، ترویجی و انتقادی. این کارکردها را مرحوم دکتر امین قانع‌راد به علوم انسانی تعمیم داد. در این مطالعه نشان داده شده است که علوم انسانی در این

۱. دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. مدیر کمیته دین‌پژوهی انجمن علمی مطالعات صلح ایران ([dr.mansomejad@gmail.com](mailto:dr.mansomejad@gmail.com))



دانشگاه مطالعات جهان



چهار کارکرد با انقلاب اسلامی چه نسبتی دارد. همچنین، از میان کارکردهای یادشده، کارکرد انتقادی که به تعبیر هابرماس نقش رهایی بخش دارد، با حرکات ضداستبدادی و ضداستعماری در انقلاب نسبت مستقیمی دارد و متون بیشتری را نیز به خود اختصاص می‌دهد. از جمله مشکلات این پژوهش باید گفت بدیهی است که اگر اکثر اصحاب علوم انسانی در سال ۱۳۵۷ش با مردم همراه شده باشند، در ادامه از آن فاصله گرفتند. اما، در میان آن‌ها دو جریان دست‌کم تا دهه نخست، نقش اساسی ایفا کرد: روشنفکران دینی و نواندیشان دینی. اینان بودند که دستاوردهای علوم انسانی را در دهه نخست پس از پیروزی، به درون سیستم کشاندند. اما، مسیر نواندیشان و روشنفکری دینی در ده‌های بعد، از دو ناحیه تهدید شد: یکی جریان بنیادگرای افراطی، و دیگری از سوی جریان‌های چپ و متأثر از مارکسیسم و مائوئیسم و جز آن که آثار تفکراتشان هنوز وجود دارد. برآیند کار نشان می‌دهد، نتیجه به حاشیه رانده شدن این نمایندگان علوم انسانی در نظام، از جمله آن شد که خود علوم انسانی نیز مهجور و مغفول قرار گیرد. از نتایج این اقدام، تدبیر نظام بر اساس نگاه‌های ایدئولوژیکی شد که در همه ابعاد غیرکارآمد ملند. تاحدی این ناکارآمدی و تبعات آن (از جمله فساد) برجسته شد که امروزه



بسیاری از نواندیشان دینی و روشنفکران دینی هم با عدول از دیدگاه پیشین، خواهان نظام سکولاریستی شدند.  
**کلیدواژگان:** انقلاب اسلامی ایران، تلازم دین و سیاست، سکولاریسم، علوم انسانی.



سیاست جهانی، منطقه‌ای  
و همسایگی (سیاست  
خارجی)

## دولت دوم ترامپ و سناریوهای محتمل در روابط چین و ایران

ابراهیم آقامحمدی<sup>۱</sup>

روابط ایران و چین پس از انقلاب اسلامی با فرازونشیب‌های زیادی مواجه بوده، به طوری که به زعم برخی، امکان شکل‌گیری روابط راهبردی میان دو طرف با تردیدهای جدی همراه است. اما، تلاش‌های دیپلماتیکی چین در میانجیگری میان ایران و عربستان همه نظرها را به سوی چین و نقش آن در غرب آسیا جلب کرد و حتی بسیاری نقش دیپلماتیکی چین را تحسین کردند. آنچه برای چین در غرب آسیا اهمیت بسزایی دارد، سرمایه‌گذاری و روابط اقتصادی با کشورهای این منطقه است؛ چراکه رشد و گسترش اقتصاد چین و عبور تولید ناخالص ملی چین از ایالات متحده آمریکا موجب شده است که این کشور در غرب آسیا و در سطح جهان نقش فعال‌تری به عهده بگیرد و سیاست ایالات متحده را در غرب آسیا با چالش روبه‌رو سازد. در این میان، ایران با بدبینی به غرب، رویکرد نگاه به شرق را در پیش گرفته است که به مشارکت با چین در قالب

۱. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه اراک ([e-aghahammadi@araku.ac.ir](mailto:e-aghahammadi@araku.ac.ir))



توافقنامه ۲۵ ساله منجر شد. روابط دو کشور از نظر اقتصادی و سیاسی در چند سال گذشته رشد کرده و پکن به دنبال جلوگیری از منزوی شدن تهران از طرف غرب بوده است. مؤلفه‌های داخلی و خارجی بی‌شماری بر روند این روابط تأثیرگذار هستند. در این میان، چگونگی همکاری چین با کشورهای غربی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در روابط چین و ایران است. به باور برخی، دونالد ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری خود، جنگ اقتصادی علیه چین را وارد مرحله تازه‌ای می‌کند. او قصد دارد با برنامه‌های گسترده از نفوذ این کشور در عرصه جهانی بکاهد و جایگاه اقتصادی آمریکا را بازتعریف کند. اما، در مقابل، عده‌ای دیگر معتقدند که دو کشور منافع مشترک گسترده و فضای همکاری وسیعی دارند و ترامپ و شی می‌توانند شرکای یکدیگر عمل کنند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که تشکیل دولت دوم ترامپ چه تأثیری بر روابط چین، در جایگاه شریک راهبردی، همچنین بزرگ‌ترین واردکننده نفت، با ایران خواهد گذاشت و چین چه رویکردی در قبال اقدام‌های ترامپ خواهد داشت؟ در پاسخ سناریوهای محتمل بررسی شده است تا بهترین الگوی اقتصادی و سیاسی برای تنظیم روابط بین ایران و چین در وضعیت فعلی شناسایی شود. برای این کار از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شد.

**کلیدواژگان:** ایالات متحده، ایران، تحریم، چین، روابط اقتصادی.



## تأثیر تحولات غرب آسیا بعد از طوفان الاقصی بر قدرت منطقه‌ای ایران

علی باقری دولت‌آبادی<sup>۱\*</sup>، علی کرم‌پور<sup>۲</sup>

طبق سند چشم‌انداز بیست ساله، سال ۱۴۰۴ شالی است که قرار است ایران بر اساس آن به جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه غرب آسیا دست پیدا کند و در جهان اسلام الهام‌بخش، فعال و مؤثر باشد. این جایگاه در شرایطی باید برای ایران حاصل شود که ظرف یک‌سال گذشته منطقه غرب آسیا آستان تحولات عمیق و تأثیرگذاری شده است و با حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید عرصه نظام بین‌الملل نیز دگرگونی‌های تازه‌ای را تجربه خواهد کرد. پرسش اصلی مقاله این است که تحولات غرب آسیا پس از طوفان الاقصی چه تأثیری بر قدرت منطقه‌ای ایران گذاشته است؟ فرضیه اصلی مقاله این است که بعد از عملیات طوفان الاقصی منطقه غرب آسیا به لحاظ جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیکی)، جغرافیای راهبردی (ژئواستراتژیکی) و جغرافیای اقتصادی

۱. استاد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج (\* نویسنده مسئول  
[abagheri@yu.ac.ir](mailto:abagheri@yu.ac.ir))

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد نظام قدرت جهانی، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه  
تهران ([Karampour.ali@ut.ac.ir](mailto:Karampour.ali@ut.ac.ir))



(ژئواکونومی) تغییر کرده و این امر قدرت ایران را فرسایش داده است. برای انجام دادن پژوهش حاضر، به لحاظ نظری، از مفهوم قدرت منطقه‌ای استفاده شد. قدرت منطقه‌ای کشورها بر اساس جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل و تحت تأثیر مفهوم قطبیت و توزیع قدرت در نظام بین‌الملل مشخص می‌شود. برنارد کوهن قدرت منطقه‌ای را در رده دوم سلسله‌مراتب قدرت در نظام بین‌الملل قرار می‌دهد و معتقد است قدرت‌های منطقه‌ای نخست تلاش می‌کنند خود را هسته و مرکز قدرت در منطقه تعریف کنند. دوم، نفوذ نظامی در منطقه را دنبال می‌کنند. سوم، خواسته‌های برتری جویانه‌ای در منطقه دارند. دانیل فرمز و استفان شرم برای قدرت منطقه‌ای چهار شاخص تعیین می‌کنند: ۱. ادعای رهبری منطقه‌ای؛ ۲. برخورداری از منابع ضروری قدرت (توان نظامی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی)؛ ۳. به کارگیری مناسب ابزارهای سیاست خارجی از قبیل مذاکرات دیپلماتیک، ابزارهای نظامی، اقتصادی و تبلیغی؛ ۴. پذیرش نقش رهبری توسط قدرت ثالث. با توجه به شاخص‌های ذکر شده کوشیده‌ایم با استفاده از دو روش کمی و کیفی، وضعیت ایران را در این چهار حوزه بسنجیم.

**کلیدواژگان:** ایران، طوفان‌الاقصی، غرب آسیا، قدرت منطقه‌ای، نظام بین‌الملل.





## آسیب‌شناسی راهبرد هویتی ج.ا.ایران در قبال مسئله‌گردها در عصر منطقه‌گرایی در غرب آسیا (۲۰۲۴-۱۹۹۱م)

اردشیر پشنگ<sup>۱</sup>

به همان میزان که هویت در زیست و شناخت فردی و جمعی انسان‌ها عنصری حیاتی به‌شمار می‌رود، در عرصه سیاست، اعم از خارجی و داخلی، نیز به‌مثابه چراغ راهنما و وزنه، گاه قدرت و گاه ضعف برای دولت‌ها عمل می‌کند. در همین راستا، عنصر هویت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعیین دوستی و دشمنی، جهت‌گیری، آرایش دیپلماتیکی و موازنه و در وقوع رقابت، بحران و حتی جنگ در غرب آسیا از فردای جنگ جهانی اول تا به امروز بوده است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۹۱م) و پایان عصر دوقطبی در نظام بین‌الملل، شاهد شروع عصر منطقه‌گرایی در مناطق مختلف جهان، از جمله غرب آسیا، هستیم. کاهش اهمیت مناطق برای قدرت‌های بزرگ و افزایش قدرت مانور برای بازیگران قوی، متوسط یا دارای ظرفیت در مناطق مختلف برای افزایش سطح نفوذ

۱. دکتری روابط بین‌الملل، پژوهشگر ارشد مهمان، مرکز مطالعات راهبردی خاورمیانه (IMESSIRAN). مدیرگروه مطالعات کردی، انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا (IAWAS) ([Pashang1979@gmail.com](mailto:Pashang1979@gmail.com))



مرکز مطالعات راهبردی



و قدرت خود از جمله ویژگی‌های این دوره است. در چنین وضعیتی، عنصر هویت یکی از عوامل مهم در رقابت میان بازیگران مختلف و مدعی در غرب آسیا، از جمله در ایران، ترکیه و عربستان سعودی بوده است. در این بین، ایران از یک‌سو و از نظر هویتی با مذهب اکثریت شیعی و زبان فارسی و از سوی دیگر به دلیل سیاست‌های تجدیدنظرطلبانه، به‌خصوص صدور انقلاب و نیز ضدیت با غرب، به تنهایی راهبردی در منطقه غرب آسیا دچار بوده است. در میان هویت‌های مختلف نژادی و زبانی در غرب آسیا، گردها که در چهار کشور حضور دارند یکی از معدود گروه‌های هویتی و دارای بیشترین قرابت و خویشاوندی نژادی، زبانی، فرهنگی و تاریخی با ایران هستند و خود از عناصر مهم منطقه نوروژ به‌شمار می‌روند. اما، این ظرفیت‌ها هیچ‌گاه آنچنان که شایسته بوده است به برقراری روابط مستحکم و مؤثر منجر نشده است. در این مقاله، به دنبال پاسخ به این سؤال بوده‌ایم: چرا ایران نتوانسته است از ظرفیت‌های گردها به‌مثابه یکی از عناصر تأثیرگذار در افزایش قدرت خود در غرب آسیا استفاده کند؟ اولویت‌دادن صرف به هویت مذهبی در سیاست خارجی، تأثیر سیاست خارجی ترکیه بر ایران و نادیده‌انگاری تحولات هویتی در منطقه از جمله عوامل مؤثر بر این وضعیت است.

**کلیدواژگان:** روابط ایران با اقلیم کردستان عراق، روابط ایران با گردها در سوریه، گرد، منطقه نوروژ، هویت و سیاست خارجی.



## خودتصویری راهبردی در سیاست خارجی ج.ا.ایران

ناصر پورحسن<sup>۱</sup>

با توجه به ماهیت کنشگران سیاسی، اهمیت «تصویر» تعیین کننده تر از «واقعیت» است. به تعبیری، کمتر واقعیتی خارج از تصویر وجود دارد. تصویرسازی در عرصه سیاست خارجی و در آن سوی مرزهای ملی در پرتو تصویرسازی راهبردی ساخته می شود. رقابت بسیار شدیدی بر سر شکل دهی به ادراک و ذهنیت اشخاص، نهادها و بازیگران سیاسی از بازیگر وجود دارد. تصویرسازی راهبردی دوسویه، بلکه چندسویه است. از یک طرف، رقبا می کوشند براساس ادراکی که از بازیگر دیگر دارند، تصویری مطابق با منافع خود، از آن برسانند. این تصویر طیفی از دوست، شریک، متحد راهبردی تا رقیب و دشمن را دربرمی گیرد. معمولاً تصویرسازی در عرصه بین المللی منفی است و از برخی کشورها، تصویری که گاه غیرواقعی ساخته می شود. برخی کشورها، مانند جمهوری اسلامی ایران، در معرض تصویرسازی دیگران قرار دارند. در مقابل این روند، به ویژه

۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه آیت الله بروجردی

[Na.pourhassan@abru.ac.ir](mailto:Na.pourhassan@abru.ac.ir)



طی سال‌های اخیر، برخی کشورها برای ترمیم تصویر برساخته دیگران، راهبرد گسترده‌ای پی گرفته‌اند که بیشتر ذیل عنوان «برندسازی ملی» از آن یاد می‌شود. به تعبیر صحیح، تصویرسازی راهبردی و برندسازی ملی دو روی یک سکه هستند و اهمیت بسیاری دارند. سؤال این مقاله به خود جمهوری اسلامی معطوف شده است: جمهوری اسلامی چه تصویر راهبردی‌ای از خود برساخته است؟ فرضیه مقاله این‌گونه صورت‌بندی شده است: جمهوری اسلامی فاقد راهبردی کلان در عرصه برندسازی ملی است و اختلافات گفتمانی در سیاست خارجی، ناخواسته، بسترساز و مکمل تصویرسازی راهبردی دیگر بازیگران از آن می‌شود. یافته‌های مقاله که با روش کیفی و به شیوه توصیفی-تحلیلی حاصل شده، بیانگر آن است که گسست گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و اولویت‌یابی متناقض در برندسازی معطوف به داخل و خارج، نوعی سردرگمی در تصویر راهبردی جمهوری اسلامی پدید آورده است.

**کلیدواژگان:** برندسازی ملی، تصویرسازی بین‌المللی، جمهوری اسلامی، سیاست خارجی.



## ژئوپلیتیک نوین ایران و سیاست همسایگی

### ماندانا تیشه‌یار<sup>۱</sup>

سدهٔ پانزدهم خورشیدی درحالی آغاز شده است که جهان ایرانی بیش از هر زمان دیگری در دهه‌های اخیر دستخوش التهاب‌ها و تنش‌هاست. از یک‌سو، شکاف‌های درونی میان جوامع مدنی و دولت‌ها عمیق‌تر شده است؛ از سوی دیگر، گروه‌های تندرو با افکار و باورهای گوناگون رو به رشد هستند و قدرت‌های بین‌المللی در حال اجرای طرحی نو برای تدوین نظم منطقه‌ای تازه‌ای در این حوزهٔ تمدنی هستند. در این نوشتار کوشیده‌ایم تا نشان دهیم در جهان امروز چگونه ساختار سامانهٔ بین‌المللی دچار تحولی عمیق شده و نظم تازه‌ای با محوریت مناطق در حال شکل‌گیری است. سپس، به این موضوع می‌پردازیم که چگونه مناطق نوین بر پایهٔ الگوهای جدید در حال پدیدارشدن هستند. آنگاه نشان می‌دهیم که چگونه هم‌زمان با این تحولات، گفتمان «امنیت فرهنگ پایه» رو به گسترش است. در قالب چنین شرایطی، چگونه دانشگاهیان

۱. عضو هیئت علمی گروه مطالعات منطقه‌ای، مؤسسهٔ آموزش عالی بیمهٔ اکو، دانشگاه علامه طباطبائی ([mandana.tishehyar@gmail.com](mailto:mandana.tishehyar@gmail.com))



ایرانی می‌توانند نقشی تاریخ‌ساز در شکل‌دهی به «جامعه فرهنگی نوین در سطح منطقه» بازی کنند. ایده شکل‌دهی به این جامعه فرهنگی، در واقع از دل نظریه‌های نومنطقه‌گرایی بر ساخته شده است که در سال‌های اخیر رویکرد اصلی در مطالعات منطقه‌ای بوده است و بر عنصر هویت و مؤلفه‌های فرهنگی شکل‌دهنده آن تأکید می‌شود.

**کلیدواژگان:** ایران، جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک)، منطقه فرهنگی نورو، نومنطقه‌گرایی، همگرایی منطقه‌ای.



## بحران در دیپلماسی اروپایی ایران؛ راه‌حل‌های کارکردگرایانه

رضا رحمتی<sup>۱</sup>

روابط دیپلماتیکی ایران در سطح اروپا با بحران مواجه شده است. هم سطح و هم عمق روابط ایران با کشورهای اروپا متلاطم شده است. یورواستات کل حجم تجارت ایران و اتحادیه اروپا را طی سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ کم‌تر از ۱۵ میلیارد دلار اعلام کرد. حتی، به‌نظر می‌رسد، با شروع دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ در آمریکا و در نتیجه اعمال سیاست‌های فشار حداکثری، این سطح از روابط نیز کاهش یابد و «نگرانی و عدم قطعیت» بانک‌های اروپایی نسبت به ارتباط با ایران بیشتر نیز بشود. این روابط تا حدی «سیاسی» و «امنیتی» سازی شده است و شرکت‌های اروپایی با علم به افزایش تحدیدهای اقتصادی ایالات متحده، روابط با ایران را پرخطر قلمداد کرده‌اند. البته، با توجه به چیرگی وضعیت متغیرهای تنش‌زای سیاسی بین ایران و اروپا در سال‌های اخیر، به‌خصوص بعد از تنش‌های هسته‌ای که با خروج ترامپ و متعاقب آن «قانون راهبردی مجلس شورای اسلامی» مبنی بر الزام دولت به افزایش غنی‌سازی اورانیم همراه شده است، این روابط بیشتر متأثر از متغیرهای تنش‌آلود (سیاسی) است. این موضوع را می‌توان در تعارض منافع ایران

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا ([r.rahmati@basu.ac.ir](mailto:r.rahmati@basu.ac.ir))



در بحران‌های روسیه-اوکراین، اسرائیل-فلسطین، چین-تایوان و نظایر آن مشاهده کرد. سؤالی که در اینجا به وجود می‌آید این است که با توجه به متون روابط بین‌الملل و با توجه به روابط بحرانی ایران با کشورهای اروپایی، راه حل برون رفت از این وضعیت چیست؟ فرضیه این تحقیق بر اساس روش توصیفی-تحلیلی این‌گونه صورت‌بندی شده است: توجه به مؤلفه‌های کارکردی درکی پراگماتیستی از روابط بحرانی ایران-اروپا به دست می‌دهد و ممکن است راه‌حلی برای حل روابط بحرانی متقابل باشد. نگاهی به گزاره‌های نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل نشان می‌دهد نظریه کارکردگرایی، با توجه به نگاه ویژه‌ای که به روابط و کارویژه‌های فنی، غیرسیاسی و اقتصادی وجود دارد کمک می‌کند درک روابط بحرانی سیاسی ایران و کشورهای اروپایی شکل گیرد و مسیر روابط ایران و کشورهای اروپایی از وضعیت «سیاست‌زدگی» به مسیر فنی سوق یابد. در این تحقیق، نخست درک کلی تنزل سطح و عمق روابط ایران-اروپا به خصوص در یک دهه اخیر مطرح می‌شود. سپس، به مؤلفه‌های درک کارکردگرایی از روابط بین‌الملل اشاره خواهیم کرد. بعد از آن تلاش خواهیم کرد راه‌حل‌های بحران در روابط ایران-اروپا را بر اساس مؤلفه‌های کارکردگرایی بررسی کنیم.

**کلیدواژگان:** اروپا، ایران، بحران، روابط خارجی، سیاست خارجی، کارکردگرایی.





## چالش‌های سیاست خارجی ایران در سال ۲۰۲۵م: راهبری موانع اقتصادی تحت دشمنی اسرائیل

جواد عرب‌عامری<sup>۱</sup>

روابط ایران و اسرائیل که با دهه‌ها دشمنی مشخص شده است، تأثیر قابل توجهی بر سیاست خارجی و چشم‌انداز اقتصادی ایران دارد. در این مقاله، چالش‌های سیاست خارجی ایران در سال ۲۰۲۵م با تأکید بر نقش آن در جایگاه قدرتی متوسط و راهبرهایی که برای مقابله با موانع اقتصادی ناشی از دشمنی اسرائیل به کار می‌گیرد، بررسی شده است. از آنجاکه در غرب آسیا تحولات چشمگیری در جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) رخ داده است، ظرفیت ایران در سازگاری با و به‌حد اکثر رسلندن تولنایی‌های دیپلماتیکی خود برای حفظ ثبات و نفوذ در آینده بسیار حیاتی خواهد بود. در این مقاله، چالش‌های اقتصادی بالقوه- از جمله تداوم تحریم‌های اقتصادی، کاهش ارزش پول ملی، درصد بالای تورم و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی ایران در سال ۲۰۲۵م- بررسی و ارزیابی می‌شود این عوامل چگونه به تصمیم‌های سیاست خارجی ایران شکل می‌دهد. با استفاده از ترکیبی از چارچوب نظری دیپلماسی قدرت

۱. دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس ([j.arabameri@modares.ac.ir](mailto:j.arabameri@modares.ac.ir))



متوسط و نظریه وابستگی متقابل اقتصادی، رفتار راهبردی ایران، ائتلاف‌های منطقه‌ای و تلاش‌های دیپلماتیکی آن را در کاهش آثار نامطلوب چالش‌های اقتصادی در رقابت با اسرائیل ارزیابی می‌کنیم. روش پژوهش رویکردی ترکیبی است، شامل تحلیل سناریو و بررسی جامع اسناد راهبردی کشور در ارزیابی تأثیر فشارهای اقتصادی بر سیاست خارجی ایران در سال ۲۰۲۵م. فرضیه اصلی ما این است که ایران با استفاده از دیپلماسی قدرت متوسط با تعمیق روابط با قدرت‌های منطقه‌ای، شرکت در سازوکارهای چندجانبه و به‌کارگیری راهبرد قدرت نرم به‌منظور ارتقای جایگاه بین‌المللی خود در کاهش آثار منفی چالش‌های اقتصادی وارد عمل خواهد شد. این پژوهش به درک نقش در حال تحول ایران در جایگاه قدرتی متوسط در غرب آسیا کمک خواهد کرد و اهمیت دیپلماسی قدرت متوسط را در شکل‌دهی به تصمیم‌های سیاست خارجی کشور برجسته می‌سازد. یافته‌های پژوهش، علاوه بر کمک به سیاست‌گذاری، بینش‌های ارزشمندی درباره رفتار راهبردی و تلاش‌های دیپلماتیکی ایران در برابر چالش‌های اقتصادی و رقابت‌های منطقه‌ای ارائه می‌دهد.

**کلیدواژگان:** اسرائیل، ایران، چالش‌های اقتصادی، دیپلماسی قدرت متوسط، سیاست خارجی.



## آسیب‌شناسی رویکرد سازه‌انگاری در مطالعه سیاست خارجی ایران؛ مطالعه موردی روابط ایران و عربستان

الهام کشاورز مقدم<sup>۱</sup>، ته‌میننه تفکری<sup>۲</sup>، محمدمتین سلمانی<sup>۳\*</sup>

به نظر می‌آید عناصر نظری رویکرد سازه‌انگاری توانسته است پژوهشگران را از برخی دشواری‌های علمی رویکردهای سنتی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی رهایی ببخشد؛ اما، این رویکرد در تبیین برخی پدیده‌ها ناتوان است و تعارض این رویدادها با عناصر تحلیلی سازه‌انگاری نشان از نوعی نسبی‌گرایی مطلق، اختلال‌های روش‌شناختی، کم‌توجهی به عوامل مادی و آرمان‌گرایی در این رویکرد دارد که نقدهای مهمی را به آن وارد می‌کند. از طرف دیگر، غایت هر پژوهشی تبیین و توضیح وضع موجود و فراهم‌آوردن شرایط تصمیم‌گیری در جهت پیشبرد اهدافی مشخص است. در این میان، برقراری مجدد روابط ایران و عربستان یکی از تحولاتی بود که نقدی را بر امکانات این رویکرد وارد آورد. هدف این پژوهش

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران ( [e.keshavarz@ut.ac.ir](mailto:e.keshavarz@ut.ac.ir) )

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران  
( [tahminehtafakor\\_99@yahoo.com](mailto:tahminehtafakor_99@yahoo.com) )

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس (\*نویسنده مسئول):  
( [matinsalmani99@gmail.com](mailto:matinsalmani99@gmail.com) )



فراهم آوردن شرایط امکان آسیب‌شناسی رویکرد سازه‌نگاری در رابطه با مطالعه سیاست خارجی ایران است. در این پژوهش سعی می‌شود با قرا دادن مؤلفه‌های سازه‌نگاری در چارچوب نظری و با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا در شناسایی الگوها و مفاهیم کلیدی در سیاست خارجی ایران و نگاهی آسیب‌شناسانه، به این پرسش پاسخ داده شود که چه آسیب‌هایی در تحلیل سیاست خارجی ایران، به‌ویژه در پیوند با روابط ایران و عربستان، با رویکردی سازه‌نگارانه وجود دارد. فرضیه منتخب این پژوهش این است که با اتخاذ رویکرد سازه‌نگاری، مواجهه این دو کشور و رفتاری‌های سیاسی متقابل آن‌ها در موارد یکسان ناشی از تفاوت‌های هویتی-مذهبی قلمداد می‌شود و همین، منازعه میان این دو کشور را در بعد هویتی و امنیت هستی‌شناختی توضیح می‌دهد. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد اتخاذ چنین رویکردی، نقش پویای قدرت را در ایجاد کنترل و موازنه، چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی، نادیده می‌گیرد. همچنین، ناتوان در تبیین چرایی برقراری مجدد روابط این دو کشور با عناصر نظری خود است. هدف نهایی این پژوهش، ایجاد شرایطی برای تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر در راستای اهداف سیاست خارجی ایران و تحلیل ضعف‌های این رویکرد نظری در این زمینه است.

**کلیدواژگان:** ایران، سازه‌نگاری، سیاست خارجی، عربستان.



## واکاوی و تبیین فرصت‌ها و زمینه‌های همگرایی جمهوری اسلامی ایران و آمریکای لاتین

محسن زمانی<sup>۱</sup>

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره در پی گسترش روابط با کشورهای مستقل و همسو با اصول انقلاب اسلامی بوده است. در این راستا، منطقه آمریکای لاتین یکی از حوزه‌های دارای ظرفیت زیاد برای همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. علی‌رغم فاصله جغرافیایی زیاد، ایران و کشورهای آمریکای لاتین - به‌ویژه ونزوئلا، کوبا، بولیوی، نیکاراگوئه و برزیل - در سال‌های اخیر روابط خود را در زمینه‌های مختلف گسترش داده‌اند. اشتراک‌های ایدئولوژیکی، منافع مشترک در مقابله با هژمونی غرب، ظرفیت‌های اقتصادی و انرژی، و همکاری در مجامع بین‌المللی از جمله عوامل مؤثر در این روابط بوده‌اند. در این پژوهش، با رویکردی تحلیلی-توصیفی، فرصت‌ها و زمینه‌های همگرایی ایران و آمریکای لاتین بررسی شده است. پرسش اصلی تحقیق این است که چه فرصت‌هایی برای تعمیق روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین

۱. دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک گرایش سازمان سیاسی فضا،  
دانشگاه تهران (zamani\_m@ut.ac.ir)



وجود دارد؟ فرضیه تحقیق این است که همگرایی میان ایران و کشورهای آمریکای لاتین بر اساس اشتراک‌های ایدئولوژیکی، مقابله با هژمونی آمریکا، نیازهای متقابل اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی امکان‌پذیر است و به تقویت جایگاه ایران در عرصه جهانی کمک می‌کند. از منظر مبانی نظری، این پژوهش از نظریه نوواقع‌گرایی و رئالیسم تدافعی بهره می‌برد. بر اساس این رویکرد، کشورها در نظام بین‌المللی آنارشویستی برای افزایش امنیت و قدرت خود به دنبال ایجاد ائتلاف‌های راهبردی هستند. ایران و کشورهای آمریکای لاتین نیز با توجه به فشارهای آمریکا، به دنبال همکاری‌های متقابل برای کاهش وابستگی به نظام مالی و تجاری غرب و ایجاد بلوک‌های قدرت جایگزین هستند. همچنین، نظریه وابستگی متقابل پیچیده نیز در تحلیل روابط اقتصادی و تجاری میان ایران و کشورهای این منطقه استفاده شده است. فرصت‌های موجود در همکاری ایران و آمریکای لاتین را می‌توان در چند بعد بررسی کرد:

۱. اقتصادی و تجاری: توسعه صادرات غیرنفتی، مبادلات انرژی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی و کشاورزی؛
۲. سیاسی و دیپلماتیکی: تشکیل جبهه مشترک در برابر تحریم‌ها و فشارهای آمریکا، همکاری در سازمان‌های بین‌المللی؛



۳. فرهنگی و علمی: گسترش تعامل‌های دانشگاهی، تقویت دیپلماسی عمومی، افزایش مبادلات فرهنگی؛
۴. نظامی و امنیتی: همکاری‌های دفاعی و انتقال تجارب در حوزه مقابله با تهدیدات امنیتی.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد، با وجود برخی چالش‌ها- نظیر فشارهای آمریکا، مشکلات لجستیکی ناشی از فاصله جغرافیایی و مسائل اقتصادی داخلی ایران- فرصت‌های متعددی برای گسترش روابط با کشورهای آمریکای لاتین وجود دارد. تداوم این همکاری‌ها نه تنها قدرت چانه‌زنی ایران را در عرصه جهانی افزایش می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز تحکیم پیوندهای راهبردی با بازیگران مستقل در نظام بین‌الملل خواهد شد.

**کلیدواژگان:** اقتصاد سیاسی، آمریکای لاتین، رئالیسم تدافعی، سیاست خارجی ایران، وابستگی متقابل، همگرایی.



## پیامدهای وابستگی به مسیر در فرایند سیاستگذاری خارجی ایران

شهر روز شریعتی<sup>۱\*</sup>، هاجر اصغری<sup>۲</sup>

مفهوم «وابستگی به مسیر» چارچوبی مهم در تحلیل فرایندهای سیاستگذاری است و نشان می‌دهد تصمیم‌های گذشته چگونه مسیرها و گزینه‌های آینده را محدود می‌کنند. این مفهوم بر این اساس استوار است که تغییرات سیاسی و اقتصادی به تدریج و در چارچوب‌های مرتبط با زمان‌های گذشته صورت می‌گیرد، به نحوی که حتی اگر تغییرات جدیدی در محیط پدید آید، تصمیم‌ها و مسیرهای گذشته همچنان آثار قابل توجهی بر روندهای آتی دارند و این آثار به انتخاب‌های وابسته به مسیر می‌انجامد. در فرایند سیاستگذاری، وابستگی به مسیر بر تصمیم‌گیری‌های سیاستمداران و مقامات دولتی تأثیر می‌گذارد؛ به این معنا که سیاستگذاران همواره تمایل دارند حتی اگر تغییرات احتمالی به

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشگاه تربیت مدرس (\*نویسنده)

مسئول: (shariati@modares.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشگاه تربیت مدرس

(h.asghari@modares.ac.ir)





نتایج مطلوبی منجر شود، همچنان در چارچوب سیاست‌های قبلی به اتخاذ تصمیم بپردازند. با وجود آنکه در نگاه نخست، وابستگی به مسیر در فرایندهای سیاست‌گذاری مزایای خاصی دارد- مانند ثبات و پیش‌بینی‌پذیری- این روند در عمل مانع از درک نیازمندی‌های جامعه می‌شود؛ در نتیجه، مانع از نوآوری و بهینه‌سازی در سیاست‌های ناکارآمد خواهد شد. از طرفی، در شرایطی که نیاز به تغییرات اساسی وجود دارد، وابستگی به مسیر مانعی مهم برای اصلاحات سریع و مؤثر به‌شمار رود. این مقاله کوشیده‌ایم تا پیامدهای وابستگی به مسیر را در قالب تحلیل اسناد برنامه‌های توسعه و در حوزه مباحث مربوط به سیاست‌گذاری خارجی کشور با تأکید بر عرصه‌های دیپلماسی اقتصادی نشان دهیم. بر این اساس، مسئله اصلی مقاله ناظر بر این پرسش است که وابستگی به مسیر در اسناد برنامه‌های اول تا ششم توسعه چگونه در سیاست‌گذاری برای سیاست خارجی ایران موجب استمرار سیاست‌های ناکارآمد شده است؟ در مقاله، با بهره‌گیری از نظریه «پلی‌هیوریستیک» و تحلیل‌های محتوایی، همچنین طرح برخی آمارها در حوزه دیپلماسی اقتصادی نشان می‌دهیم موانع اصلی تحول و کارآمدی در سیاست خارجی کشور چگونه بازتولید می‌شوند.

**واژگان کلیدی:** اقتصادسیاسی، ایران، سیاست‌گذاری، وابستگی به مسیر.



## دیپلماسی علمی و سیاست همسایگی دو پیشران ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران در دوران گذار نظام بین‌الملل

مریم صنیع اجلال<sup>۱</sup>

منطقه جنوب غرب آسیا متأثر از عوامل جغرافیای اقتصادی (ژئواکونومی) و جغرافیای سیاسی (ژئواستراتژی)، همواره محل حضور قدرت‌های بزرگ جهانی بوده است. حضور بازیگران خارجی در کنار عوامل تفرقه‌ساز داخلی، این منطقه را به یکی از بحران خیزترین مناطق جهان تبدیل کرده است. مقتضیات دوران گذار نظام بین‌الملل و سربرآوردن قدرت‌های جهانی که سیاست‌های هژمونی آمریکا را به چالش کشیده‌اند به تلاش کشورهای منطقه برای مدیریت این بحران‌ها و تمرکز بر اهداف توسعه منجر شده است. این امر تدوین سیاست‌های کلان کشورهای منطقه را در راستای دستیابی به اهداف توسعه ملی با محوریت توسعه اقتصادی در بر داشته است. جمهوری اسلامی ایران در جایگاه یکی از قدرت‌های منطقه

۱. هیئت علمی گروه سیاست علوم و تحقیقات، مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور  
([ms\\_ejla1@yahoo.com](mailto:ms_ejla1@yahoo.com))



جنوب غرب آسیا دستیابی به توسعه را هدف کلان در اسناد بالادستی خود منعکس کرده است. یکی از اولویت‌های سیاست خارجی ایران برای دستیابی به اهداف توسعه که در قانون برنامه هفتم توسعه آمده است، اولویت دادن به همسایگان است. علاوه بر این، بر علم و فناوری و تقویت شاخص‌های دیپلماسی علمی تأکید شده است. بر این اساس، سیاست همسایگی و دیپلماسی علمی دو ابزار کلیدی در روابط بین‌المللی هستند و در ارتقای جایگاه ایران در منطقه جنوب غرب آسیا نقشی مهمی ایفا می‌کنند. در این مقاله، با هدف بررسی این دو ابزار و تأثیرگذاری آن‌ها بر جایگاه ایران در منطقه، به تحلیل این دو حوزه می‌پردازیم. سیاست همسایگی رویکردی فعال و مبتنی بر تعامل با همسایگان است و در ایجاد اعتماد متقابل، کاهش تنش‌ها و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای نقش مهمی دارد. از سوی دیگر، دیپلماسی علمی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فناوری، به ایجاد شبکه‌های همکاری مشترک، انتقال دانش و فناوری و در نهایت ارتقای جایگاه علمی و فناوری ایران در منطقه کمک می‌کند. تحلیل تطبیقی سیاست همسایگی و دیپلماسی علمی در ایران نشان می‌دهد که هر دو رویکرد در دوره‌های مختلف با چالش‌ها و فرصت‌های متفاوتی مواجه بوده است. در این راستا، در این مقاله عوامل مؤثر بر موفقیت یا شکست این دو رویکرد، از جمله عوامل داخلی و



خارجی، بررسی شده است. در بخش پایانی مقاله، با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی برای تقویت سیاست همسایگی و دیپلماسی علمی در ایران مطرح شده است. این پیشنهادهای عبارت‌اند از تقویت دیپلماسی عمومی، حمایت از همکاری‌های علمی مشترک با اولویت‌بندی کشورهای همسایه، ایجاد سازوکارهای مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه علم و فناوری و تقویت دیپلماسی اقتصادی در راستای تحقق اهداف سیاست همسایگی. در مجموع، نشان داده می‌شود که سیاست همسایگی و دیپلماسی علمی دو ابزار مکملی هستند که در ارتقای جایگاه ایران در منطقه جنوب غرب آسیا نقش مؤثری ایفا می‌کنند. با اتخاذ رویکردی جامع و مبتنی بر واقعیت‌های منطقه‌ای، ایران می‌تواند از این دو ابزار برای تقویت جایگاه خود در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بهره‌برداری کند.

**کلیدواژگان:** جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی علمی، سیاست همسایگی، منطقه جنوب غرب آسیا، همکاری علمی بین‌المللی، همکاری‌های منطقه‌ای.



## فقدان فرایند برساخت اجتماعی تقویت‌کننده و ناکامی نسبی برجام در تقویت روایت تعامل ایران و آمریکا: درس‌هایی برای برجام ۲

حیدرعلی مسعودی<sup>۱</sup>

کشورهای مختلف معمولاً از ابتکارهای دیپلماتیکی برای حل یا مدیریت منازعه‌ها میان یکدیگر استفاده می‌کنند. موفقیت این ابتکارهای دیپلماتیکس مستلزم وجود بسترهای مادی و معنایی تسهیل‌کننده آن‌هاست. چنانچه این بسترها وجود نداشته باشند یا به‌خوبی عمل نکنند، این ابتکارها شکل نمی‌گیرند؛ یا چنانچه شکل بگیرند، به راه‌حل نسبتاً پایداری برای حل مسائل چالش‌برانگیز منجر نمی‌شوند. توافق هسته‌ای یا برجام یکی از مهم‌ترین ابتکارهای دیپلماتیکی در تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. برجام اگرچه لزوماً برای حل معضلات ریشه‌ای روابط ایران و آمریکا طراحی نشده بود، ایران تلاش کرد از طریق برجام، به مدیریت یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در مناسبات

۱. استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

[h\\_masoudi@sbu.ac.ir](mailto:h_masoudi@sbu.ac.ir)



بین‌المللی خود، یعنی برنامه هسته‌ای، پردازد. حتی نخست این امید وجود داشت که در صورت توفیق در این مسیر، گزینه تعامل در سایر حوزه‌ها نیز آزمون شود. اما، این تلاش برای مدیریت موضوعی منازعه‌ها با آمریکا با خروج دولت ترامپ از توافق و بازگرداندن تحریم‌ها به شکست انجامید. اکنون که بحث تعامل مجدد احتمالی ایران و آمریکا در دولت دوم ترامپ مطرح می‌شود، ضروری است که علل ناکامی نسبی برجام در تقویت روایت تعامل ایران و آمریکا بررسی و واکاوی عمیق علمی شود؛ شاید توشه‌ای برای راه پرچالش آینده در دولت دوم ترامپ فراهم کند. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که مهم‌ترین علت ناتوانی برجام در تقویت روایت تعامل ایران و آمریکا چه بود؟ برای پاسخ به این سؤال، نخست پیشینه پژوهش بررسی می‌شود. سپس، بر چارچوب نظری و روش تحلیل کیفی متن متمرکز می‌شویم. در ادامه، به تبیین‌های مادی و معنایی ناکامی نسبی برجام می‌پردازیم. به نظر می‌رسد، علی‌رغم منافع مادی اقتصادی حداقلی برجام برای آمریکا (قرارداد خرید هواپیماهای مسافربری بوئینگ) و منافع مادی امنیتی حداکثری برجام برای آمریکا (نظارت و محدودسازی حداکثری برنامه هسته‌ای ایران)، فقدان عامل معنایی یعنی فرایند برساخت اجتماعی تسهیلگر و تقویت‌کننده روایت تعامل منجر به ناکامی نسبی برجام شد. معنای این یافته این است که



یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری نسبی توافق‌های احتمالی آینده میان ایران و آمریکا، وجود فرایند برساخت اجتماعی تسهیلگر و تقویت‌کننده روایت تعامل در هر دو کشور پیش و پس از توافق است.

**کلیدواژگان:** برجام، برساخت اجتماعی، سیاست خارجی ایران، دولت دوم ترامپ، روابط ایران و آمریکا.



## نقش ملی ایران در سوریه جدید

زهرا ملکی آدرانی<sup>۱</sup>

سوریه در زمره کشورهای است که نشانه‌هایی از اقتدارگرایی ساختاری دارد و براین اساس حزب بعث توانست کنترل سیاسی-اجتماعی و راهبردی اعمال کند. اعتراض‌های اجتماعی مردم از سال ۱۹۸۲م آغاز شد که به سرکوب شدید گروه‌های وابسته به اخوان المسلمین انجامید. اخوان المسلمین سوریه و ترکیه در فضای کنش ارتباطی قرار داشته و انگارهای نسبتاً یکسانی را برای حکمرانی در دستور کار قرار داده‌اند. چنین ائتلافی از حوزه ایدئولوژیکی به عرصه امنیتی و ساختاری منتقل شد. اگرچه اسد در سال ۲۰۱۷م به کمک متحدان خارجی توانست بر چالش‌های اجتماعی و سیاسی فائق آید، چنین فرایندی دوامی نداشت. بر اثر تحریم‌ها و انزوای سوریه، ساخت سیاسی و اجتماعی این کشور به چند کشور، از جمله ایران، محدود و وابسته شد. سوریه در نگرش ایران به‌منزله سرپل حمایت از حزب‌الله مطرح می‌شد، درحالی‌که حزب‌الله بخش قابل توجهی از اقتدارسازمانی، قدرت اجتماعی و جایگاه سیاسی

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران (k.maleky69@gmail.com)





خود را، به‌ویژه بعد از حذف سران تشکیلاتی و انتخاب «جوزف عون»، از دست داد. در نتیجه در فضای موجود در سوریه کارویژه چندانی برای اهداف راهبردی ایران در شرق مدیترانه نخواهد داشت. از طرفی دیگر، ساخت سیاسی سوریه در کنترل بازیگران منطقه‌ای قرار دارد که تمایلی به رشد و جایگاه‌یابی منطقه‌ای ایران ندارند. حال سؤال اصلی این است که ایران در این شرایط چه نقشی در سوریه جدید دارد. براساس فرضیه‌های این پژوهش و با استفاده از نظریه کنش ارتباطی، سه سناریو پیش‌روی ایران است. سناریوی نخست معطوف است به کنش ارتباطی با دولت از طریق ترکیه. طبیعی است که ایران نمی‌تواند نقش منطقه‌ای وابسته به اراده سیاسی بازیگری داشته باشد و راهبردهای متفاوتی را در دستور کار قرار دهد. سناریوی دوم معطوف است به حمایت از علویان، گروه‌های بعثی و مجموعه‌های مخالف حکومت جولانی. چنین رویکردی نیازمند حفظ حضور منطقه‌ای و بهره‌گیری از پایگاه‌های تاکتیکی است که به دلیل عدم مجاورت سرزمینی در اختیار ایران نیست. سناریوی سوم نیز معطوف است به راهبرد صبر و انتظار. چنین راهبردی براساس این انگاره شکل گرفته است که ساختار سیاسی و اجتماعی سوریه «پس‌اسد»، پس از ماه‌عسل گروه‌های جدید و عبور از فضای کنش انعطاف‌پذیر، وارد عرصه‌های شدید رقابتی قدرت و حذف یکدیگر خواهد شد. در چنین



شرایطی آشوب در سوریه بازتولید و سیاست صبر و انتظار مبتنی بر کنش ارتباطی و دیپلماتیکی حداقلی بیشترین مازاد راهبردی و به عبارتی کمترین هزینه تاکتیکی را برای ایران به وجود خواهد آورد.

**کلیدواژگان:** سوریه، پسااسد، کنش ارتباطی مبتنی بر صبر، کنش ارتباطی مقابله جویانه، کنش ارتباطی میانجی گرایانه.



## طالبان و امنیت ملی ایران: از بحران مهاجرت تا تهدید نظامی

امیر هوشنگ میرکوشش<sup>۱\*</sup>، محمد زندی زیارانی<sup>۲</sup>

بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان در پی خروج نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۲۱م، تحولات جدی در معادلات امنیتی منطقه‌ای، به‌ویژه برای ایران، ایجاد کرده است. مسئله اصلی این تحقیق بررسی تأثیر این تغییرات بر امنیت ملی ایران در دو بُعد کلیدی تهدیدهای نظامی و بحران مهاجرت است. از یک‌سو، قدرت‌گیری طالبان، به‌ویژه در مرزهای شرقی ایران، تهدیدهای امنیتی زیادی را برای ایران به‌همراه داشته است. از سوی دیگر، بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی در افغانستان موجب افزایش بی‌سابقه مهاجرت‌های غیرقانونی به ایران شده است که فشارهای زیادی را بر منابع و زیرساخت‌های این کشور وارد می‌کند. سؤال اصلی تحقیق این است که بازگشت طالبان چگونه بر تهدیدهای نظامی و بحران

۱. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی  
(\* نویسنده مسئول: ammirkoooshesh@gmail.com)

۲. دانش‌آموخته رولبط بین‌الملل واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی  
(mzandiziaranium@gmail.com)



مهاجرت در ایران تأثیر گذاشته است و ایران چگونه می‌تواند با این چالش‌ها مقابله کند؟ فرضیه تحقیق این است که طالبان با تأثیر بر امنیت مرزها و تشدید بحران مهاجرت، تهدیدهای جدی برای ایران ایجاد کرده و ایران لازم است راهبردهای چندگانه‌ای برای مقابله با این تهدیدها اتخاذ کند. روش تحقیق در این مقاله، تحلیلی و توصیفی است؛ با استفاده از منابع معتبر علمی و اطلاعات به‌روز، تأثیر امنیتی طالبان بر ایران بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که تهدیدهای ناشی از طالبان در هر دو بُعد نظامی و مهاجرتی بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار است. برای کاهش این تهدیدها، ایران باید رویکردهای دیپلماتیکی و امنیتی فعال‌تری اتخاذ و همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت کند.

**کلیدواژگان:** افغانستان، امنیت ملی ایران، بحران مهاجرت، تهدید نظامی، راهبردهای امنیتی، طالبان.



# فرهنگ سیاسی ایرانیان

## تأثیر اندیشه‌های سهروردی بر فرهنگ سیاسی در دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی

روح‌اله اسلامی<sup>۱\*</sup>، پگاه لطیفی<sup>۲</sup>

سهروردی، فیلسوف برجسته قرن دوازدهم میلادی، با تأسیس مکتب اشراق و تأکید بر نور و حکمت الهی، یکی از مهم‌ترین چهره‌های فلسفه اسلامی به‌شمار می‌رود. اندیشه‌های او در زمینه فلسفه و سیاست، هرچند که به‌طور مستقیم در سیاست‌های حکومت‌های زمانه‌اش تأثیر نداشت، مفاهیم مطرح‌شده او در تحولات فرهنگی و اجتماعی ایران در دوران‌های مختلف، از جمله دوران پهلوی و جمهوری اسلامی، نقش قابل توجهی ایفا کرده است. در این مقاله، تأثیر اندیشه‌های سهروردی بر فرهنگ سیاسی ایران در دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی بررسی شده است. نشان می‌دهیم که چگونه آموزه‌های او در زمینه‌های مختلف سیاسی و

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد (\*)  
نویسنده مسئول: [Eslami.r@um.ac.ir](mailto:Eslami.r@um.ac.ir)

۲. کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی  
مشهد



اجتماعی، به‌ویژه در مفاهیم فره ایزدی، شاهنشاه ولایت فقیه، دین و دولت، تشیع و ترکیب سیاست و دیانت، گروه‌های مرجع و شهرهای آرمانی تبلور یافته است. در دوران پهلوی، مفهوم فره ایزدی نیروی الهی و مشروعیت‌بخش به سلطنت شاهنشاهی بود. با تأسیس مکتب اشراق و تأکید سهروردی بر نور الهی هم‌راستا شد. شاه در این دوران خود را نماینده‌ای از طرف خداوند می‌دانست که مشروعیت قدرت خود را از این فره الهی می‌گرفت. فلسفه سهروردی که بر حکمت و حقیقت الهی تأکید دارد، در این دوران به‌طور غیرمستقیم در مشروعیت‌بخشی به قدرت سلطنتی و تمرکزگرایی سیاسی به‌کار گرفته شد. در این دوران، شهرهایی مانند شیراز، رشت و تهران نمادهای مدرن‌سازی و پیشرفت اقتصادی معرفی می‌شدند و در این شهرها مفاهیم سیاسی و فرهنگی جدید در کنار ارکان سنتی جامعه قرار داشت. در دوران جمهوری اسلامی، تأثیر اندیشه‌های سهروردی بیشتر در قالب ولایت فقیه تجلی یافت. در فلسفه سهروردی با تأکید بر نور و حکمت الهی و با اساسگذاری نظام جمهوری اسلامی و مبتنی بر اصول دینی و معنوی هم‌راستایی شکل گرفت. در این دوران، ولایت فقیه، در جایگاه مقام رهبری، با تکیه بر حکمت و عدالت الهی شکل گرفت و قدرت حاکمیتی خود را از اصول دینی و معنوی توجیه کرد. در این چارچوب، گروه‌های مرجع، مانند روحانیان و دیگر



نهادهای دینی، حاملان این نور الهی و حقیقت بودند و در هدایت جامعه و تعیین سیاست‌های عمومی نقش کلیدی ایفا کردند. آموزه‌های سهروردی در این دوران - به‌ویژه در ترکیب دین و دولت و شهرهای آرمانی مثل مشهد، قم، اصفهان و تهران - تأثیرگذار بود. این شهرها مراکز معنوی و دینی در جمهوری اسلامی ایران مطرح شدند و نمادی از پیوند دین و سیاست و تلاش برای ایجاد جامعه‌ای اسلامی و آرمانی بودند. در این مقاله، در نهایت نشان می‌دهیم که اندیشه‌های سهروردی در دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی، نه تنها مفاهیم فلسفی، بلکه به‌طور مستقیم بر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر گذاشته و در پیوند میان دین، سیاست و حکمرانی در ایران، نقش برجسته‌ای ایفا کرده است. سهروردی با تأکید بر نور الهی و حکمت، در این دو دوره به‌طور غیرمستقیم در شکل‌دهی به هویت دینی، حکومتی و فرهنگی ایران مؤثر واقع شده است.

**کلیدواژگان:** اشراق، ایران، سهروردی، فرهنگ سیاسی.





## آینده انقلاب اسلامی ایران در عصر هوش مصنوعی؛ پیش به سوی ساخت یا برساخت‌های ذهنی ایرانیان؟

پرهام پوررمضان<sup>۱</sup>

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ش تحولی اساسی در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آورد و تأثیرهای فراوانی بر روندهای داخلی و بین‌المللی داشت. با پیشرفت‌های سریع و روزافزون در فناوری‌های هوش مصنوعی و تأثیر آن بر شیوه‌های زندگی، تفکر و ارتباطات انسانی، پرسش‌های جدیدی دربارهٔ آیندهٔ این انقلاب و نحوهٔ تفسیر و برساخت هویت ملی و مذهبی ایرانیان مطرح می‌شود. در این راستا، بررسی ارتباط هوش مصنوعی با شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ایران و چگونگی تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان اهمیت ویژه‌ای دارد. حال با ذکر این موارد، پرسش این پژوهش این است: هوش مصنوعی چگونه بر شکل‌گیری تفسیر انقلاب

۱. دکتری علوم سیاسی و پژوهشگر گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه  
(parhampourramezan@ut.ac.ir)



دانشگاه مطالعات جهان



اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد و چه برساخت‌های ذهنی جدیدی ایجاد می‌کند؟ هدف این پژوهش بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر آینده انقلاب اسلامی ایران و نحوه شکل‌دهی ذهنیت و برساخت‌های اجتماعی ایرانیان در عصر فناوری‌های نوین است. فرضیه‌این پژوهش این است که با افزایش نفوذ هوش مصنوعی در زندگی اجتماعی و سیاسی ایرانیان، برساخت‌های ذهنی و هویت ملی آنان دستخوش تغییرات مهمی خواهد شد؛ این تغییرات ممکن است به تشدید یا تضعیف مفاهیم بنیادین انقلاب اسلامی ایران منجر شود. در این پژوهش، با استفاده از روش‌های تحلیلی و کیفی، شامل تحلیل محتوا، ابعاد پژوهش و نقش هوش مصنوعی در آن بررسی شده است. داده‌های مورد نیاز پژوهش نیز از گزارش‌ها، مصاحبه با کارشناسان و تحلیل روندهای جهانی جمع‌آوری شده است. در راستای نگاه نظری نیز از نظریه کنش اجتماعی استفاده شد. در نهایت، با تحلیل داده‌های کیفی این‌گونه نتیجه‌گیری شد که انقلاب اسلامی، به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی-سیاسی، با هویتی پیچیده و متأثر از تاریخ و جامعه ایرانی، نیازمند برساخت‌های جدید است تا در برابر چالش‌های مدرن، از جمله ظهور هوش مصنوعی، به‌روز و انعطاف‌پذیر باقی بماند. این برساخت جدید بازتعریف ارزش‌ها و ایدئولوژی انقلاب را شامل می‌شود؛ به‌تبع آن، تقویت مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم را به همراه خواهد



داشت. آینده انقلاب اسلامی ایران در عصر هوش مصنوعی به توانایی جامعه در پذیرش و استفاده خلاقانه از این فناوری‌ها، برای تداوم و تحکیم هویت انقلابی و بهسازی ساختارهای سیاسی و اجتماعی بستگی دارد. **کلیدواژگان:** ادراک ذهنی، انقلاب اسلامی ایران، ناواقعیت، واقعیت، هوش مصنوعی.



## برجسته‌سازی دوگانه «جمهوری اسلامی» و «ایران» در رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران؛ تحلیلی زبان‌شناختی مأنده پورصفائی<sup>۱</sup>

امروزه، رسانه‌ها در شکل‌دهی به ادراک عمومی و هویت جمعی نقش حیاتی دارند. این نقش، به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران که در سال‌های اخیر درگیر تنش‌های سیاسی و اجتماعی متعددی بوده است، به‌طور آشکارتری نمایان می‌شود. یکی از ابزارهای انتقال پیام در رسانه‌ها استفاده از استعاره‌هاست. استعاره ابزاری بلاغی را چارچوب‌های شناختی ذهن ما شکل می‌دهد و به درک و فهم جهان پیرامون کمک می‌کند. استعاره در تشویق واکنش‌های احساسی و ایجاد تصاویر ذهنی خاصی در رسانه‌ها استفاده می‌شود. در این تحقیق، به کشف و تحلیل استعاره‌های به‌کاررفته در دو شبکه بی‌بی‌سی فارسی و *ایرانی‌ترنشنال*، پس از حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی در دی ۱۳۹۸ش و فوت مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ش می‌پردازیم تا چگونگی دامن‌زدن به دوگانه «جمهوری اسلامی»

۱. کارشناسی‌ارشد مطالعات ترکیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران  
([maeesafae@gmail.com](mailto:maeesafae@gmail.com))



و «ایران» را در پوشش خبری این رسانه‌ها بررسی کنیم. منظور از این دوگانه، تفاوت در دیدگاه‌های هویتی و ارزش‌های میان نظام سیاسی و مردم است که به ایجاد شکاف میان دولت و ملت منجر می‌شود. این دوگانه بیشتر در مباحث سیاسی و اجتماعی مطرح و چنین توصیف می‌شود که جمهوری اسلامی ایران حکومتی با لیدئولوژی خاص و در تضاد با هویت ملی تاریخی و فرهنگی عمومی ایرانیان قرار گرفته است. فرضیه پژوهش این است که این شبکه‌ها در پوشش خبری دو رویداد یادشده، از استعاره‌های خاصی برای بیان تحلیل‌های خود استفاده کرده‌اند و هدفشان تقویت دوگانه «جمهوری اسلامی» و «ایران» بوده است. سؤال اصلی پژوهش این است که استعاره‌های به‌کاررفته در دو شبکه فارسی‌زبان در پوشش خبری این دو رویداد چه بوده است و چگونه به ایجاد و تقویت دوگانه «جمهوری اسلامی» و «ایران» دامن زده‌اند؟ بررسی این استعاره‌ها فرصت درک نحوه شکل‌دهی به احساسات عمومی - همچون خشم، ترس، ناامیدی و نارضایتی - را برای پژوهشگر مهیا می‌کند. چارچوب نظری این پژوهش نظریه استعاره مفهومی جورج لیکاف در زبان‌شناسی شناختی خواهد بود. استعاره، از دیدگاه لیکاف، تنها پدیده‌ای زبانی نیست، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از شیوه‌ای است که به‌طور ذاتی به جهان پیرامون و تجارب زیسته خود مفهوم می‌بخشیم. به‌بیان دیگر، استعاره «صنعت



تزیینی زبانی» و منحصر به شعر و ادبیات نیست، بلکه سازوکاری بنیادین در چگونگی درک و تفسیر ما از واقعیت است که در زبان روزمره نیز به وفور یافت می‌شود. لیکاف در کتاب *سیاست/اخلاقی* نشان داد که استعاره‌های مفهومی در چگونگی درک ما از مسائل اجتماعی، سیاسی و اخلاقی نقش کلیدی ایفا می‌کنند. به‌طور مثال، استعاره «جنگ علیه تروریسم» درک ما را از مناقشه‌های بین‌المللی و سیاست خارجی شکل می‌دهد. او در این کتاب، دو الگوی خانوادگی رایج (پدر سخت‌گیر جمهوری خواهان و والدین پروراننده دموکرات‌ها) در آمریکا را مطرح می‌کند و ایده تأثیرگذاری جهان‌بینی متفاوت هریک از این الگوها بر نگاه و انتخاب‌های سیاسی افراد را به بحث می‌گذارد. در این تحقیق، از روش تحلیل کیفی تحلیل استعاره‌ها برای بررسی محتوای خبری دو رسانه خبری بی‌بی‌سی فارسی و *ایرانی‌ترین* استفاده شد. این دو رسانه پربیننده‌ترین منابع خبری فارسی‌زبان خارج از کشور هستند که در سال‌های اخیر، بر شکل‌دهی به ادراک اجتماعی و سیاسی تأثیر زیادی داشته‌اند. برای انجام‌دادن این تحقیق، مقاله‌ها و گزارش‌های منتشرشده پس از سقوط هواپیمای اوکراینی و فوت مهسا امینی بررسی و استعاره‌های به‌کار برده‌شده در شرح این دو واقعه جمع‌آوری و تحلیل شد. همچنین، به شیوه بازتاب آرای مقام‌ها و کنشگران اجتماعی در چرخه



رسانه‌ای این دو شبکه خواهیم پرداخت تا نفوذ استعاره‌ها در شکل‌دهی به گفتمان عمومی و احساسات نسبت به نظام حاکم و کشور را بهتر درک کنیم. هدف از این پژوهش عبارت است از کشف و تحلیل استعاره‌ها در این دو شبکه، برای درک فرایندهای پنهانی که در پشت پرده رسانه‌ها شکل می‌گیرند و تأثیر آن‌ها بر ایجاد شکاف میان دولت و ملت در ایران با برجسته‌سازی دوگانه «جمهوری اسلامی» و «ایران». این پژوهش به فهم بهتری از چگونگی تعامل رسانه‌ها با مخاطبان و تأثیر آن‌ها در برانگیختن احساسات عمومی در جامعه ایران کمک می‌کند.

**کلیدواژگان:** استعاره، ایران، جمهوری اسلامی، رسانه، زبان‌شناسی، علوم شناختی، لیکاف.



## نسبت علوم سیاسی با جامعه ایرانی به مثابه مسئله

عبدالرحمن حسنی فرا<sup>۱</sup>

علوم سیاسی یکی از رشته‌های مهم علوم اجتماعی و مجموعه‌ای از علوم مربوط به سیاست را در خود گرد آورده است. این رشته، مسئول بررسی و نظارت بر نهادهای عمومی و حوزه عمومی در تعامل با قدرت سیاسی و معطوف به «امر سیاسی» است. به عبارت دیگر، از یک طرف به مجموعه‌ای از نظریه‌ها و راهکارها در حوزه عمومی پرداخته می‌شود تا هر جامعه‌ای براساس شرایطی که در آن قرار دارد، مسائل و مشکلات برگرفته از حوزه سیاست را شناسایی کند و برای حل و رفع آن‌ها تلاش و اقدام مناسب کند؛ و از طرف دیگر، تلاش شود تا دانش موجود به شهروندان انتقال یابد تا بتوانند مدنیت، زندگی جمعی مناسب، احترام به حقوق، رعایت قانون و مقررات و همراهی و همکاری متناسب بین ملت (nation) و دولت (state) را در منطق درست خود قرار دهند. بنابراین، علوم سیاسی دانشی در حیطه مباحث نظری و الگوهای عملی جامعه است. مبنای این مقاله بر

۱. دانشیار علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
[hassanifar@yahoo.com](mailto:hassanifar@yahoo.com)





طرح این مسئله است که علی‌رغم ضرورت الزام تناسب حوزه نظر با عمل در منطق دانش سیاست، به‌خصوص در دوران جدید، آنچه در واقعیت جامعه ایرانی رقم خورده است جدایی و فاصله بین حوزه نظر از عرصه عمل است. هر چند از زمان شکل‌گیری این دانش در قالب مدرسه علوم سیاسی (۱۲۷۸ش) و دانشگاه (۱۳۱۳ش)، تحولات زیادی در جامعه ایران روی داده است که به‌نوعی بین دانش سیاست و پدیده‌ها و رخدادها عمومی نسبتی تعاملی برقرار می‌کند، جنبش مشروطه و تحولات مربوط به آن در عرصه نظر و عمل، تغییر سلسله حکومت از قاجار به پهلوی و شکل‌گیری دولت غیرقبیلگی رضاشاه بر اساس ساختارهای دولت مدرن، طرح جمهوریت، ملی‌شدن صنعت نفت، ظهور اندیشه‌های سیاسی مرتبط با استقلال، عدالت، آزادی، انتخابات و مشارکت سیاسی، احزاب، بحث مهم تفکیک قوا، لزوم رعایت اصل نظارت درون سیستمی و بیرون سیستمی، جامعه مدنی، مبارزه با فساد، بحث مهم حکمرانی خوب و ضرورت کارآمدی نظام سیاسی از جمله مباحث و موضوع‌های مهمی است که به‌نوعی برگرفته از دانش سیاست جدید است. در این زمینه حتی نهادها و ساختارهای عینی در عرصه اجتماعی ایران از زمان شکل‌گیری دانش سیاست در جامعه ایرانی به‌وجود آمده‌اند. در این رابطه، در بسیاری از موارد و موضوع‌های تلازم موفقیت‌آمیز بین حوزه نظر و عرصه عمل،



حتماً مت‌ثر از عوامل متعدد و متکثر زیادی بوده است که به نوعی توسعه و رشد در آن‌ها را به‌دنبال داشته است. این موضوع، بحث‌ها و بررسی‌های دقیق تاریخی خود را طلب می‌کند. اما، نکته مهم در حال حاضر و در شرایط فعلی، فاصله‌ای است که علوم سیاسی با واقعیات عینی و در نتیجه، رفع‌نشدن مشکلات جامعه ایرانی دارد. تردیدی نیست، علم سیاست در حوزه ساختار و نهادها، احزاب و گروه‌ها، اقتصاد، فرهنگ، روابط با کشورهای دیگر و موضوع‌های فراوان مرتبط با قدرت سیاسی، بحث و مطلب فراوان دارد. اما، نکته کنونی در جدایی بین آن‌ها و قرارگرفتن نظر و عمل در دو مسیر متفاوت است. نتیجه آن نیافتن راه حوزه نظر و نرسیدن عمل به جا یا مکانی مناسب است. به‌عبارت دیگر سؤال این است که با وجود دانش فراوان در حوزه نظر، چرا عرصه عمل در جامعه ایرانی به آن بی‌توجه است؟ آیا این نظرها بی‌ربط است؟ یعنی، نمی‌توان نسبتی با جامعه ایرانی برقرار کرد؟ یا اینکه الزام‌های عرصه عمل، مانع استفاده از دانش حوزه نظر می‌شود؟ یا اینکه اتفاق نظر در عرصه عمل درباره پذیرش یا رد نظریه‌های حوزه نظر وجود ندارد؟ در نهایت اینکه در اصل، راه هر دو به دلایل بنیادین از هم جداست؟ این نوع سؤال‌ها، در واقع حکایت از بی‌تأثیری حوزه نظر بر عرصه عمل و گوش‌ن سپردن عرصه عمل به نظریه‌های حوزه نظر دارد. این مشکلی



جدی است که باید مسئله‌محور شود تا شاید راه و مفری برای آن پیدا کرد. در این مقاله ابعاد مسئله‌محوری این موضوع مطرح می‌شود. در این مقاله به چالش‌های درونی و بیرونی چرایی نداشتن نسبت دانش سیاست با جامعه ایرانی پرداخته‌ایم. تا زمانی که این چالش‌ها فهم و رفع نشود، نسبت مناسبی بین علوم سیاسی با جامعه ایرانی برقرار نمی‌شود.

**کلیدواژگان:** عرصه عمل، عرصه نظر، علم سیاست، مسئله‌محوری.



## تأثیر شاخص‌های اقتدارگرا در فرهنگ عمومی بر باز تولید اقتدارگرایی در ساخت سیاسی

فاطمه کریمیان<sup>۱\*</sup>، علی حسینی<sup>۲</sup>

سابقه اقتدارگرایی در ایران سابقه‌ای طولانی مدت است و با شکل‌گیری نخستین امپراتوری‌های باستانی در ایران و ساخت سیاسی، اقتدارگرایی در ایران نیز متولد شد. اقتدارگرایی کمابیش جزو لاینفک نظام‌های سیاسی در ایران طی سده‌های گذشته بوده است. فرهنگ سیاسی جامعه ایران بسیار پیچیده است. فرهنگ ایران همواره تحت تأثیر عناصر ملی و مذهبی قرار داشته است و مردم ایران در طول تاریخ ویژگی‌های مثبت، پویا، سازنده، مبارزه‌جویانه و حماسی بسیاری را به‌منصه ظهور رسانده‌اند؛ اما، برخی عناصر و صفات منفی نیز در فرهنگ عمومی ایرانیان به‌چشم می‌خورد که بر ماهیت فرهنگ سیاسی نیز تأثیرگذارند. برخی از این عناصر عبارت‌اند از فقدان فرهنگ گفتگوی هم‌پذیری دیگرپذیری و مدارا

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان (\* نویسنده مسئول):

[karimiyan.f77@gmail.com](mailto:karimiyan.f77@gmail.com)

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان



با «دیگری»، شیوع تک‌گفتگو و ادبیات دستوری و رابطه‌خدايان با بنده یا ارباب و رعیتی، فردگرایی، گرایش به استبداد، سلطه‌پذیری، تسلیم، تقلید، فقدان تفکر و فرهنگ خودانتقادی، فقدان فرهنگ کار جمعی و تلاش برای تک‌روی و تمرکز قدرت در دست یک نفر، تفکر قضا و قدری، بی‌اعتمادی، فقر آموزش، سطحی‌نگری، تصمیم‌گیری احساسی به جای تفکر عقلانی، تضادهای عمیق اجتماعی و فکری شامل کهنه‌گرایی، بیگانه‌گرایی، محافظه‌کاری و وانهادگی فرهنگی. هدف اصلی از این پژوهش آن است که به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که به‌رغم تغییرات تاریخی و گذشت زمان، چه عاملی سبب دوام و بازتولید اقتدارگرایی در ساخت سیاسی ایران شده است؟ فرضیه پژوهش پیش‌رو این است که با توجه به ویژگی‌های فرهنگ عمومی در جامعه ایران، عدم‌شکل‌گیری فرهنگ سیاسی سالم و نبود زمینه فکری، طبقاتی و اجتماعی، امکان شکل‌گیری «جامعه مدنی» در ایران وجود نداشته است و این یکی از عوامل مهم در بازتولید اقتدارگرایی در ایران است. به‌همین دلیل، اگر قرار باشد تحولی رخ دهد، این تحول باید در سطح فرهنگ عمومی، رسانه‌های جمعی به‌عنوان عوامل فرهنگ‌ساز و نیز نظام آموزشی در سطوح پایین تا سطوح عالی و گسترش فرهنگ گفتگو در جامعه شکل بگیرد. در این نوشتار، از امکانات تحلیلی رویکرد استوارت هیوز استفاده



شده است. روش‌شناسی هیوز یکی از روش‌های تعاملی است که علاوه بر تأکید بر واقعیت‌های سیاسی-اجتماعی، توجه ویژه‌ای نیز به ارزش‌های ذهنی و معنوی می‌شود. در این نوشتار در صدد هستیم تا با در نظر گرفتن چارچوب روش شناختی تعاملی هیوز، نحوه ارتباط و تعامل میان فرهنگ عمومی و عدم‌شکل‌گیری جامعه مدنی و تداوم نظام اقتدارگرایی را در ایران تحلیل کنیم.

**کلیدواژگان:** اقتدارگرایی، جامعه مدنی، فرهنگ سیاسی.



## فرهنگ سیاسی ایرانیان و مسئله تجدد در ایران معاصر

نوذر خلیل طهماسبی<sup>۱</sup>

تاریخ سیاسی ایران معاصر بیش از هر چیز با مسئله تجدد پیوند خورده است. اندیشه نخبگان ایران در طیف‌های مختلف طی دو قرن اخیر، به‌انحای مختلف، معطوف به چنین مسئله‌ای بوده است. از نخستین شکست‌ها، رویارویی‌ها و قیاس‌ها، ایرانیان دریافتند که زندگی در مناسبات دنیای نو، مستلزم فراگیری از تجارب بشر برای گذار به زندگی نو است. نخستین درس‌های ایرانیان از تجارب بشری، که تنها محدود به غرب نبود، با نوعی کیاست و درکی ژرف همراه بود. ایرانیان دریافتند که جز از مجرای اندیشه‌ورزی، هم‌اندیشی، قانون‌گرایی، نهادسازی و تحول‌مبنایی نمی‌توان به امکان تجدد در ایران امیدوار باشند. حرکت قانون‌خواهانه ایرانیان به مشروطه، فصل مهمی در تاریخ سیاسی ایران است که نمی‌توان با خوانش سَرسَری از آن گذر کرد. از همان دوره مشروطه و حتی از سال‌ها پیش از آن رخداد، بحث درباره نسبت فرهنگ

۱. دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

[nozartahmasebi@ut.ac.ir](mailto:nozartahmasebi@ut.ac.ir)



سیاسی ایرانیان با تجدد در مرکز بحث قرار داشت؛ اینکه آیا فرهنگ سیاسی ما با گذار به تجدد هم‌آواز می‌شود یا اینکه مانعی جدی، ای‌بسا جدی‌ترین مانع، در برابر چنان مقصودی است؟ در پژوهش حاضر، بر همین مسئله یا پرسش تمرکز شده است و با روش تحلیل محتوا و در نظر گرفتن لندی‌شئه هانس بلومنبرگ پیرامون تجدد و حقانیت عصر جدید (نه کاربست بی‌کم‌وکاست چنین نگاهی)، دربارهٔ مسئله مورد نظر تأمل شده است. به‌منظور درپیش‌نهادن تفسیری روشمند و منسجم، چنین فرضی را می‌توان مبنا قرار داد که بازخوانی تاریخ سیاسی ایران معاصر چنین می‌نماید که فرهنگ سیاسی ایرانیان، مانعی در برابر تجدد ایرانی نیست؛ مهم‌تر اینکه، در فرهنگ سیاسی ایرانیان بر آن بوده‌اند تا در تجدد ایرانی ضمن رستن از دو الگوی «دیگری‌ستیزی» و «دیگری‌ستایی»، راهی میانه بلکه متفاوت را برگزینند؛ بدین معنا که در تجدد ایرانی ضمن حفظ شالودهٔ فرهنگ ایرانی و امر ملی، با فراگیری از تجارب بشری، صرف‌نظر از حصار جغرافیا، گذاری دشوار اما فراگیر به تجدد مطمح‌نظر است. چنین خوانشی از سیر تجددخواهی ایرانیان، به‌معنای تعمیم فرضی واحد بر کل روند تاریخی نیست و راقم این سطور، دربارهٔ فراز و فرود تجدد ایرانی و تضارب آرا ملاحظاتی را در نظر دارد.

**کلیدواژگان:** امر ملی، ایران معاصر، تجدد، فرهنگ سیاسی، نواندیشی.





## «ایران بزرگ فرهنگی» و گزینش‌گری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشه ایران شهری

حامد عامری گلستانی<sup>۱\*</sup>، انوشه دربندی<sup>۲</sup>

گزینش‌گری یکی از ویژگی‌های اصلی و درعین‌حال خاص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. این ویژگی موجب شده است که در طول حیات این نظام سیاسی، همواره یکی از مسائل اساسی، گزینش رویکردهای مورد نظر آن باشد. نکته مهم این است که عمده گزینش‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر اصول ایدئولوژیکی و گاه اقتضاهای امری واقع در منطقه یا جهان بوده است. در این پژوهش، محور اصلی بحث پیرامون چیزی است که بخش نسبتاً مغفول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود: «ایران بزرگ فرهنگی» به‌مثابه اصلی مهم در «گزینش» رویکردی متفاوت در سیاست خارجی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی (\* نویسنده مسئول):

[hamed.ameri@gmail.com](mailto:hamed.ameri@gmail.com)

۲. دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی



دانشگاه مطالعات جهان



«ایران بزرگ فرهنگی» پهنه‌ای است که در آن، می‌توان با بهره‌گیری از قدرت نرم، مبتنی بر مبانی فرهنگی مشترک میان کشورهای این حوزه، با هزینه‌های کمتر نسبت به رویکردهای واقع‌گرایانه در سوی مقابل جغرافیایی آن، پهنه‌ای نو و نگاهی جدید برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باز کرد. ایران بزرگ فرهنگی، ایده‌ای است که گذشته را به آینده ایران زمین پیوند می‌زند. بنیان‌های آن بر مقولاتی چون زبان فارسی، جغرافیای فرهنگی، نوروز و مانند آن است. این مقولات تا زمانی که بیرون از دایره امر سیاسی قرار گرفته باشند، به موضوعی برای سیاست خارجی ایران تبدیل نمی‌شوند. سیاست خارجی ایران در سطح منطقه‌ای برای بهبود، به تنوع بیشتری در گستره نظر و عمل نیاز دارد. ایده «ایران بزرگ فرهنگی» بنیانی استوار برای گسترش تمدنی سیاست خارجی ایران با در نظر داشتن ایران به مثابه اصلی‌ترین «مؤلفه» در گزینش سیاست خارجی است. از آنجاکه ایده «ایران بزرگ فرهنگی»، مبتنی بر اندیشه ایران‌شهری است، در این پژوهش، که به مثابه پیشنهادی برای مبنای «گزینش» در سیاست خارجی است، بر مبنای نظری سازه‌نگاری، اندیشه ایران‌شهری چونان اساسی برای درپیش گرفتن سیاست خارجی معین شده است. این رویکرد، گزینش‌گری در سیاست خارجی را با در نظر داشتن مؤلفه‌هایی چون زبان فارسی، پهنه جغرافیای ایران بزرگ فرهنگی،



آداب و رسوم و سنن ایران شهری و داشتن پیشینه تاریخی مشترک، جهت می‌دهد. از آنجاکه تنش‌های موجود در مناطق غرب ایران و آنچه خاورمیانه عربی خوانده می‌شود، هزینه‌های زیادی را به ایران تحمیل کرده است، «گزینش مبتنی بر ایده ایران بزرگ فرهنگی» رویکردی است که ما را به سمت منفعت بیشتر در سیاست خارجی خواهد برد و ایجاد پیوندهای مستحکم میان کشورهای حاضر در این گستره، به ایران، به چشم دولت «روح و جان» قوام و دوام بیشتری خواهد بخشید.

**کلیدواژگان:** ایران بزرگ فرهنگی، ایران شهری، سیاست خارجی ایران.



## مطالبات زنان و حقوق جوامع قومی و مذهبی در ایران: تعارض یا سازگاری؟

رقیه محمدی آغچه کهل<sup>۱\*</sup>، سید محمدعلی تقوی<sup>۲</sup>

جامعه ایران، به واسطه تنوع فرهنگی و قومی خود، محیطی را به وجود آورده است که در آن ایجاد توازن میان حفظ هویت‌های فرهنگی و تأمین حقوق برابر زنان، با چالش‌های اساسی روبه‌روست. گروه‌های قومی و مذهبی در ایران برداشت‌های متفاوتی از حقوق زن دارند که موجب ایجاد تعارض و چالش در حوزه حقوق زنان شده است. در حالی که قوانین رسمی کشور، به‌ویژه قوانین مدنی و خانواده، در ایران تحت تأثیر اصول فقهی اسلام قرار دارد، گروه‌های اقلیت نظیر اهل سنت، ارامنه و دیگر اقلیت‌های مذهبی هر کدام مقررات و نهادهای فرهنگی و اجتماعی خاص خود را دارند که ممکن است در برخی موارد با قوانین ملی تعارض داشته باشد. در این پژوهش، با استفاده از روش تحقیق کیفی و تحلیل اسنادی،

۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (\* نویسنده

مسئول: [rogayah.mohamadi4030@gmail.com](mailto:rogayah.mohamadi4030@gmail.com)

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی



چالش‌های زنان در دسترسی به حقوق خود در جامعه چندفرهنگی ایران بررسی شده است. داده‌های پژوهش از طریق تحلیل متون حقوقی، قوانین رسمی، مطالعات پیشین گردآوری شده است. در این مطالعه، نظریه تقاطع‌گرایی مبنای نظری استفاده شده است و تأکید می‌شود هویت‌های اجتماعی مانند جنسیت، قومیت و فرهنگ، به‌طور هم‌زمان تبعیض‌ها و نابرابری‌های پیچیده‌ای ایجاد می‌کنند. دغدغه ما در این پژوهش بررسی آن است که آیا به رسمیت‌شناختن تفاوت‌های قومی و مذهبی در ایران به نفع حقوق زنان است یا سبب تبعیض بیشتر به زیان آن‌ها می‌شود؟ پرسش پژوهش آن است که به رسمیت‌شناختن حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی چه تأثیری بر مطالبات زنان در ایران دارد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه چندفرهنگ‌گرایی ممکن است زمینه‌ساز احترام به تنوع فرهنگی و حقوق ویژه قومیت‌های مختلف باشد، در فقدان سیاست‌های حقوق بشری مؤثر ممکن است به تقویت نابرابری‌ها و محدودیت‌های بیشتری برای زنان منجر شود. در این راستا، نقش سیاست‌گذاری‌های دولت، بازنگری در برخی قوانین، آموزش عمومی و ایجاد گفتگو میان فرهنگ‌ها برای دستیابی به حقوق آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش، ضمن تحلیل چالش‌های پیش‌رو، راهکارهایی برای بهبود وضعیت

حقوق زنان در جامعه چندفرهنگی ایران مطرح شده است که گامی است در جهت تحقق عدالت جنسیتی.

**کلیدواژگان:** تقاطع گرایی، حقوق اقلیت‌های مذهبی، قوانین مدنی، مطالبات زنان.



## فراسوی «ایدئولوژی و دیستوپیا»: بایسته‌های سیاست‌ورزی تحول‌خواهانه در ایران امروز

محسن عباس‌زاده<sup>۱</sup>

کارل مانهایم دوگانه «ایدئولوژی و یوتوپیا» را در اشاره به صف‌آرایی فکری در جامعه مطرح کرد: ایدئولوژی‌پردازی در پی حفظ وضع موجود است و یوتوپیا‌اندیشی، درصدد ترسیم وضع بدیل؛ با اقتباس آزاد از این دوگانه معروف می‌توان به صف‌آرایی فکری سیاسی در ایران امروز اشاره داشت؛ بدین صورت که در یک سو، مدافعان وضع موجود همچنان با اتکا به ایدئولوژی به توجیه و حراست از آن می‌پردازند؛ هرچند امروزه بُرد اثرگذاری ایدئولوژی فاصله‌ای قابل توجه با دوران تکوین و تثبیت آن دارد. اما، در مقابل، متأثر از انباشت مطالبات معوق امواج اصلاح‌طلبانه پیشین، به نوعی شاهد روند فزاینده جایگزینی یوتوپیا با دیستوپیا (ویران‌شهر) بوده‌ایم؛ بدین معنا که ایده‌های حامل وجوه یوتوپیایی به‌تدریج جای خود را به هشدارها درخصوص «دستوپیای در راه» داده‌اند؛ به عبارت دیگر، در مواجهه با پیش‌بینی «تابسامانی‌های چاره‌ناپذیر»، باور به «امکان بدیل»

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه مازندران ( [m.abbaszadeh@umz.ac.ir](mailto:m.abbaszadeh@umz.ac.ir) )



کمرنگ‌تر از گذشته می‌نماید. پرسش این است که دوگانه «ایدئولوژی/ دیستوپیا» چه دلالت‌هایی برای سیاست‌ورزی تحول‌خواهانه در ایران امروز دارد؟ پژوهش حاضر بر این مفروض بنا می‌شود که این دوگانه در واقع همچون دوگانه‌ای «غیرسیاسی» عمل می‌کند، زیرا در هر دو سوی آن از این واقعیت غفلت می‌شود که سیاست همواره با «امکان» و «خلق امر جدید» (و در این معنا، امید یوتوپیایی) هم‌بسته بوده است. بر این اساس، فرضیه پژوهش این است که با فهم «سیاست به‌مثابه امکان»، بن‌بست الگوهای تحول‌خواهی پیشین لزوماً به‌معنای پایان امکان تحول نیست. این گمانه با نظر به این واقعیت مطرح می‌شود که علی‌رغم وجود موانعی پیش‌روی تحول‌خواهی در سطح «کلان سیاست»، تحول‌خواهی جاری در سطح «خرده‌سیاست» ایران امروز آرام در حال پیشروی است. در این راستا، «سیاست‌ورزی تحول‌خواهانه» در ایران امروز هم ناگزیر از دربرگیری مطالبات و تحولات جاری در عرصه خرده‌سیاست است و هم نیازمند اندیشیدن به نحوه پیوند و انعکاس آن در سطح کلان سیاست؛ به‌عبارت دیگر، سیاست‌ورزی یوتوپیا‌اندیشانه جدید لاجرم باید حامل ایده‌هایی از نظم سیاسی هماهنگ‌تر با زندگی روزمره باشد. این بازاندیشی، بیش از آنکه «انتخاب» (و لذا دل‌مشغول قضاوت‌شدن بر اساس سرنوشت تحول‌خواهی‌های پیشین) باشد، «ضرورت» به‌نظر می‌رسد، چراکه، به





بیان هابرماسی، اگر که هنجارهای سیاسی از عقلانیت ارتباطی و عاملیت بینذهنی زیست‌جهان صادر نشود، طبق عقلانیت ابزاری بازیگران سیاسی-اقتصادی عرضه خواهند شد. این به‌نوبه خود، به تعمیق شکاف دولت و جامعه منجر خواهد شد و پیامدهای ثبات‌زدای آن علاوه بر توسعه، امنیت کشور را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

**کلیدواژگان:** ایدئولوژی، ایران، تحول خواهی، خرده‌سیاست، دیستوپیا، دموکراسی، کلان‌سیاست، یوتوپیا.



## ریشه‌های تاریخی فرهنگ سیاسی ایرانیان: بررسی تأثیر فرهنگ سیاسی ایران باستان و اسلام بر رفتارهای سیاسی معاصر

محمد عثمانی<sup>۱</sup>

فرهنگ سیاسی در هر جامعه‌ای نتیجه فرایندی تاریخی از تعامل میان باورها، ارزش‌ها، و ساختارهای سیاسی-اجتماعی است. فرهنگ سیاسی ایرانیان، با میراثی غنی از دوران ایران باستان تا پذیرش اسلام، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که بر رفتارهای سیاسی معاصر تأثیرگذار بوده است. در این مقاله در پی تحلیل تأثیرات فرهنگ سیاسی دو دوره مهم تاریخی ایران، یعنی دوران پساباستان و دوران اسلامی، بر شکل‌گیری ارزش‌ها و رفتارهای سیاسی در ایران معاصر بوده‌ایم. در این راستا، ضمن بررسی مفاهیمی چون پادشاهی الهی، اطاعت از اقتدار مرکزی، و عدالت‌طلبی در دوران باستان، به اصولی همچون امر ولایی، برابری، و عدالت اسلامی پرداخته‌ایم. نشان می‌دهیم که تلفیق این دو سنت تاریخی، نظامی از

۱. دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی و پژوهشگر حوزه اندیشه سیاسی ایران و اسلام ([Mo.osmani56@gmail.com](mailto:Mo.osmani56@gmail.com))



اقتدارگرایی را به وجود آورده است که رفتارهای سیاسی معاصر را تعریف می‌کند. سؤال اصلی پژوهش این است که چه عناصر کلیدی‌ای از فرهنگ سیاسی ایران باستان و اسلام اولیه بر رفتارهای سیاسی ایرانیان معاصر تأثیر گذاشته‌اند؟ فرضیه این پژوهش بر این اساس است که فرهنگ سیاسی ایرانیان معاصر متأثر از هم‌پوشانی دو میراث تاریخی ایران پس‌باستان و اسلامی است که الگوی خاصی از تعامل میان قدرت و مردم را بازتولید کرده است؛ امری که با توجه به ذهنیت دینی (مخیال دینی) ایرانیان، مناسبات قدرت را بر پایه مؤلفه‌های الهی استوار می‌سازد. از این زاویه، مشروعیت قدرت مبتنی بر امر ولایی بر ساخته می‌شود تا همواره ساختاری اقتدارگرا در جامعه ایرانی نهادینه شود. بازاندیشی این روند با روش تاریخی - تحلیلی، امکان درک سیر تحول فرهنگ سیاسی ایران را در دوره‌های مختلف تاریخی (ایران باستان و دوران اسلامی) به وجود آورد. در این روش، منابع تاریخی، اسناد مکتوب، و متون اصلی (مانند کتیبه‌های هخامنشی، متون پهلوی، قرآن، و احادیث) مطالعه می‌شود.

**کلیدواژگان:** اسلام، اقتدارگرایی، امر ولایی، ایران باستان، رفتار سیاسی، فرهنگ سیاسی.



## از رسانه‌های سنتی تا شبکه‌های اجتماعی: تحول در فرهنگ سیاسی ایرانیان

علی مرادی بهمنی<sup>۱</sup>

تحول در فرهنگ سیاسی ایرانیان در دو دهه اخیر، به‌ویژه با ظهور شبکه‌های اجتماعی و تغییرات در رسانه‌های سنتی، موضوعی مهم برای پژوهشگران شده است. رسانه‌ها ابزارهایی کلیدی در شکل‌دهی به آگاهی سیاسی و رفتارهای اجتماعی عمل می‌کنند. با توجه به تحولات سریع در عرصه رسانه‌ها و ظهور شبکه‌های اجتماعی، در این پژوهش به دنبال تحلیل عمیق و علمی این آثار بوده‌ایم. هدف این تحقیق، تحلیل تأثیر رسانه‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان است. در این پژوهش به دنبال شناسایی تغییرات در نگرش‌ها، رفتارها و مشارکت سیاسی افراد ناشی از استفاده از این رسانه‌ها بوده‌ایم. در پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه رسانه‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی بر تحول فرهنگ سیاسی ایرانیان تأثیر گذاشته و چه تغییراتی در نگرش‌ها و رفتارهای

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه امام حسین(ع) ([moradialijan@gmail.com](mailto:moradialijan@gmail.com))



دانشکده مطالعات جهان



سیاسی شهروندان ایجاد کرده‌اند؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که رسانه‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی به‌طور هم‌زمان بر تحول فرهنگ سیاسی ایرانیان تأثیر می‌گذارند و این تأثیرات به تغییرات قابل توجهی در نگرش‌ها، رفتارها و میزان مشارکت سیاسی شهروندان می‌انجامد. چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، فضای عمومی و کنش ارتباطی هابرماس و نظریه تأثیر رسانه‌ها شکل گرفته است که چگونگی تأثیرگذاری رسانه‌ها بر آگاهی سیاسی و رفتارهای اجتماعی تحلیل می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی در افزایش آگاهی سیاسی، مشارکت مدنی و شکل‌دهی به نظرهای عمومی نقش بسزایی دارند. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که رسانه‌های سنتی همچنان در ایجاد چارچوب‌های فرهنگی و سیاسی مؤثر هستند، اما تأثیر آن‌ها به‌مراتب کمتر از شبکه‌های اجتماعی است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که کاربران رسانه‌های اجتماعی به‌طور کلی به مسائل سیاسی آگاه‌تر شده‌اند و تمایل بیشتری به مشارکت فعال دارند. این پژوهش نشان می‌دهد که تحول در فرهنگ سیاسی ایرانیان ناشی از تعامل میان رسانه‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی است. با توجه به تغییرات سریع در فضای رسانه‌ای، ضروری است که سیاستگذاران و فعالان اجتماعی به این تحولات توجه ویژه‌ای داشته باشند تا بتوانند از



ظرفیت‌های موجود برای تقویت مشارکت سیاسی و آگاهی عمومی بهره‌برداری کنند.

**کلیدواژگان:** آگاهی سیاسی، تحول رسانه‌ای، رسانه‌های سنتی، شبکه‌های اجتماعی، فرهنگ سیاسی.



## موانع و چالش‌های حکمرانی خوب در ایران: نقش فرهنگ سیاسی از طریق استعاره‌های مفهومی

سیدهاشم منیری<sup>۱</sup>

هدف اصلی این پژوهش، بررسی چگونگی تأثیر فرهنگ سیاسی ایران بر تحقق یا عدم تحقق شاخص‌های حکمرانی خوب از طریق کاربرد استعاره‌های مفهومی است. از این رو، فهم الگوهای فکری و باورهای سیاسی جامعه ایران، که در قالب فرهنگ سیاسی نمود پیدا می‌کنند، با استفاده از استعاره‌هایی که در گفتمان سیاسی رایج هستند، بر نحوه درک، تفسیر و اجرای حکمرانی خوب تأثیر می‌گذارند. بدین ترتیب، سؤال محوری این پژوهش این است که فرهنگ سیاسی ایران چگونه و از طریق چه سازوکارهایی، با کاربرد استعاره‌های مفهومی، بر تحقق شاخص‌های حکمرانی خوب تأثیر می‌گذارد؟ به عبارت دیگر، با طرح این سؤال به دنبال بررسی این موضوع هستیم که آیا ویژگی‌های خاص فرهنگ سیاسی ایران، مانند تمرکز بر قدرت، سنت‌گرایی و عدم اعتماد نهادی، از طریق

۱. دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه‌های سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد  
[se.moniri@mail.um.a.cir](mailto:se.moniri@mail.um.a.cir)



استعاره‌هایی که در گفتمان سیاسی به کار می‌روند، موانعی را در مسیر تحقق حکمرانی خوب ایجاد می‌کنند؟ فرضیه اصلی این پژوهش بر این مبنا استوار است که فرهنگ سیاسی ایران، با ویژگی‌های ذکر شده، از طریق استعاره‌های مفهومی که در گفتمان سیاسی رایج هستند، موانعی را در مسیر تحقق شاخص‌های حکمرانی خوب - مانند شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و کارآمدی - ایجاد می‌کند. به بیان دیگر، استعاره‌هایی که در گفتمان سیاسی ایران به کار می‌روند، نه تنها بازتاب‌دهنده ویژگی‌های خاص فرهنگ سیاسی هستند، بلکه به تقویت و تداوم آن‌ها نیز کمک می‌کنند. در نتیجه، بر نحوه درک و اجرای حکمرانی خوب تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش از روش ترکیبی (کیفی و کمی) برای گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در بخش کیفی، از روش تحلیل محتوای کیفی برای بررسی و دسته‌بندی استعاره‌های مفهومی رایج در گفتمان سیاسی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی استفاده می‌شود. این تحلیل شامل بررسی متون سیاسی، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و سایر منابع مرتبط است. در بخش کمی، از روش تحلیل اسنادی و بررسی مطالعات پیشین برای بررسی رابطه میان این استعاره‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب استفاده می‌شود. چارچوب نظری این پژوهش بر پایه تلفیقی از نظریه‌های مرتبط با فرهنگ سیاسی، حکمرانی





خوب و استعاره‌های مفهومی استوار است. در حوزه فرهنگ سیاسی، از نظریه‌های گابریل آلموند، و سیدنی وریا، رابرت پاتنام و سایر اندیشمندان این حوزه بهره گرفته شده است. در حوزه حکمرانی خوب، از شاخص‌های سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی، سازمان ملل متحد و سایر نهادهای مرتبط استفاده شد. در حوزه استعاره‌های مفهومی، از نظریه‌های جورج لیکاف و مارک جانسون و رویکرد شناختی به استعاره بهره گرفته شد. این چارچوب نظری به پژوهشگر کمک می‌کند تا بتواند رابطه میان این سه مفهوم را به‌طور نظام‌مند و جامع بررسی کند.

**کلیدواژه‌گان:** ایران، استعاره‌های مفهومی، پاسخگویی، حکمرانی خوب، قانون.



## طرح مفهوم کرامت انسانی و نظریه امنیت انسانی در ایران

علی اشرف نظری<sup>۱</sup>

آنچه در دهه‌های اخیر مورد توجه تحلیلگران قرار گرفته است، نوعی تغییر پارادایمی از الگوی دولت‌محور امنیت به الگویی انسان‌محور است. این امر مبین گرایش به سمت الگوهایی است که بر پایه آن دولت‌ها ملزم می‌شود منافع ملی را در راستای حفاظت از حقوق شهروندان، امنیت و رفاه آنان تعریف کند. امنیت دولت، امنیت سرزمینی و امنیت اجتماعی- انسانی به‌نحوی متعامل و هم‌بسته در پیوند با یکدیگر هستند و نمونه‌های موفق امنیت ملی و سرزمینی لزوماً آن‌هایی هستند که امنیت شهروندان را تضمین می‌کنند. پرسش محوری مقاله این است که چگونه می‌توان درکی نو از توسعه و امنیت در ایران داشت؟ فرضیه اصلی این است که با تأکید بر مفاهیم امنیت اجتماعی و امنیت انسانی، ضرورت حفظ هویت، محافظت از موجودیت همه افراد، ارضای حوایج مادی و معنوی، به رسمیت شناختن آزادی و امنیت گروه‌های اجتماعی و ضرورت حفظ بنیان‌های

۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه تهران (aashraf@ut.ac.ir)



هویتی اهمیت یافته است. تأمل مبنایی در باب امنیت انسانی به انسان‌ها کمک می‌کند تا در پرتو رفع نیازهای مادی و معنوی، توان فکری و قابلیت‌های انسانی خود را رشد دهند. بومی‌کردن مفهوم امنیت اجتماعی و بسط آن برای ایجاد توسعه انسانی، آن را با مفاهیمی نظیر رفع فقر، گسترش عدالت اجتماعی، حفظ حرمت و حقوق شهروندان، ارتقای سطح بهداشت و رفاه عمومی، تأمین نیازهای اساسی مردم، حاکمیت قانون، حفظ آزادی‌های مشروع و گسترش زمینه تعالی افراد جامعه هم‌نشین می‌سازد. البته، به این مفاهیم به‌نحوی همه‌جانبه در قانون اساسی توجه شده و تلاش شده است تمهیدات راهبردی لازم برای تضمین حقوق شهروندان و توسعه انسانی در ایران فراهم شود. در فضای فکری جدید با اولویت‌بخشی به مسائلی نظیر گسترش آگاهی، تضمین عدالت اجتماعی، تأمین نیازهای مادی و معنوی، توانمندسازی شهروندان، تسهیل زمینه‌های مشارکت فعالانه برای تأثیرگذاری بر فرایندهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، و نظایر آن زمینه مساعدی برای طرح بحث امنیت انسانی در حوزه توسعه فراهم می‌آورد.

**کلیدواژگان:** امنیت انسانی، ایران، توسعه، دولت، کرامت.



# مسائل سیاسی

## انتخاب راهبرد دوگانه در آینده پیش‌روی انقلاب اسلامی

ابراهیم حاجیان<sup>۱</sup>

در آستانه پست‌سرگذاشتن دهه پنجم انقلاب اسلامی و با امعان نظر به مجموع تحول‌ها، فشارها، تلاطم‌های محیط درونی و بیرونی، هم‌اکنون کشور در معرض انتخاب یا گزینش مجدد راهبرد اصلی یا دکتترین محوری قرار گرفته است. در واقع، هم دشمنان کشور و نظام و انقلاب اسلامی و هم فرایند تشدید و گسترش ناکارآمدی‌های داخلی، متفکران و دلسوزان را بر سر دوراهی کاذب و درعین حال واقعی و عینی قرار داده است. کاذب از این حیث که رقبا و حریفان به‌عمد راهبردپردازان را به این زمین بازی کشانده‌اند. واقعی از این جهت که به ظاهر مجبور به انتخاب سیاست یا گزینه بدیل هستیم. این شرایط بغرنج، با تحولات میدانی پرسرعت پس از عملیات ۷ اکتبر، به‌خصوص با سقوط دولت بشار اسد، تشدید فشارهای تحریمی و غوغای برساخته درباره ورود ترامپ به کاخ سفید تشدید شده و ضرورت انتخاب یکی از دو راهبرد مشخص را دو چندان کرده است. بر

۱. دانشیار جامعه‌شناسی ([Ebrahimhajian42@gmail.com](mailto:Ebrahimhajian42@gmail.com))



این اساس، پرسش اصلی این نوشتار آن است که هم‌اکنون و با نگاه به تحول‌های آینده در محیط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، راهبرد اصلی برای اداره کشور و عبور از بحران‌های خودساخته و دشمن‌ساخته کنونی کدام است؟ یا چه باید باشد؟ با توجه به شرایط پیچیده جاری، به نظر می‌رسد دو گزینه به ظاهر متضاد در پیش‌روی سیاست‌گذاران، متفکران و همه دغدغه‌مندان این آب و خاک قرار داده شده است. یکی آنکه کماکان به پیگیری سیاست‌های کنونی و مبتنی بر برداشت واقع‌گرایانه از نظام ملی و نظام بین‌المللی ادامه دهیم و از راهبردهای سخت برای حفظ و گسترش ایده‌های برخواسته از انقلاب اسلامی و حفظ کیان ملی بهره ببریم. دوم اینکه با توجه به نظریه «ام‌القرآ»، به تقویت، بازسازی و تعمیق زیرساخت‌ها و توانمندی‌های درونی بپردازیم و در پی تقویت و تحکیم سرمایه اجتماعی در درون کشور باشیم. از منظر روش‌شناختی، طرح و بررسی این‌گونه موضوع‌ها و مسائل باید با روش‌های رایج در سیاست‌پژوهی و به‌طور مشخص روش‌های انتخاب گزینه‌های سیاسی یا هدف‌گذاری راهبردی انجام شود. لذا، به اتخاذ رویکرد آمیخته یا ترکیبی نیاز داریم و از موضع «علم‌طراحی» باید با آن مواجه شد. در این زمینه و در مقدمه‌ای واجب باید نخست نگاهی آینده‌پژوهانه به شرایط پیش‌رو داشته باشیم. نگاه، بر اساس یک‌سری معیارها و ضوابط مشخص، به انتخاب دکترین



مناسب برای حفظ، بقا و تعمیق انقلاب اسلامی و کیان ملی کشور پردازیم. بر اساس ملاک‌های پیشنهادی، راهبرد جدید پیشنهادی، که اجرا و پیاده‌سازی آن مشروط به اجماع تمامی نیروهای ملی است، موجب ثبات، بقای تعمیق، تحکیم و توسعه نهضت اسلامی و به معنای حرکت به سمت تحقق راهبرد «ایران قوی» با تکیه بر نظریه «ام‌القرآ» است که توسعه و پیشرفت کشور و ارتقای شاخص‌های رفاهی، سلامت، آموزش و مهم‌تر از همه «امنیت همه‌جانبه» را به دنبال دارد. از سوی دیگر، برای عبور سلامت از فشارهای همه‌جانبه کنونی و آتی دشمن در عرصه بین‌المللی، اتخاذ راهبرد دوری موقت از تحریک و ورود به نقاط حساس و چالش‌برانگیز نظام سلطه و پیروی از راهبرد همراهی و تا حدودی همکاری (و نه الزاماً هم‌دلی و هم‌قدمی یا ادغام در نظام سلطه) ضروری است. با استفاده از این مدل، ضمن حفظ استقلال و هویت انقلابی و ایرانی، جبهه‌های تخصصی و رقابت کاهش می‌یابد و جبهه‌های جدیدی گشوده نمی‌شود. در حقیقت، این راهبرد دوگانه به سمت درون (بازگشت به داخل) است و در عرصه مبارزه با نظام سلطه نیز به سمت تقویت یا حتی گشایش جبهه قوی فرهنگی، رسانه‌ای، تبلیغاتی و حقوقی یا جنگ نرم حرکت می‌کند.

**کلیدواژگان:** ام‌القرآ، امنیت همه‌جانبه، راهبرد اداره کشور، نگاه به داخل.



## تحول تاریخی مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه: مطالعه تطبیقی اندیشه محمدحسین نایینی و داود فیرحی (از مشروطه تا جمهوری اسلامی) آیدا خدابخش آغمیونی<sup>۱</sup>

تحول تاریخی مشارکت سیاسی در اندیشه فقهی شیعه همواره موضوعی مهم در مطالعات دین و سیاست بوده است. در پژوهش حاضر، با تمرکز بر آثار محمدحسین نایینی (در عصر مشروطه) و داود فیرحی (در دوران جمهوری اسلامی)، کوشیده‌ایم روند تطور این مفهوم را از منظر تحلیل گفتمان تاریخی واکاوی کنیم. بر این اساس، سؤال اصلی تحقیق بدین صورت مطرح می‌شود: چگونه و تحت تأثیر چه عواملی، گفتمان فقه سیاسی شیعه از ایده تحدید استبداد در رساله نایینی به طرح حکمرانی حزبی و مردم‌سالاری دینی در آثار فیرحی گذار کرده است؟ در بخش چارچوب نظری، پژوهش از ترکیبی از نظریه تاریخ اندیشه (به‌ویژه رویکرد بسترگرایی کوئنتین اسکینر) و تحلیل گفتمان تاریخی (با تأکید بر

۱. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (Aidakhodabakhsh00@gmail.com)





مناسبات قدرت و دانش) بهره می‌گیرد. این چارچوب، زمینه را برای فهم هم‌زمان بافت تاریخی و نحوه صورت‌بندی مفاهیم در متون فقهی-سیاسی فراهم می‌کند. روش پژوهش حاضر بر گردآوری اسناد و متون اصلی (از جمله تنبیه‌الامه نایینی و کتاب‌های فیرحی درباره فقه و حکمرانی حزبی)، سپس تحلیل مفاهیم کلیدی در آن‌ها استوار است. داده‌های به‌دست‌آمده از طریق مقایسه تطبیقی در دو بافت تاریخی مشروطه و جمهوری اسلامی تفسیر می‌شوند. این پژوهش، به دلیل ماهیت مطالعات فقه سیاسی و تاریخی، فرضیه‌محور صرف نیست؛ اما می‌توان چنین مفروض داشت که با گذار از عصر مشروطه به جمهوری اسلامی، گفتمان فقهی شیعه از اکتفا به نظارت مردم بر حاکم، به پذیرش نهادهای حزبی و قانون عرفی گسترده‌تری سوق یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند هر دو متفکر در چارچوب مبانی شرعی مشترک سخن می‌گویند، رویکرد نایینی معطوف به تحدید قدرت سلطان در پرتو مفاهیم مشروطه‌خواهی است و فیرحی با طرح ایده‌هایی چون تحزب و نهادسازی مدنی، نگاه فراگیرتری به مشارکت شهروندان در حکومت دارد. این تحول را می‌توان نتیجه تلاش در جهت پویایی اجتهاد شیعی در مواجهه با نیازهای جامعه و تغییر ساختارهای سیاسی دانست. نتیجه کلی حاکی از آن است که فقه سیاسی شیعه ظرفیت پذیرش و تعمیق مشارکت مردمی



را دارد و می‌تواند در پاسخ به مقتضیات هر عصر، مفاهیم نوینی عرضه کند. بدین‌سان، در مقاله حاضر با روش تحلیل گفتمان تاریخی و در پرتو چارچوب ترکیبی تاریخ‌اندیشه، تصویری از فرایند شکل‌گیری و تکامل گفتمان مشارکت سیاسی ارائه شده است و برای فهم فرهنگ سیاسی ایران، دلالت‌های کاربردی مهمی دارد.

**کلیدواژگان:** تحلیل گفتمان تاریخی، جمهوری اسلامی، فقه سیاسی شیعه، مشارکت سیاسی، مشروطه.



## نقش بازطراحی اصلاحات در کاهش بی‌اعتمادی نهادی و ترمیم شکاف میان دولت و ملت

سمیرا دردشتی<sup>۱</sup>

فرایند اصلاح‌طلبی به‌منظور حرکت‌دادن نظام حکمرانی به‌سوی تغییر در ایران بیش از هر زمان دیگری در تاریخ پساانقلاب اسلامی به لحظات شکست خود نزدیک شده است. این رویکرد در مقاطعی پلی میان دولت و ملت در ایران عمل کرد و نیروهای اصلاح‌طلب، گروه‌های در میان نشسته‌ای بودند که ارتباط میان دولت و ملت را باواسطهٔ جامعهٔ مدنی تسهیل می‌کردند و کار انتقال مطالبات اجتماعی را به عرصهٔ سیاست رسمی عهده‌دار بودند. با این همه، ناتوانی آنان در انجام کارویژه‌هایی که بر مبنای آن در سپهر سیاسی ایران ظهور کرده‌اند، به کاهش مشروعیت این گروه انجامید و توان سازماندهی وسیع انتخاباتی را از آنان به‌میزان قابل‌ملاحظه‌ای سلب کرد. در این پژوهش تلاش شده است تا با بهره‌گیری از نظریه‌های بیگانگی سیاسی و بی‌اعتمادی نهادی، توضیح دهیم چگونه

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه اصفهان  
([samir.dardashti@gmail.com](mailto:samir.dardashti@gmail.com))



شکست‌های مکرر، احساس ناتوانی و عدم تأثیرگذاری در سپهر سیاسی کشور را میان مردم تقویت کرده است. همچنین، با بهره‌گیری از داده‌های آماری موجود و تجربه تاریخی بر مبنای چارچوب نظری نهادی نشان دهیم که کاهش مشارکت در انتخابات و و ناامیدی در تغییرات چگونه فاصله میان دولت و ملت و عدم اعتماد را تشدید کرده است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که چرا فرایند اصلاح‌طلبی (ایجاد تغییر در شیوه حکمرانی) در ایران با وجود فرازونشیب‌ها و فرصت‌های تاریخی مهمی که در اختیار داشت، نتوانست به اهداف خود دست یابد؟ فرضیه این است که تضاد منافع گروه‌های ذی‌نفع در سیاست، استفاده ابزاری از اصلاحات، ضعف راهبردهای اصلاحی، فقدان نهادهای تاریخی متناسب و استفاده از اصلاحات به‌منزله نشانه، عوامل اصلی شکست این رویکرد بوده‌اند. در نتیجه، بی‌اعتمادی نهادی و بیگانگی سیاسی خروجی چنین شرایطی و در حال رشد است. در این مقاله، با تکیه بر رویکردی ترکیبی از نظریه و داده‌های تجربی و بهره‌گیری از روش تحلیل چندسطحی، تلاش داریم مسیریابی به‌منظور بازطراحی اعتماد نهادی و بهبود وضعیت بیگانگی سیاسی نشان دهیم. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که بدون اعتمادسازی، شفافیت و مشارکت واقعی، حتی بهترین اصلاح‌ها نیز محکوم به شکست خواهند بود. در این مطالعه بر اهمیت بازنگری در



مفهوم اصلاح‌طلبی به‌منظور ایجاد تغییرات مورد نظر جامعه و تمرکز بر نیازهای واقعی مردم تأکید شده است و راه‌حل‌های عملی مشخصی برای کاهش شکاف موجود و بازسازی امید و اعتماد اجتماعی طرح می‌کنیم.

**کلیدواژگان:** اصلاحات نهادی، بی‌اعتمادی نهادی، درماندگی سیاسی، شکاف دولت و ملت، مشارکت مردمی.



## محافظه‌کاری سیاسی و نظم در حال تغییر؛ بررسی تحول فکری راست سیاسی در ایران پس‌انقلاب پیمان زنگنه<sup>۱</sup>

پیدایش مدرنیته، نظم قدیمی و سنتی را تخریب کرد و سامان جدیدی را پی‌افکند. بسیاری از نیروهای تحول‌خواه، همسو با منطق مدرن، درصدد استقرار امر مدرن در جوامع مورد نظر خود هستند. اما، نیروهای محافظه‌کار که نظم سنتی را در حال زوال می‌بینند در تلاش هستند تا با مقاومت در مقابل امواج توفنده مدرن، بقلیای نظم پیشین را نگه دارند. اینان در عین اینکه به مقاومت در مقابل تغییر ناشی از امر مدرن می‌پردازند، در وجهی دیگر به بهانه حفظ سنت‌های اخلاقی متعلق به نظم قدیمی، به گسترش اقتصاد لیبرال مبتنی بر مدرنیته یاری رسانده‌اند. جریان راست سیاسی میانه‌رو در ایران پس‌انقلاب نیز افزون بر دغدغه حفظ سنت‌های اخلاقی مبتنی بر نظم پیشین، به گشایش در حوزه اقتصادی و ترویج اقتصاد لیبرال کمک کرد. این جریان در سیر تحول فکری خود از نوعی گشودگی در حوزه اقتصادی تا بنیادگرایی در حوزه

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه بیرجند (p\_zanganeh@birjand.ac.ir)



فرهنگی در حال تحول بوده است. راست سیاسی در ایران پس‌انقلاب از اتوپیای سنتی و اخلاقی مبتنی بر ارزش‌های اصیل دینی برخوردار بود که طی آن آرمانی گذشته‌گرا را معناکنندهٔ کردارهای خود در حوزهٔ عمل سیاسی می‌دانست. در حوزهٔ ایدئولوژی مسلط که خود داعیه‌دار آن بود نیز به‌نوعی انعطاف به امر مدرن در حوزهٔ اقتصادی بها می‌داد. گفتنی است تغییر بافتار طبقاتی راست سیاسی به‌همراه تحول در شرایط ساختار نهادی رسمی و غیررسمی در تغییر اتوپیای ذهنی آنان و نوع واکنش به امر مدرن مؤثر بوده است. در این نوشتار برآنیم تا با بهره‌گیری از رویکرد نظری ایدئولوژی و اتوپیای مانهایم و روش نهادگرایی تاریخی، تضادگونی خیال سیاسی و امر سیاسی متأثر از مدرنیتهٔ جریان راست سیاسی را بررسی کنیم.

**کلیدواژگان:** اتوپیا، امر مدرن، ایدئولوژی، راست سیاسی، گذشته‌گرایی، نهادگرایی تاریخی.



## انقلاب اسلامی و مسئله سکولاریسم: تأملی از منظر بحث در الهیات سیاسی تجدّد با تکیه بر دو مؤلفه زنان و اقتصاد

شروین مقیمی<sup>۱</sup>

فهم بنیادهای تجدّد از رهگذر بحث در الهیات سیاسی، در نهایت موکول به فهم روندی است که از آن با عنوان «سکولاریسم» یاد می‌شود. سکولاریسم در این معنا، نفی بیشتر سلبی، و در برخی موارد متأخرتر، ایجابیِ مدخلیتِ ساحت استعلایی در سعادت انسان و رسیدن به توصیفی به‌تمامی درون‌ماندگار به این پرسش است: «زندگی خوب چیست؟» با این وصف، و با نظر به فحوای آموزه‌های فیلسوفان سیاسی مدرن اولیه، کوشش برای درون‌ماندگار کردنِ مقولهٔ سعادت، از رهگذر دو مؤلفهٔ بنیادین محقق شده است: نخست تأکید بر منفعت اقتصادی و یا به‌تعبیری دفاع از «انسان اقتصادی»؛ و دوم، صورتی از آزادی‌های به اصطلاح اجتماعی که تبلور تام و تمام آن را در آزادی زنان می‌توان مشاهده کرد. مؤلفهٔ نخست، با تبدیل کردن سود اقتصادی به فضیلت،

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (moghimima@gmail.com)





به نوعی موجبات فراموشی، و نه ضرورتاً محور دین قدمایی را فراهم آورد. مؤلفه دوم، با به حاشیه راندن فضیلت قدمایی شجاعت و مردانگی، زمینه را برای صورتی از زنانه شدن مهیا کرد که مکمل مؤلفه نخست در زدودن جنبه‌های غیرنزاکت‌آمیز زیست اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شد. در این مقاله می‌کوشیم تا پدیدار انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ش را از این منظر بسنجیم. مدعای اصلی ما در اینجا این است که برخلاف برخی تصورات رایج، انقلاب مزبور، در تحلیل نهایی، به برآورده شدن مقدمات اساسی برای تحقق آن دو مؤلفه مدد رساند. انقلاب اسلامی در این معنا، از آنجاکه عمل محسوب می‌شد، لاجرم در عمل به‌اضمحلال الهیات سیاسی قدمایی کمک کرد. تعریف عدالت به مثابه ستلندن سهم کوخ‌نشینان از کاخ‌نشینان، در بنیادین‌ترین لایه‌های آن، متضمن روایتی از عدالت اجتماعی بود که خصلت درون‌ماندگار آن، نویدبخش نیل به ایده «انسان اقتصادی» بود. همچنین، از سوی دیگر، ورود گسترده و توده‌ای زنان از رهگذر انقلاب اسلامی به عرصه عمومی، تغییری را رقم زد که حاملان الهیات سیاسی قدمایی از تصور آن نیز می‌گریختند. حضور زنان در عرصه عمومی، جسم پیدا کرد و عینی شد. از این پس، این طبیعت زنانه است که منطق خود را تحمیل می‌کند و بازگرداندن اوضاع به شرایط قبل، به دشواری بازگرداندن گولی است که از چراغ بیرون آمده باشد. در



اینجا می‌کوشیم تا با تکیه بر این دو مؤلفه، نخست به نحوی دقیق‌تر نشان دهیم که چرا انقلاب اجتماعی در اصل پدیده‌ای مدرن است. سپس، با سنجش انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ش بر مبنای همین مفروضه‌ها، از این مدعا دفاع کنیم که این پدیدار، بسی بیشتر از آنچه در بادی امر به نظر می‌رسد، به الهیات سیاسی تجدد همچون دیباچه ضروری هر رژیم سیاسی مدرنی، مدد رسانده است.

**کلیدواژگان:** اقتصاد، الهیات سیاسی، انقلاب اسلامی، تجدد؛ زنان، سکولاریسم.



## قطبی‌سازی سیاسی در ایران؛ گسست امر سیاسی و مسیر ناهموار وفاق ملی

آسیه مهدی‌پور<sup>۱</sup>

بررسی پدیده قطبی‌سازی سیاسی (political polarization) علل شکل‌گیری و راه‌های کاهش آن در ایران مسئله اصلی این مقاله است. قطبی‌شدن جدایی یا مناقشه آشکار میان گروه‌های اصلی در جامعه یا نظام سیاسی است و از روی دسته‌بندی و رادیکال‌سازی باورها و دیدگاه‌ها در دو جبهه دور و مخالف قابل تشخیص و شناسایی است. در این مقاله، با روش تحلیلی-توصیفی علل شکل‌گیری و راه‌حل‌های کاهش قطبی‌شدن سیاسی در ایران تجزیه و تحلیل شده است. برخی این پدیده را آسیبی جدی در کمین دموکراسی و توسعه سیاسی برشمرده‌اند. برخی نیز معتقدند قطبی‌شدن علاوه بر پیامدهای منفی، افزایش مشارکت و رقابت سیاسی را در پی داشته است. در اینجا قطبی‌سازی آسیب سیاسی و مسئله‌ای قلمداد می‌شود که انسجام و وفاق ملی و امر سیاسی به‌معنای

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید

چمران اهواز (assmahdipour@scu.ac.ir)

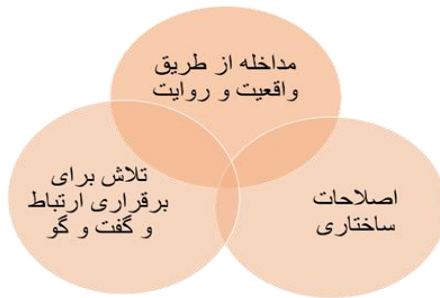


آگونیستی (agonisri) را تهدید می‌کند. اگرچه همهٔ جوامع با مسئلهٔ قطبی‌شدن و قطبی‌سازی در ابعاد سیاسی و اجتماعی مواجهه‌اند و باید دانست که این امر پدیده‌ای پیچیده و درعین‌حال بی‌وقفه است، از دههٔ ۱۳۸۰ش در ایران به‌نظر می‌رسد که در سه بعد ساختاری، نهادی و عاملیت (نخبگان سیاسی) قطبی‌سازی نامنعطف به‌شکل فزاینده‌ای تحولات سیاسی و اجتماعی کشور را به‌سمت نوعی رادیکالیسم سیاسی سوق می‌دهد که ممکن است در آینده به گسست امر سیاسی و به‌حاشیهرفتن نیروهای میانه‌رو و فرهنگ سیاسی میانه‌روی در فضای سیاست ایران منجر شود و زمینهٔ حکمرانی مطلوب مبتنی بر وفاق و انسجام ملی را تضعیف کند. افزایش شکاف دولت-ملت، کاهش سرمایهٔ اجتماعی، بروز بی‌تفاوتی سیاسی، سلب اعتماد سیاسی و تضعیف انسجام ملی از جمله پیامدهای این پدیده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که علل قطب‌بندی و قطبی‌سازی صرف‌نظر از اقدام‌های دشمنان جمهوری اسلامی ایران در ایجاد تفرقه و قطبی‌سازی، به‌ویژه از طریق قطبی‌سازی رسانه‌ای، سه مؤلفهٔ ساختاری، نهادی و عاملیت (نخبگان سیاسی) موجب قطبی‌شدن سیاسی در ایران است. برای یافتن راه‌حل‌های کاهش آثار و پیامدهای این آسیب سیاسی باید از اقدام‌های بلندمدت (اصلاحات ساختاری) و کوتاه‌مدت- شامل مداخله از طریق واقعیت و



روایت و نیز برقراری ارتباط و گفتگو میان گروه‌ها و نیروهای سیاسی - بهره‌گرفت.

**کلیدواژگان:** امر سیاسی آگونیستی، انسجام و وفاق ملی، رادیکالیسم سیاسی، قطبی‌سازی سیاسی.



نمودار ون<sup>۱</sup>. راه‌حل‌ها برای مسئله قطبی‌شدن

۱. Venn diagram سبک نموداری پرکاربردی است که جان ون (۱۹۲۳-۱۸۳۴م) رایج کرد و عبارت است از دایره‌های همپوشانی یا اشکال دیگر برای نشان‌دادن روابط منطقی بین دو یا چند مجموعه از عناصر و پدیده‌ها.

## تبیین چگونگی تأثیر مشترک جریان نواندیشی دینی و اصلاح‌طلبی سیاسی در شناسایی حقوق زن در ایران پس از انقلاب اسلامی

مهدی مهدوی‌زاهد<sup>۱</sup>

«جامعه» کلیتی پیوسته است که نمی‌توان آن را تنها به یکی از اجزای سازنده‌اش فروکاهید. نهادهای اجتماعی «خانواده»، «دین» و «دولت» همواره در تأثیر و تأثر با یکدیگر بوده‌اند و رابطه شبکه‌ای و درهم‌تنیده دارند؛ چنانکه دولت و نظریه‌های مربوط به آن را نیز باید در بستر اجتماعی درک کرد، زیرا «دولت» پدیده‌ای مصنوع و برساخته و متأثر از مبانی فکری و نظام عقیدتی صانع و سازنده آن شکل گرفته است. حال اگر دولت را به‌مثابه پدیده اجتماعی برساخت بشر قلمداد کنیم، میان «صناعی‌بودن» و دگرگونی «دولت و نظریه‌های آن»، رابطه معناداری شکل خواهد گرفت؛ بر این اساس، «اصلاح‌طلبی سیاسی» را می‌توان فرزند جریان «نواندیشی دینی» دانست که نتیجه این والدگری، بازتعریف «هنجارهای دینی» به‌مثابه مبنای «قواعد حقوقی» در عهد جمهوری اسلامی است. بر این بنیاد، فرضیه این مقاله بر این گزاره بنا شده است

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، ([Mahdavizahed@gmail.com](mailto:Mahdavizahed@gmail.com))



که «اصلاح‌طلبی سیاسی» برآمده از بطن «روشنفکران دیندار» و این دو، تسهیلگران شناسایی و تضمین حقوق زنان در ایران پس از انقلاب اسلامی هستند. بر این اساس، در این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش بوده‌ایم که نسبت بین جریان نواندیشی دینی و اصلاح‌طلبی سیاسی با شناسایی حقوق زن در ایران پس از انقلاب اسلامی چیست؟ چارچوب نظری ما ذیل مکتب «واقع‌گرایی حقوقی» و پیش‌فرض اصلی مبتنی بر هم‌بستگی و پیوند بین «تغییرات اجتماعی» با «نهادهای سیاسی-حقوقی» است، زیرا به‌علت پویابودن افراد انسانی، تنظیم‌گری حقوقی روابط اجتماعی نیز باید پویا باشد. از این رو، نمی‌توان با درکی تقلیل‌گرایانه از نهادهای اجتماعی و تعافل از بخش‌های مهمی از آنچه «واقعیت» شناخته می‌شود، حکمرانی کارآمدی داشت. اگر نظام سیاسی، پویای اجتماعی را در نظر نداشته باشد و به‌طور مستمر خود را در معرض نقد خرد جمعی قرار ندهد، اصطکاک بین ساحت‌های اجتماعی و سیاسی رخ خواهد داد. از این روی، می‌توان این مقاله را در ذیل مطالعات میان‌رشته‌ای حقوق و علوم اجتماعی دسته‌بندی کرد. این مقاله از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و از حیث روش تحقیق توصیفی-تبیینی است.

**کلیدواژگان:** اصلاح‌طلبی سیاسی، تغییرات اجتماعی، حقوق زن، خانواده، نواندیشی دینی.



## قشربندی اجتماعی، تشکلهای و نقش آنها در اعتراضهای سیاسی در ایران پس از انقلاب مرتضی نوروزپور<sup>۱</sup>

تفاوت‌های بین افراد در جامعه، اقشار را می‌سازند و اقشار تشکلهای را شکل می‌دهند و تشکلهای نیز در اعتراضهای سیاسی تأثیرگذار خواهند بود. در این پژوهش، بر اساس مدل چارلز ای هورست (۱۳۹۶)، از طریق مطالعات اسنادی اقشار، تشکلهای و نتایج آنها بررسی شده است. نابرابری در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ش در رسته‌های نابرابری طبقاتی، نابرابری جنسیتی، نابرابری قومی و تفاوت‌های سیاسی قرار می‌گیرد. با بررسی تشکلهای ناشی از این تفاوت‌ها و تأثیر آنها بر جنبش‌ها و اعتراضهای اجتماعی طبقاتی، جنسیتی، قومی و سیاسی، این نتیجه حاصل شد که اعتراضهای مربوط به طبقه بی‌طبقه، سرمایه‌داران و خرده‌بورژوازی و قومیت‌ها، در سال‌های ابتدای انقلاب و تا دهه هشتاد دستاوردهای ملموسی داشته‌اند و توانسته‌اند سیاست‌های اعمالی دولت را تغییر دهند

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی  
(morteza.noroozpour@gmail.com)





یا حتی اصلاح کنند؛ از آن جمله می‌توان به مشهد در سال ۱۳۷۱ش، اسلامشهر در سال ۱۳۷۴ش یا اعتراضات بازار در سال ۱۳۸۷ش اشاره کرد که به اصلاح سیستم طرح جامع در مشهد، تأمین نیازهای اولیه در اسلامشهر یا تعلیق قانون مالیات بر ارزش افزوده انجامید، اما همین اعتراض‌ها نیز پس از گذر از سال ۱۳۸۸ش با برخورد مناسبی مواجه نشدند؛ از آن جمله می‌توان به برخورد سخت به اعتراض‌های بازار تهران در سال ۱۳۹۷ش اشاره کرد. قومیت‌ها و اعتراض‌های قومی نیز در طول سال‌های پس از انقلاب بیشتر موفق بوده‌اند و توانسته‌اند سیاستگذاری‌های دولت را اصلاح یا تعدیل کنند؛ از آن جمله می‌توان به اعتراض‌های قزوین در سال ۱۳۷۳ش یا تبریز و شهرهای ترک‌نشین در سال ۱۳۸۵ش اشاره کرد که به استان‌شدن قزوین یا تعلیق روزنامه و اصلاح برنامه‌سازی در صداوسیما انجامید. اما، موفق‌ترین و مستمرترین جنبش پس از انقلاب متعلق به جنبش زنان است که تغییرات بسیار زیادی را در قوانین اعمال کردند و سطح آگاهی در جامعه را بالا برده‌اند. اما، همین جنبش هم در مقاطعی مانند مخالفت با لایحه حمایت از خانواده که توانسته این تمامی طیف‌ها اجماع ایجاد کند دستاوردهای بیشتری کسب کرده است. از جمیع جهات می‌توان نتیجه گرفت که هرگاه جنبش‌ها در ایران توانسته‌اند بین تمامی طیف‌ها اجماع ایجاد کنند موفق بوده‌اند و به تعبیر



هورست بیشتر توانسته‌اند در سیاست‌ها تغییر ایجاد کنند. دوم آنکه پاسخ دولت به جنبش‌ها و اعتراض‌ها با گذر از سال‌های دهه ۶۰ به مرور سخت‌تر شده است. سوم آنکه جنبش‌های سیاسی یا جنبش کارگری هیچ‌گاه پاسخ مساعدی از دولت دریافت نکرده‌اند و در ایران نسبتاً شکست خورده‌اند. در مقابل، جنبش زنان یکی از موفق‌ترین جنبش‌ها بوده است. **کلیدواژگان:** اعتراض‌های اجتماعی، اعتراض‌های قومی، تشکل‌های سیاسی، جنبش زنان.



## نمایه

142.....	قومی	131.....	اتوپیا
80.....	افغانستان	35.....	اجماع‌سازی
98, 111.....	اقتدارگرایی	123.....	اداره کشور
6-23.....	اقتصاد سیاسی	87.....	ادراک ذهنی
17.....	اقتصاد غیررسمی	6.....	ارسیا، بابک
106.....	اقلیت‌های مذهبی	60.....	اروپا
54.....	اقلیم کردستان عراق	91.....	استعاره
25.....	اکبری نوری، رضا	117.....	استعاره‌های مفهومی
134.....	الهیات سیاسی	62.....	اسرائیل
123.....	ام‌القرآ	111.....	اسلام
137.....	امر سیاسی آگونیستی	82.....	اسلامی، روح‌اله
131.....	امر مدرن	84.....	اشراق
100.....	امر ملی	68.....	اصغری، هاجر
111.....	امر ولایی	129.....	اصلاحات نهادی
	امنیت	139.....	اصلاح‌طلبی سیاسی
19.....	اقتصادی		اعتراض
119.....	انسانی	142.....	اجتماعی



80	مهاجرت	80	ملی
35	انباشته	123	همه‌جانبه
75	برجام	137	انسجام ملی
75	برساخت اجتماعی	44, 47, 87, 134	انقلاب اسلامی نیز
56	برندسازی ملی		ر.ک. جمهوری اسلامی
19	بوروکراسی	50	ایالات متحده
129	بی‌اعتمادی نهادی	109, 131	ایدئولوژی
91	بی‌بی‌سی فارسی	111	ایران باستان
44	بیرونی‌سازی دشمنی	103	ایران بزرگ فرهنگی
		15	ایران و روسیه، مقایسه
117	پاسخگویی	103	ایران شهری
53	پشنگ، اردشیر	91	اینترنشنال
55	پورحسین، ناصر	49	آقامحمدی، ابراهیم
85	پوررمضان، پرهام	114	آگاهی سیاسی
88	پورصفائی، مانده	67	آمریکای لاتین
6	پورعلی، سعید		
29	پویایی قدرت	51	باقری دولت‌آبادی، علی
		15	بانک مرکزی روسیه
15	تاب‌آوری اقتصادی	60	بحران



57.....	تیشہ بار، ماندانا	100, 134.....	تجدد
41.....	ثاقب، هومن	51.....	تحریم
98.....	جامعۀ مدن	23.....	ابعاد حقوق بشر گرایانه
58.....	جغرافیای سیاسی	23.....	هزینه‌ها
56, 72, 82, 91,	جمهوری اسلامی	15.....	تحریم‌ها
126	نیز ر.ک. انقلاب اسلامی	114.....	تحول رسانه‌ای
142.....	جنبش زنان	109.....	تحول خواهی
72.....	جنوب غرب آسیا	49, 51, 59, 75,	ترامپ، دولت دوم
62.....	چالش‌های اقتصادی	121	
51.....	چین	142.....	تشکل‌های سیاسی
121.....	حاجیانی، ابراهیم	56.....	تصویرسازی بین‌المللی
40.....	حاکمیت ملی	12.....	تغییر مالکیت
17.....	حجم دولت	139.....	تغییرات اجتماعی
92.....	حسنی فر، عبدالرحمن	63.....	تفکری، تهمینه
139.....	حقوق زن	106.....	تقاطع‌گرایی
117.....	حکمرای خوب	104.....	تقوی، سیدمحمدعلی
		47.....	تلازم دین و سیاست
		80.....	تهدید نظامی
		21.....	تورم
		119.....	توسعه



40..... رفاه	139..... خانواده
دیپلماسی	خاورمیانه.....ر.ک. غرب آسیا
72 ..... علمی	124.....آیدا.....خدابخش آغمیونی،
62 ..... قدرت متوسط.....	109.....خردهسیاست
109..... دیستوپیا	12.....خصوصی سازی
رابرتز، مایکل.....21	خلیل طهماسبی، نوذر.....99
27..... رابطه قدرت و مردم، بازتعریف.....	42.....خودمختاری
137.....رادیکالیسم سیاسی	38.....دال شناور
131.....راست سیاسی	38.....دال مرکزی
80.....راهبردهای امنیتی	101.....دربندی، انوشه
35.....راهبردهای ترکیبی	127.....دردستی، سمیرا
8.....راه‌نجات، میترا	28.....درشتی، حنانه
59.....رحمتی، رضا	129.....درماندگی سیاسی
91.....رسانه	30.....دلاوری، ابوالفضل
114.....رسانه‌های سنتی	109.....دموکراسی
111.....رفتار سیاسی	82.....دوره پهلوی
35.....رفرم‌های هم‌زمان	19, 119.....دولت
9.....رقابت	40.....چهاردهم



- روابط اقتصادی ..... 51
- روابط خارجی ..... 60
- رنالیسم تدافعی ..... 67
- زبان ..... 54, 102
- زبان‌شناسی ..... 36, 91
- زمانی، محسن ..... 65
- زنان ..... 134
- زندگی زیارانی، محمد ..... 79
- زنگنه، پیمان ..... 130
- ژئوپلیتیک ..... ر.ک. جغرافیای سیاسی
- ساختار سیاسی ..... 25-47
- سازماندهی قدرت تأسیس ..... 44
- سازمان‌های خصوصی ..... 42
- سازمان‌نگاری ..... 64
- سبحانی، عارف ..... 10
- سبزی، علی ..... 13
- سکولاریسم ..... 47, 134
- سلمانی، محمدمتین ..... 63
- سهروردی ..... 84
- سوریه
- پسااسد ..... 78
- سیاست پولی ..... 15
- سیاست تنازعی ..... 35
- سیاست جهانی ر.ک. سیاست خارجی
- سیاست خارجی ..... 49-80
- سیاست منطقه‌ای ر.ک. سیاست خارجی
- سیاست همسایگی، ر.ک. سیاست خارجی
- سیاست‌گذاری ..... 69
- شبکه‌های
- غیررسمی ..... 42
- اجتماعی ..... 114
- غیررسمی ..... 29
- شریعتی، شهروز ..... 68



38.....	عقلانیت	17.....	شفافیت
95.....	علم سیاست	129.....	شکاف دولت و ملت
47.....	علوم انسانی	35.....	شوک درمانی
91.....	علوم شناختی	70.....	صنیع اجلال، مریم
96.....	علی حسینی، علی	80.....	طالبان
16.....	علیفرسنگی، فرناز	52.....	طوفان الاقصی
7.....	عوامل اقتصادی و اجتماعی	19.....	ظرفیت‌های دولت
21.....	عوامل ساختاری	101.....	عامری گلستانی، حامد
25.....	عیسی‌وند، لیلا	107.....	عباس‌زاده، محسن
52.....	غرب آسیا	110.....	عثمانی، محمد
42.....	فردگرایی	38.....	عدالت
83.....	فره الهی	64.....	عربستان
7.....	فرهنگ سیاسی	61.....	عرب‌عامری، جواد
82-119.....	فرهنگ سیاسی ایرانیان	95.....	عرصه عمل
126.....	فقه سیاسی شیعه	95.....	عرصه نظر
36.....	فقیری، محمد		
124.....	فیرحی، داود		





18.....	کمالی‌زاده، محمد	117.....	قانون
35.....	کمین برای فرصت‌ها		قانون اساسی
	کنش ارتباطی	27.....	بازنگری
78.....	مبتنی بر صبر	27.....	نقش زبان
78.....	مقابله‌جویانه	52.....	قدرت منطقه‌ای
78.....	میانجی‌گرایانه	39.....	قربانپور(دشتکی)، علی
20.....	کهن‌هوش‌نژاد، روح‌اله	137.....	قطبی‌سازی سیاسی
22.....	کیوان‌حسینی، اصغر	106.....	قوانین مدنی
		40.....	قومیت
131.....	گذشته‌گرایی		
38.....	گفتمان	60.....	کارکردگرایی
126.....	گفتمان تاریخی	119.....	کرامت
		54.....	کردهای سوریه
82.....	لطیفی، پگاه	51.....	کرم‌پور، علی
91.....	لیکاف	36.....	کریمی، غلام‌رضا
		96.....	کریمیان، فاطمه
23.....	محاسبه‌اغفال‌کننده	63.....	کشاوریز مقدم، الهام
104.....	محمدی‌آغچه‌کهل، رقیه	109.....	کلان‌سیاست
12.....	مدل هفت‌اس مکینزی	16.....	کمالی، یحیی



138..... مهدوی زاهد، مهدی	12..... مدیریت
135..... مهدی پور، آسیه	112..... مرادی بهمنی، علی
79..... میر کوشش، امیر هوشنگ	41..... مرتضویان، سیدعلی
9..... ناکارامدی	121-42..... مسائل سیاسی
87..... ناواقعیت	73..... مسعودی، حیدرعلی
124..... نایینی، محمدحسین	95..... مسئله محوری
52..... نظام بین الملل	7, 126..... مشارکت سیاسی
118..... نظری، علی اشرف	129..... مشارکت مردمی
123..... نگاه به داخل	126..... مشروطه
137..... نمودار ون	12..... مصادره
131..... نهادگرایی تاریخی	106..... مطالبات زنان
43..... نهادمندشدن قدرت	7..... مطالبه آزادی
7..... نهادهای حکومتی	132..... مقیمی، شروین
100..... نواندیشی	42..... ملک زاده، حمید
139..... نواندیشی دینی	76..... ملکی آدرانی، زهرا
140..... نوروزپور، مرتضی	44..... منصورنژاد، محمد
17..... نوسان اقتصادی	منطقه نوروز, 54.ر.ک. جغرافیای سیاسی
58..... نومنطقه گرایی	115..... منبری، سیدهاشم



69.....	وابستگی به مسیر	12.....	هپکو
67.....	وابستگی متقابل	72.....	همکاری علمی بین‌المللی
87.....	واقعیت	72.....	همکاری‌های منطقه‌ای
40, 137.....	وفاق ملی	67.....	همگرایی
83.....	ولایت فقیه	58.....	همگرایی منطقه‌ای
		87.....	هوش مصنوعی
109.....	یوتوپیا	39, 54.....	هویت

